چهارشنبه ۱۳ عقرب۱۳٦٦
Nov. 4, 1987
سال هشتم شماره ٥۲ و٥۳
شماره مسلسل ۱۹۰٦
سال تا سیس ۱۳٥۹



حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستا ن



رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس شو رای انقلابی ج.د.ا باعده یی از رهبران هیا تهای اشتراك کننده، درهیات رئیسه جلسه با شکو هی که بـه منا سبت ۷۰ مین سا لگرد انقلاب کبیر سو سیا لیستی اکتو بر در قصر کر یملین بر گزار گردید .

تیلی فوتو ـ تاس ـ باختر

بزرگداشت از میلاد النبی (ص)

دیروز ۱۲ عقرب سال۱۳٦٦ هجری شمسی مطابق به ۱۲ ربیع الاول۱٤۰۸ هجری‌قمری مصادف با روز میلاد مسعود حضرت سر ور کا ئنات‌محمد مصطفی (ص) بوده وازین روز بزرگ تاریخی جهان اسلام‌با تدویر محافل ومراسم دینی‌و مذهبی در سرا سر کشـور تجلیل بعمل آمد .

در محفل باشکوهی هیکه قبل از ظهر دیروز به منا سبت تجلیل از این روز خجسته‌در قصر دلکشاه بر گزار شده‌بود عده‌یی از اعضای‌بیروی‌سیاسی ودارالانشاء وبرخی از اعضای کمیته مر کزی‌حزب دموکرا‌تیك خلق افغا نستان، معاو‌نین و اعضای شورای انقلابی وشورای‌وزیران ج.د.ا عده‌یی از اعضا ی شو رای عالی علماء و رو حا نیون ج.د.ا منسو بین‌وزارت‌شئون اسلامی واوقاف ج.د.ا ،نماینده گان قوای مسلح ج.د.ا ، بر خی‌از سفرا وشارژ دافیر های‌سفارتخانه‌های کشور های‌اسلامی مقیم کابل ، بر خی از امامان، خطبا و واعظان‌مساجد ، تکایا وجماعت خانه های شهر کابل استادان ومعلمان مدارس دینی شهرکابل ،نیز اشتراك نموده بودند .

به اساس گزا رشهـا ی رسیده از ولایات کشور مردم زحمتکش ومتدین ما از میلاد خجسته پیامبر بزرگ ا سلام حضرت محمد مصطفی (ص) بابر گزاری مراسم خاص‌دینی ومذهبی، ختمهای‌قر آن‌عظیم‌الشان ،ایراد خطابه ها وموعظه ها درمساجد، تکایا،جماعت‌خانه‌هاوسایراماکن مقدسه و همچنان با دادن خیرات و صدقات تجلیل نمودند .

درین محافل ومراسم علما، رو حا نیون ،امامان مسا جد، خطباء ،واعظان تکا یا واماکن مقدسه در رابطه به فضیلت روز میلاد با سعادت حضرت سر ور کا ئنات محمدمصطفی (ص) مو عظه هاو خطا به هایی ایراد نموده وبخاطر تا مین‌و استقرار صلح وامنیت سراسری در کشور ،قطع جنگ برادر کشی ، تحقق سیاست اسلامی وانسانی مصالحه ملی وخیر وسعادت تمام مسلمانان‌بخصوص مردم‌شرافتمند ومتدین ج.د.ا د عا نمودند .

باختر

فرمان هیأت رئیسهٔ شورای انقلابی ج.د.ا،

در مورد تدویر لویه جرگه

از آنجا ئیکه مشی مصالحه ملی راهش را پیروزمندانه در میان اقشار و طبقات مردم باز نموده ،مورد پشتیبانی و تا یید آنان قرار گرفته است ، به منظور رشد بعدی این مشی کاملا انسانی، قطع جنگ و برادر کشی و تامین صلح پایدار وسراسری در وطن محبوب ما افغانستان سر بلند و تاریخی هیأت رئیسه شورای انقلابی ج.د. ا در جلسه اخیر خود قانو ن چگونگی تدو یر و فعالیت لویه جرگه این عالیتر ین مظهر اراده مردم مارا به تصویب رسا نید، که غر ض آگاهی همو طنان به نشر میرسد .

فرمان هیئت رئیسه شورای انقلابی ج . د .ا . درباره تصویب قانون در موردچگونگی تدویر و فعالیت لویه جرگه. هیئت رئیسه شو رای انقلابی ج . د . ا بتاسی از حکم ماده (٤٤) اصول‌اساسی ج.د. ا . تصویب میدارد :

ماده اول :

قانون در مورد چگو نگی تدویر و فعالیت لو یه جر گه به داخل شش ماده تصویب است .

ماده دوم :

مطابق به احکام این قانون لویه جرگه صر فا بمنظور تصویب قانون اساسی و انتخاب رئیس‌جمهور ،تدویر میبابد.

در آینده چگو نگی تدو یر و فعالیت لویه جرگه مطا بق به‌احکام قانون اساسی صورت میگیرد .

ماده سوم :

این فرمان از تاریخ تصویب نافذ ودر جریده رسمی نشر میگردد .

(نجیب الله صدر هیئت رئیسه شورای انقلابی ج.د.ا)

قانون چگونگی تدو یر و فعالیت لویه جرگه:

ماده اول :

لویه جرگه در ماه قو س سال ۱۳٦٦ در شهر کابل پایتخت ج. د. ا دا یر گردد.

ماده دوم :

مسایل ذیل جهت بر رسی و اتخاذ تصمیم به لویه‌جرگه ارائه گردد:

۱- تصویب قانون اساسی

۲- انتخاب رئیس جمهور

ماده سوم :

اشخاص ذیل به حیث اعضا شامل ترکیب لویه جرگه گردد :

۱- اعضای شورای انقلابی ج . د . ا .

۲- اعضای شورای وزیران ج . د . ا .

۳- اعضای ستره محکمه ج . د .ا

٤- لوی خار نوال ج . د.ا. و معاو نین آن .

٥- اعضای کمیته اجرائیه جبهه ملی ج . د .ا .

٦- روسای کمیته های ولایتی جبهه ملی ج . د. ا و کمیته های معادل آن‌وهمچنان روسای کمیسیو نهای مصالحه ملی ولا یات و معادل‌آن.

۷- ده الی سی نفر از احزاب سیاسی .

۸- ده ، ده نفر ازسازمان های اجتماعی ذیل :

۱- اتحادیه های صنفی ج.د. ا .

۲- اتحاد یه کو پرا تیف های دهقانی .

۳- ساز مان دمو کراتیك جوانان افغا نستان .

٤ - شورای سراسری زنان افغا نستان .

٥- انجمن حقوق دانان ج.د. ا .

٦- اتحادیه ژورنا لیستان ج . د . ا .

۷- انجمن نویسنده گان ج . د .ا. .

۸- اتحادیه هنر مندان ج . د .ا.

۹- اتحادیه پیشه وران ج . د .ا.

۱۰- اعضای کمیسیون عالی مصالحه ملی .

۱۱- روسای کمیته های اجرا ئیه جرگه های ولا یات و معادل آن .

۱۲- از شهر های مراکز ولایات و معدل آن که تقسیمات نا حیوی دارند ، از شهر واز هر ناحیه یك نما ـ ینده واز شهر های مراکز ولا یات ومعادل‌آن که‌تفسیمات ناحیوی ندارند یك ، یك نماینده .

۱۳- روسای کمیته های اجرا ئیه نواحی شهر کابل جبهه ملی ج . د . ا و همچنان روسای کمیته ها ی مصالحه ملی نواحی شهر کابل .

۱٤- اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی وکمیته کار آن .

۱٥- ده نفر از جر گه اقوام‌و قبایل ج.د. ا.

۱٦ - ده نفر از جر گه کوچیان .

۱۷- ده نفر از جر گه مردم زحمتکش ملیت هزاره .

۱۸- ده نفر از شورای عالی علما و روحا نیون ج.د . ا .

۱۹- اکاد میسین ها و کاندیدان اکادمیسین .

۲۰- ده نفر از شورای مشور تی اقتصادی ج . د .ا.

۲۱- قهرما نان ج. د.او قهرما نان کار ج . د .ا .

۲۲- یکصدو پنجاه نفر از قوای مسلح ج . د .ا .

۲۳- یك ، یك نفر به معرفی جرگه های نماینده‌گان ولسوالی ها و علاقه داریها

ماده چهارم:

ارگا نهای دولتی، احزاب سیاسی ، سازمانهای‌اجتماعی بر طبق حکم ماده سوم این قانون در طی هفت روز لست افرادیرا که باید در لویه‌جرگه اشتراك نما یند ، به هیئت رئیسه شورای انقلابی ج.د.ا ارائه نمایند .

ماده پنجم :

۱- الی انتخاب رئیس جمهور لویه جرگه تو سط رئیس شورای انقلابی ج.د.ا و یا توسط معاون رئیس‌لویه جرگه که در اولین جلسه‌لویه جرگه انتخاب میشود ،افتتاح و جلسات آن پیشس برده می شود.

۲- جبهه ملی ج . د. ا و احزاب سیاسی میتوانندجهت انتخاب به پست ریاست جمهوری نماینده گان‌خویشرا کاندید و فیصله ارگا نهای مرکزی خویشرا در زمینه به لویه جرگه ارائه نمایند .

۳- رئیس جمهور به اکثریت آرای اعضای لویه جرگه از طریق رای گیری علنی انتخاب میگردد.

ماده ششم :

این قانون از تاریخ تصویب نافذو درجریده‌رسمی نشر میگردد .

در راه اکتوبر

جلسهٔ مشترک کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش، شورای عالی اتحاد شوروی وشورای عالی فدراتیف روسیه به مناسبت ۷۰ مین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر

جلسه مشترك کمیته‌مرکزی حزب کمو نیست اتحادشوروی ،شورای عالی‌آنکشور وشورای عالی فدراتیف روسیه پریروز در کاخ کریملین بمنا سبت تجلیل از هفتا دمین سا لگرد انقلاب کبیر اکتوبر دایر گردید.

رفیق اندری گرو میکوعضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حـزب کمو نیست اتحـاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی آنکشور دربیانیهٔ افتتاحیهٔ خود در ین جلسـه گفت:

داعیهٔ انقلاب اکتوبر نه‌تنها در کشور ما زنده است بلکـه میتوان آنرا در پیشرفت ها ی کشور های سو سیا لیستـی مشا هده نمود،این داعیه در راه و روش احزاب کمونیستی وکارگری در مبارزا ت آزادی‌بخش ملی در جنبش تمام‌نیرو های متر قی جهان برای صلـح و بر ضد مسابقه تسلیحا تی خاصتاً مسابقه اسلحه ذرو ی و بر ضد نظا می سا ختـن کیهان نمودار است .

اندری گرو میکو افزود :

۷۰ میـن سالگرد حکو مت شوروی مشی بود که در مسیر آن میتوانیم به گذشته بنگر یم و با اعتماد بگوییم بلـی در حقیقت‌ما راه طولانی وپرشکوه را طی نمودیم که با موا نـع ومشکلات همراه بوده‌طی این مدت‌خون‌های زیاد ریخته شده اما مردم ما بر همه پدیده هـا پیروز شدند که نتایج‌این راه پیروزی های بزرگ سوسیالیزم ، ارزش های تازه روابط اجتماعی سو سیا لیستـی ، پیروزی اندیشه مارکسیستی‌ـ لنینیستی وپیروزی‌ایدیال های انتر نا سیو نا لیزم‌پرولتر ی میباشد .

وی از مهمانان خار جی که به خاطر تجلیل از ۷۰ میـن سالگرد انقلاب کبیر سو سیالیستی اکتو بر وارد مسکـو شده‌اند، ابراز تشکر نمود.

بعداً رفیق میخائیل‌گرباچف منشی عمومی کمیته مر کز ی حزب کمونیست اتحادشوروی بیانیه خود رادرین جلسـه باشکوه ایراد کرد .

رهبر شوروی در بیا نیهٔ خود مراحل تاریخ هفتاد سا له کشور شورا ها را ارز یا بـی نموده و در باره پیروزی ها و مشکلات‌پروسه های‌بازسازی، تاثیر انقلاب کبیر اکتو بـر بر انکشا ف روابط بین‌المللی و پرابلم های مبرم جهـان معاصر به تفصیل رو شنـی انداخت .

بیانیهٔ منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نیست اتحاد شوروی توسط مردما ن تمام قاره ها شنیده شد ، تماشاچیان تلویز یون در بسیار ی از کشور ها این مراسم را که در کاخ کر یملین دا یر گردیده بود، مشاهده کردند .

(متن بیانیهٔ رفیق م . س. گرباچف در همین شماره بـه نشر رسیده است)

درین گرد همایی شر کت کننده گان از اتحاد شورو ی و کشور های خار جی‌سخنرانی نمودند ، جمعاً یکصدوشصت و سه هیئت از یکصدو نزده کشورجهان جهت‌شرکـت در مراسم‌هفتادمین سالگرد انقلاب اکتوبر وارد مسکوگردیده اند.

رهبران کشور های سو ـ سیالیستی مانند رفقاویچیـخ یاروز لسکی رهبر پـو لنه ، اریش هو نیکر رهبر حز بـی و دو لتی جمهوری دموکراتیك آلمان ، گوستاف هوساك‌رهبر حزبی و دو لتی جمهـور ی سو سیا لیستی چکوسلواکیا، و تودور ژیفکوف رهبـر جمهوری بلغا ریا ، ما نـور‌ـ کو‌ویستو رئیس جمهور فنلند وژورژ مار شه منشی عمومـی کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه اولین کسانی بودند که بیانیه های شاد باش خودرادر جلسه ارائه نمودند .

قرار یك خبر دیگر رفیـق نجیب الله منشی عمومی‌کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، ورئیـس شورای انقلابی ج.د.ا درجلسه دیروزی بیانیه یی ایراد نمود که مورد استقبال گرم اشتراك کننده گان جلسه قرار گرفت. طبق‌یك‌گزارش دیگر جلسـه دیروز در کریملین به‌کار خود پایان داد .

باختر

دیدار از شهر والگا گراد

رفیق نجیب الله منشـی عمومی کمیته‌مرکز ی ح.د.خ.ا ورئیس شورا ی انقلا بـی ج.د.ا. در راس هیا تی‌به ترکیب رفیق سلطا نعلـی‌ـ کشتمند عضو بیرو ی سیاسی کمیته‌مرکزی ح.د.خ.ا،ورئیس شورا ی وزیرا ن ج.د.ا. ،و رفیق محمد اسلم وطنجارعضو بیرو ی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا،و وزیر مخا برا ت‌به خاطر اشتراك‌در مراسم‌هفتاد‌ـ مین سالگرد انقلاب کبیرسو‌ـ سیالیستی اکتو بر بعد از ظهر دهم عقر ب ازوالگا گراد وارد مسکو گردیدند.

در میدان هوا یی وانکووای مسکورفیق اناتولی دوبر ینین منشی کمیته مرکزی حز ب کمونیست اتحاد شو رو ی و بعضی دیگر از رهبرا ن‌حزبی ودو لتی اتـحاد شو رو ی، رفیق محمدالله‌صافی‌سفیر ونما‌ـ ینده فوق‌العاده ج.د.ا. ،در اتحاد شورو ی و بر خی از کار کنان سفار ت افغا نی در مسکو وعده‌یی‌ازمحصلا ن‌افغانی درمسکو،رفیق پاول‌پترو ویچ موژایف سفیر ونماینده فوق‌ـ العاده اتحاد شوروی در ج.د.ا. وبرخی از شهر یان مسکو از رفیق نجیب الله و هیا ت همراهان استقبال گر م به‌عمل آوردند .

در میدان هوا یی مسکوعده‌یی

(ص۲)

متن بیانیهٔ رفیق نجیب الله

منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا،

رفیق عزیز گرباچف !
انقلابیون ولنینیست های‌پر افتخار !

دوستان عزیز !

در اکتوبر سال ۱۹۱۷آفتاب زنده‌گی جدید در سیاره مـا درخشید که اشعه آن قلـب ملیونها انسان‌را گرمی‌بخشید. وراه آنان را به سوی جا معه مبتنی بر برابری، بـرادری‌و عدالت روشن ساخت .

در قرن بیستم انقلاب های زیادی به وقوع پیوسته است ولی رویداد مهم قرن‌ما انقلاب کبیر سوسیا لیستی اکتوبـر است که جریان تاریخ‌جهانی‌را دگرگون ساخت

قرن بیستم مبارزین‌بیشمار راه سعادت مردم را میشنا سد ولی همه انقلا بیون جهان‌بزرگترین آنان یعنی لنین ایـن مبارز جسور ،متفکر بزرگـك وپیشوای اکتوبرکبیررا‌گرامی‌و الهام بخش میشمارند واز ا و می آموزند .

در قرن‌بیستم احزاب‌انقلابی زیادی به وجود آمده اند ولـی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مثابه با اعتبار ترین‌ومترقی ترین حزب عصر ماتبارز نمود.

درقرن بیستم دولت هـای بیشماری به میان آمدند ولـی دولت شوروی که در جریـان رویداد های اکتوبر سرخ‌ایجاد شد، برای همه انقلابیون جهان ارزش خاص دارد .

هفتاد سالگی اکتوبر کبیر جشنی است که سرحدو مرزرا نمی شناسد. انقلا بیـون‌و وطنپر ستان افغا نستان یکجا با تمام انسان های صادق‌جهان قلوب خویشرا در برابر آن‌می گشایند. اساس استقلال ملی کشور ما، حسن همجواری مردمان ما، ارتباط ناگسستنی با استقلال ملی کشور مـا، انقلاب اکتو بر دارد . بانبوغ لنین کبیر و دور اند یشی امان الله‌ خان تهداب استوار دوستی خلل ناپذیر ماگذاشته

(ص۲)

بگذار دوستی خلل ناپذیر مردمان افغانستان و اتحاد شوروی چون صخره محکم واستوار باشد!

متن بیانهٔ رفیق نجیب الله

منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا

ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا

(بقیه ص اول)

شده است و دیوار های کاخی بالای این تهداب بنا نهاده شده است آزمون زمان را سپری کرده اند در وطن ما میگویند که (دوست پدر میراث فرزند است) فرزندان جسور مردم افغانستان که درفش انقلاب ملی ـ دموکراتیک ثور را در کشور بر افراشته اند به عنعنات پدران و نیاکان خویش پابند بوده و از قلبی به قلبی دوستی خلل ناپذیر مردمان ما را انتقال میدهند.

این دوستی منبع فنا ناپذیر تفکر لنینی و غنی ترین تجربهٔ هفتاد سالهٔ مبارزه و کار مردم شوروی را در برابر ما می گشاید.

تحولات انقلابی شما، باز سازی، علنیت و توسعهٔ دموکراسی اعضای حزب ما را الهام بخشیده واقع بینی سیاسی و جسارت نو آوری را به آنها می آموزاند.

مبارزه پیگیر شما به خاطر صلح جهانی برای تمام بشریت الهام بخش است ما امیدوار هستیم که سفر شما رفیق میخائیل سرگیوویچ به ایالات متحده امریکا سنگ پایه محکمی برای خانه صلح بشری باشد.

ما افتخار مینمائیم که سیاست مصالحه ملی از نخستین فرمان لنین (درمورد صلح) سر چشمه میگیرد و بر آموزش لنینی در مورد سازش ها بنا یافته است. این سیاست ازقلوب مردم رنجدیده ما از قلوب هر خانواده به قیمت رنج ها و قربانی های بیشماری که جنگ اعلام ناشده تحمیلی بالای افغانستان از جانب امپریالیزم جهانی و ارتجاع منطقه به بار آورده است، بر خاسته است.

کنفرانس سراسری ح.د.خ.ا که چندی قبل تدویر یافته بود به رهبری کنونی کشور اعتبار نامه و توصیه ایرا که عبارت از تسریع پروسه مصالحه ملی میباشد سپرد.

ما موفقیت های خویش را بالفاظی ها و شعار ها نه بلکه با جان های نجات یافته ازمرگ باخانه ها و کاشانه ها، کانال ها و قریه های حفظ شده ازویرانی حساب مینمائیم. مبارزه به خاطر صلح ملی نخست ازهمه عبارت از مذاکرات بامخالفین مسلح، ایجاد ولسوالی ها وولایات صلح، رشد سیستم چند حزبی و ائتلاف، اشکال اداره ائتلافی و نظر خواهی عامه پیرامون طرح قانون اساسی جدید کشور میباشد.

مردم افغانستان ازمصالحه ملی پشتیبانی به عمل آوردند واین امر مهمترین تائید حیاتی بودن سیاست جدید ما میباشد که امروز به سایر کشور های جهان نیز راه گشوده است.

ما ادعای ابتکار این سیاست را نمیکنیم. ما صرف به تحقق کامل آن در عمل می پردازیم.

ما نهالهای صلح را در باغ های وطن خویش پرورش داده از عقول و قلوب خویش به جوانه های آن نیرو بخشیده در برابر دشمنان از آن محافظت مینمائیم. اکنون درخت مصالحه اولین ثمره های خود را به بار آورده است. اما نیرو های سیاه امپریالیستی برای قطع این درخت تبر وساطور بر داشته اند. ما از تمام نیروهای صلح دوست و دموکراتیک دعوت مینمائیم تا دست درازی کین توزانه خون آشام هارا متوقف ساخته ونگذارند تا جوانه های صلح در سر زمین بلا کشیده افغانها را از بین ببرند.

برادران وخواهران عزیز!

کمك و پشتیبانی شما، همبسته گی انقلابی شما در مبارزه به خاطر افغانستان مستقل، غیر منسلك ودارای تمامیت ارضی مارا پرو بال و نیرو می بخشد.

کمك های شما، یعنی قهرمانی های جاویدان سربازان انترناسیونالیست شما در سر زمین افغانستان میباشد. مردم مابرای قرن ها سپاسگزاری عمیق خودرا در برابر سرباز شوروی که هزاران کودك، زنان وپیر مردان را از مرگ خونین وخود کشور رااز نابودی حتمی نجات داده اند حفظ خواهند نمود.

ما میدانیم که قلوب بعضی مادران شوروی را خاطره فرزندان شان که در افغانستان خدمت نموده اند به طپش می آورد. بعضی از آنان نتوانستند فرزندان خویشرا در خانه آبائی خود به آغوش بکشند. مادر برابر خاطرات درخشان قهرمانان سر تعظیم فرود می آوریم. ما وجیبه انترناسیونالیستی خویشرا در برابر مردم دوست کبیر وشریف اتحاد شوروی، در برابر مادران روسیه بزرگ در امر تامین شرایط عودت هرچه زودتر قطعات محدود اتحاد شوروی از افغانستان به وطن شان می بینیم. کمك های شما درمجتمع آبیاری جلال آباد، بند برق نغلو، تونل سالنگ وصد ها پروژه اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی دیگر که هر کشور پیشرفته میتواند به آنها افتخار نماید، به اشتراك متخصصین اتحاد شوروی تبلور یافته است.

بگذار کلمات سپاس قلبی ما در تمام گوشه وکنار اتحاد شوروی طنین اندازند.

۱۲ جمهوری و ۱۸ ولایت اتحاد شوروی باولایات ماروابط وهمکاریهای مستقیم داشته و باکابل پایتخت دوست داشتنی ما طوریکه در سرود میخوانند (مسکوطلائی) همکاری مستقیم دارد.

در اکتوبر سال ۱۹۱۹ که اکنون ما با آن فاصله زیاد داریم مولوی سیف الرحمن خان، فرستاده افغانستان که در قصر کریملین با لنین کبیر پیشوای تمام زحمتکشان جهان ملاقات داشت باوجد ونشاط گفت: که «من نابغه و انسان بزرگ را دیدم» با دوستی امروز افغان ـ شوروی هزاران رشته های آن عصر حماسه ها پیوند خورده است. نماینده ولایت هلمند که چندی قبل نزد دوستان شوروی خویش مهمان بود به هموطنان خود گفت: من به چشم سر کار های خارق العاده را دیدم.

به نمایندهگی از تمام اعضای حزب ووطنپرستان که به خاطر استقرار صلح ملی در کشور میرزمند، به مردم قهرمان اتحاد شوروی وحزب پر افتخار کمونیست آن سلامهای برادرانه وتمنیات پر حرارت رابه مناسبت هفتادمین سالگرد اکتوبر کبیر تقدیم مینمایم.

بگذار نام لنین کبیر در دل قرون جاویدانه باشد.

بگذار دوستی خلل ناپذیر مردمان افغانستان و اتحاد شوروی چون صخره محکم واستوار باشد.

بگذار نام حزب لنین، حزب بلشویك ها، حزب کمونیستها که تاریخ را به نفع انسان زحمتکش و بشریت تکان و تغییر داده است و در پیشاپیش آن قرار گرفته است همیشه در دستان توانا ونیرومند باشد، البته رفقاء راه ما راه انقلابیون جاده نیفسکی نیست اما سر انجام بی شك وتردید و حتماً ما پیروزمیشویم زیرا حقیقت با ماست حقیقت انقلاب کبیر اکتوبر.

دیدار از شهر والگاگراد

(بقیه ص اول)

از پیشاهنگان رفیق نجیب الله وهیات همراهان شانرا با تقدیم دسته های گل استقبال نمودند.

رفیق نجیب الله و هیات همراهان بلافاصله به آرامگاه ولادیمیر ایلیچ لنین رهبر کارگران جهان وسازمانده انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر ودوست بزرگ مردم افغانستان رفته در پای آرامگاه لنین اکلیل گل گذاشتند.

سپس رفیق نجیب الله و هیات همراهان در پای آبده سرباز گمنام اکلیل گل گذاشته وادای احترام نمودند.

طبق یك خبر دیگر منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا قبل از ظهر ۱۱ عقرب در جلسه بزرگ وباشکوهیکه به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در قصر کانگره های کریملین از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، شورای عالی اتحاد شوروی وشورای عالی فدراتیف روسیه دایر گردیده بود، اشتراك ورزیدند.

رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا، وهمراهان در راه عزیمت جانب مسکو قبل از ظهر ۹ عقرب وارد شهر تاشکند گردیدند. در میدان هوایی تاشکند از رفیق نجیب الله و هیات همراهان عثمان خواجه یف منشی اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و همچنان رئیس شورای وزیران جمهوری ازبکستان اتحادشوروی استقبال نمودند. رفیق نجیب الله وهیات همراهان بعد از توقف مختصردر تاشکند بعد ازظهر همانروز وارد شهر والگاگراد گردیدند، در میدان هوایی شهر والگاگراد ولادیمیر کلاشینکوف منشی اول کمیته حزبی ولایت والگاگرادوعده ای از رهبران حزبی ودولتی آن ولایت، رفیق محمد الله صافی سفیر ونماینده فوق العاده ج.د.ا. در اتحاد شوروی، محصلین افغانی مقیم درشهر والگاگرادورفیق پاول پتروویچ موژایف سفیر و نماینده فوق العاده اتحاد شوروی درج.د.ا از رفیق نجیب الله و هیات همراهان شان استقبال نمودند.

سپس رفیق نجیب الله در حالیکه ولادیمیر ایلیچ کلاشینکوف با ایشان همراه بوده به آبده قربانیان جنگ کبیر میهنی شهر والگاگراد رفته اکلیل گل گذاشتند.

رفیق نجیب الله و هیات همراهان بعد از بازدید تپه (مامایو واگورگان) واقع در شهر والگاگراد در مقبره سپاهی گمنام آن شهر اکلیل گل گذاشته ودر کتاب مخصوص خاطرات امضاء نمودند.

طبق یك خبر دیگر رفیق نجیب الله منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا، و هیات همراهان بعد از ظهر ۹ عقرب در جلسه کمیته حزبی ولایتی والگاگراد اشتراك ورزیدند و به هیات حزبی آن ولایت در باره دست آورد های مشی مصالحه ملی معلومات ارائه نمودند.

رفیق نجیب الله قبل ازظهر ده عقرب به پرورشگاه شهر والگاگراد رفته پس ازبازدید صنوف درسی و بخش های مختلف آن پرورشگاه بااطفال افغانی دیدار به عمل آوردند.

رفیق نجیب الله درجریان صحبت با اطفال افغانی در حالیکه رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا، و رئیس شورای وزیران ج.د.ا.، و رفیق اسلم وطنجار عضوبیروی سیاسی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا وزیر مخابرات نیز اشتراك داشتند، گفتند: ما میدانیم که شما واقعاً افغانستان را دوست دارید و به مردم زحمتکش خود افتخار میکنید. شما میدانید که جنگ اعلام ناشده که از جانب ایالات متحده امریکا ونیروهای ارتجاعی برکشور ما تحمیل گردیده است، چقدر مصیبت وبدبختی را به خانواده های شما به ارمغان آورده است. اکنون تمام مردم وطن ما برضد ادامه جنگ وخونریزی برخاسته اند و در راه تحقق مصالحه ملی مبارزه میکنند.

رفیق نجیب الله علاوه نمودند: زمانیکه جنگ تحمیل شده امپریالیستی بوسر زمین افغانستان شعله ور گردید ما دوستان شوروی را به کمك طلبیدیم. مردم اتحاد شوروی فرزندان خود را به کمك ما فرستادند وآنها با به خطر انداختن زندهگی شان هزاران طفل، زن و پیر مرد وطن ما را از مرگ و فلاکت نجات دادند.

مردم افغانستان و اتحاد شوروی را دوستی محکم چون فولاد به هم پیوند میدهد. این دوستی آزمون های فراوان را ازسر گذشتانده است.

رفیق نجیب الله در ختم صحبت شان مدالهای فداکاری را به عده یی از شاگردان ممتاز و سرجوقه های پیشاهنگان وتحایف و کتب درسی را به تمام شاگردان پرورشگاه وطن شهر والگاگراد اعطاء نمودند.

سپس رفیق نجیب الله با محصلین افغانی شهر والگاگراد در سالون موزیم پانوراما ی شهر والگاگراد ملاقات نموده، آنهارا به وظایف شان متوجه ساختند و متعاقباً از موزیم پانوراما ی شهر والگاگراد دیدن نمودند.

باختر

اکتوبر و بازسازی: انقلاب ادامه دارد

متن بیانهٔ رفیق م.س. گرباچف

درجلسهٔ مشترک کمیته مرکزی، شورای عالی اتحادشوروی وشورای عالی فدراتیف روسیه به مناسبت ۷۰مین سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر

رفقای عزیز!

مهمانان گرامی خارجی!

از روز های فراموش ناشدنی اکتوبر ۱۹۱۷ روز های افسانوی که عصر نوین ترقی اجتماعی وتاریخ واقعی بشریت را آغاز نمود هفتاد سال سپری شد انقلاب اکتوبر ساعات درخشان بشریت و سپیده پرتو افشان آن بوده است انقلاب اکتوبر یك انقلاب مردم و برای مردم، برای هر شخص و برای رستگاری وانکشاف وی می باشد.

هفتاد سال درعمر طولانی و چندین قرنه تمدن جهانی یك مدت طولانی نیست ولی تاریخ مرحله ایرا همچو دوره این انقلاب از نگاه حجم و اندازه دست آورد های که کشور ما پس از پیروزی انقلاب اکتوبر حاصل کرده ندیده است هیچ افتخاری بزرگتر ازین وجود ندارد که پیشاهنگ بوده و قدرت، انرژی، دانش و توانایی خود را وقف پیروزی ارمانها واهداف انقلاب اکتوبر نمود.

این جشن یك لحظه غرور و افتخار است غرور و افتخار به دستیابی ها، آزمایشات بزرگ در برابر ما قرار داشت که ما آنرا با افتخار سپری نمودیم ما به اسانی آنها را سپری نه نموده بلکه کشور را از وضع خراب وعقب مانده گی آن تغییر دلا،یك قدرت نیرومند ازآن ساختیم. زندگی رادگرگون ساخته و جهان درونی انسان را فراتر از تصور تغییر دادیم.

ما در جنگ های وحشیانه قرن بیست حق راه زنده گی خویش را حفظ نموده و از آینده خود دفاع نمودیم ماحق داریم به این حقیقت افتخار نمائیم که انقلاب ما، کار ما و مبارزه ما به نفوذ عمیق خود در همه جهات امور جهانی ـ سیاسی واقتصادی عرصه اجتماعی و تفکر معاصرین ما ادامه میدهد ضمناً این جشن یك لحظه خاطرات ما نیز می باشدبه یاد و بود ملیونها انسانیکه هر کدام شان در دست آورد های مشترك سوسیالیستی ما سهیم اند.

به یادوبود آنهائیکه فولاد را ذوب کردند حاصلات برداشتند، کودکان راتدریس نمودند، علم و تکنالوژی را انکشاف بخشیدند و به معراج عالی هنر ها دست یازیدند و به یاد وبود غم انگیز آنهائیکه از کشور شان دفاع کردند در جنگ قربان شدند و کشور ما را و جامعه ما را به قیمت جان های شیرین شان قادر به پیشرفت ساختند این یك لحظه یادوبود فراموش ناشدنی آنچه است که ما در آن زیست نموده ایم و راهیکه ما سفر نموده ایم. زیرا همین امر بوده است که عصر حاضر را ایجاد کرده است این جشن یك لحظه انعکاس است که کار های مان و سر نوشت مان درآن زمان چقدر مشکل و مبهم بوده است شاهکار هاو تراژیدی های عظیم، پیروزی های بزرگ و نارسایی های عمده داشته ایم شکست های عمده ما ازهفتاد سال ساختمان سریع مواضع مردم که آماده بسیج همه نیروو قدرت گوناگون سوسیالیزم برای تحول عظیم انقلابی حیات بوده اند انعکاس می یابیم.

این جشن همچنان دیدگاهی به آینده می باشد، دست آورد های مان اساسی و قابل اهمیت است این دست آورد ها تهداب قوی وپایه هایی برای دست آورد های تازه و برای انکشاف مزید جامعه می باشد.

در سوسیالیزم پیشرفته و در انکشاف آرمانها و اقدامات لنینیزم و انقلاب اکتوبر است که ما جوهر امور و دلچسپی های معاصر مان ووظایف اولیه ووجایب اخلاقی و معنوی خود را در آن می بینیم.

و آن تحلیل عمیق و کامل اهمیت تاریخی انقلاب اکتوبر و همه آنچه را در طی هفتاد سال بعد از انقلاب انجام شده است ضروری می سازد.

۱-راه اکتوبر: راه پیشگامان

رفقا، راه پیشگامان ما طولانی و دشوار بوده است تحلیل مختصر نمی تواند آنرا سنجش کند.یك بارگران مادی و معنوی از جهان کهنه، جنگ اول جهانی، جنگ میهنی و مداخله، به ما به میراث ماند .نو آوری تغییرات و امید های مربوط مردمان، معیار و اندازه تجاوزات جدید و غیر معمولی ما را هرگز موقع عقب نگریستن و فکر کردن نداد.

عوامل ذهنی وجود داشت که در طوفان های انقلابی نقش خاصی را بازی نمود انگیزه ها برای آینده، بعضا ساده و صریح و برای پیشرفت با امکانات اعظمی عصر انقلاب وجود داشت و همچنان تلاش های خالص و صادقانه مبارزین برای یك حیات نوین جهت انجام وظایف به زودی ممکنه همچنان به درستی ممکنه وجود داشته است.

گذشته ـ قهرمانی ها و درامه آن معاصرین ما را به لرزه می آورد تاریخ ما یکی و برگشت ناپذیر است هر نوع احساساتی را که بر انگیزد این تاریخ ما بوده و ما به آن افتخار داریم.

امروز ما به آن روز های اکتوبر رجوع می کنیم که جهان را تکان داد ما در آن روز ها هم یك اتکاء معنوی و هم دروس آموزنده را می یابیم ما بار ها می بینیم که مفکوره سوسیالیستی انقلاب اکتوبر درست بوده است.

منطق عینی پیشرفت تاریخی بشریت منتج به همین سرحد و مرز شده است انقلاب اکتوبر با همه تناقضات و تنوع پیشرفت روز افزون تمدن بشری، یك نتیجه طبیعی انکشاف آرمانها و مبارزه چندین قرنه زحمتکشان برای آزادی، صلح، عدالت اجتماعی و علیه ستم طبقاتی، ملی و معنوی بوده است.

سال ۱۹۱۷ نشان داد که انتخاب بین سوسیالیزم و سرمایه داری یگانه راه اجتماعی برای عصر ما بوده و در قرن بیست بدون پیشرفت به سوی سوسیالیزم بمثابه یك شکل عالیتر سازماندهی اجتماعی هیچ ترقی حاصل شده نمی تواند این نتیجه گیری اساسی نسبت به آن نتیجه گیری که نخست از طرف لنین بعمل آمده بی تناسب نیست چنین است منطق انکشاف مترقی جامعه انقلاب در روسیه به عالیترین منبع آرزو های رهایی بخش و تجسم زنده خواب های بهترین مغز های جهان ـ بشر دوستان بزرگ از گذشته تا انقلابیون پرولتاری قرن های نزده و بیست مبدل شده است.

سال ۱۹۱۷ مولد انرژی مبارزه مردمان برای انکشاف و استقلال و جنبش های مترقی ملی و قیام های دهقانان و جنگ ها علیه بندگی که در سراسر تاریخ ما جریان داشته بوده است.

این سال تلاش های معنوی روشنفکران قرن هجده، قهرمانان و قربانیان جنبش دکابریست، قهرمانان دموکراسی انقلابی و وقف معنوی انسان بلند پایه فرهنگ امروز را مجسم می سازد برای آینده کشور ما هنگامیکه در صبحگاه قرن بیست ولادیمیر ایلیچ لنین خود را در راس یك گروپ مخفی رفقا قرار داده و یك حزب پرولتاری تیپ نوین را در روسیه ایجاد کرد بسیار مهم است. همین حزب بزرگ لنین بود که ملت را و نیرو های بسیار پیشرو آنرا برای هجوم وحمله بر جهان پوسیده و کهنه بیدار ساخت سنگ پایه پیروزی انقلاب اکتوبر در نخستین انقلاب روسیه در ۱۹۰۵ ـ ۱۹۰۷ گذاشته شد که درآن دروس عالی نهم جنوری، قهرمانی هائیکه بر موانع مسکو در ماه دسامبر بعمل آمد، استثمار هزاران مبارز شناخته شده و گمنام آزادی و ظهور نخستین شورا های کارگران بحیث نمونه های قدرت شورا ها شامل بوده است.

پیروزی انقلاب اکتوبر همچنان در دستاورد های انقلاب ماه فبروری ۱۹۱۷ یعنی اولین انقلاب پیروزمند مردمی در دوران امپریالیسم، ریشه داشت. لنین تاکید می ورزید که بعد از پیروزی ماه فبروری، انقلاب باسرعت باور نکردنی ،به پیش میرفت. گرکتر های عمده این انقلاب کارگران و دهقانانی بودکه لباس سربازان را به تن داشتند. بهار سال ۱۹۱۷ قدرت بازوی جنبش مردمی را نشان داد.

در آنجا همچنان محدودیت های انقلاب بر ملا شد .تضاد ها در آگاهی انقلابی آنمرحله قدرت عطالت تاریخ، منتج به آن شد که طبقات استثمارگر که صحنه را ترك می گفتند پیروزی مردم بهره جستند، بر ملا گردید. انقلاب ماه فبروری انقلاب کبیر اکتوبر را با سلاح عمده خود مجهز ساخت، یعنی قدرتیکه در شورا ها احیا شده بود.

انقلاب ماه فبروری اولین تجربه دیموکراسی ملموس، آموزش سیاسی توده ها از طریق کار و عمل بود، تجربه ایکه درحالت بغرنج یك حکومت دوگانه کسب شده بود.

انقلاب ماه فبروری از این نگاه بی نظیر بود که امکانات را برای احراز قدرت طور صلح آمیز ازطرف زحمتکشان میسر ساخت چیزیکه بنابر اوضاع و احوال تاریخ متاسفانه تحقق پذیرفت

انقلاب ماه فبروری نقطه عطف بزرگ در مسیر انقلاب کبیر اکتوبر بود.

در خلال تضاد های نیرو های طبقاتی که در انقلاب ماه فبروری سهم گرفته بودند، لنین با بصیرت و نبوغی که داشت، فرصت و امکاناتی را مشاهده کرد که برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی به میان میآمد. تیزس های ماه اپریل لنین پیش بینی های علمی و سر مشق بر نامه عمل انقلابی در آن شرایط تاریخی بود.

لنین منطق انقلاب بورژوا ـ دموکراتیك را که به شکل انقلاب سوسیالیستی رشد نمود نشان داد.

البته شکل آن پروسه در واقع آنست که از طریق شورا ها و از طریق بولشویك ها که هدف آنها کمك به مردم بود، و همچنان توده ها که باید مقصدمبارزه خود را بدانند و انقلاب را به نفع خود آگاهانه انجام دهند.

راه مواصلت از انقلاب فبروری به انقلاب کبیر اکتوبر زمان تحول سریع اجتماعی و فرصت تنویر سریع سیاسی توده ها و تحکیم نیرو های انقلابی و پیشقدمان آنها یعنی حزب لنینی بوده است.

در زمانی بین ماه فبروری و اکتوبر، لنین و رفقای او هر ارشاد سیاسی را با تاثیر فوق العاده آن نشان دادندکه درس شایسته را در دیالکتیك تفکر اندیشه و عمل انقلابی تشکیل میداد.

رهبری حزب توانائی خودرا در تلاش های خلاق و دسته جمعی، کنار رفتن از یك نواختی و شعار ها کلا کار دیروز ودر وضع متفاوت بوده است، نشان داد. این توانایی مسلم و اطمینان بخش به نظر میرسید.

با جرئت میتوان گفت که همین مسیر اندیشه های لنین و فعالیت های بلشویکها که توسط تحولات سریع شکل و شیوه، انعطاف پذیری و راه های حل تکتیکی غیرعادی مشخص می گردید، این همه مثال های زنده ای از تفکر انتی دوگماتیك، کاملا دیالکتیك وجدید بوده است این و تنها همین نشان میدهد که مارکسیست ها ولنینیست های واقعی می اندیشند و عمل می کنند، خصوصاً در زمان های تحول و درنقاط چرخش آنهم هنگامیکه آینده انقلاب و صلح، سوسیالیزم و ترقی در خطر باشد.

اجازه دهید به ماه اپریل سال ۱۹۱۷ بر گردیم: بر نامه لنین در مورد آغاز انقلاب سوسیالیستی به بسیاری از دوستان ودشمنان غیرعملی می نمود ـ چیزی همردیف خیال پردازی لجام گسیخته به نظر میرسید.

اما زنده گی نشان داد که صرف چنین بر نامه جنیتوانست زیر بنای سیاسی را برای انکشاف مزید انقلاب واصلا اساس نجات اجتماعی را جهت نفی فاجعه ملی تشکیل دهد و در واقع همچنان شد.

اجازه دهید روز های ماه جولای ۱۹۱۷ را بهخاطر آوریم، لحظه المناکی بود حزب مجبور گردید شعار تمام قدرت بهشوراها را ترك گوید اما انتخاب دیگری وجودنداشت زیرا شوراها در آنزمان بدست اس ـ ارها و منشویك ها افتاده بود.

از اینرو در برابر ضد انقلاب گاری را به پیش برده نمی توانستند.

(ص۳)

اکتوبر و بازسازی: انقلاب ادامه دارد

متن بیانیهٔ رفیق م.س. گرباچف

(بقیه ص ۲)

این است که لنین چگونه انگشت خود را روی نبض انقلاب نگاه میداشت و چگونه او بر احیای مجدد شوراها زیرکانه تصمیم گرفت ،شوراهائیکه اساس وپایه اجتماعی خود را در پروسه مبارزه کسب می نمودند . همین‌پایه‌اجتماعی آنها را قادر ساخت که به ارگان قیام مسلحانه پیروزمند و بعد به شکل سیاسی قدرت کارگران و دهقانان مبدل گردند.

همه این ها نه فقط صفحات تاریخ درخشان انقلاب کبیر اند بلکه همواره به مثابه رهنمود ها و سر مشق هایی اند برای ما ، برای همه آنانی که امروززنده اندوبرای کمونیست ها تا همیش در پیشاپیش رویداد ها قرار داشته باشند و بتوانندتصامیم بر جسته اتخاذ و مسوولیت تام امروز و فردا را به عهده گیرند .

انقلاب اکتوبر قیام عظیمی بود متعلق به میلیون ها انسان زحمتکش ، این انقلاب منافع حیاتی طبقه کارگر ، آمال جاودان دهقانان ،عطش عساکر به صلح و سرانجام مبارزات گسترده‌خلق های کثیر الملهٔ روسیه را به خاطر آزادی و غنای فرهنگی شان در هم آمیخت .

حزب بلشویک توانست تا نکات اساسی و رشته های ظریفی‌راکه آرمان‌ها،گرایش‌ها وعلایق متنوع مردم را به هم پیوند می زد دریابد و آنها را درخلست حل به مسئله‌اساسی انقلاب یعنی گرفتن قدرت بکار برد .

در نخستین فرمان خود یعنی فرمان صلح وزمین ، دیکتاتوری پرولتاریا به نیاز زمان پاسخ گفت و منافع حیاتی طبقه کارگر ودرواقعیت امر منافع اکثریت مطلق مردم را منعکس ساخت .

امروز برای ما مهم است‌تا یک نکته بسیار بارز را که درس اساسی روز های اکتوبر است به‌خاطر داشته باشیم وآن این است که لنین به سوال زنده گی و فعالیت انقلابی در آن ایام چگونه پاسخ می گفت،تجار بی که با دوران ما ارتباط قوی داردیعنی پاسخ به رابطه میان مدل تیوریک‌راه بسوی‌سوسیالیزم وپراتیک واقعی‌اعمار سوسیالیزم .

مار کسیزم ، لنینیزم‌اندیشه ایست خلاق نه مجموعه ای از رهنمود ها و نسخه هایی از پیش تدوین شده ، مارکسیزم-لنینیزم از دگم بیگانه بوده اندیشه ایست برای تطبیق شجاعانه اندیشه های تیوریک در عمل ، یعنی اندیشه ایست برای جریان عینی مبارزه‌انقلابی،ازین رو انقلاب اکتوبر-یکی،از بزرگترین‌نمونه های آموزنده است .

از بسیاری رهبران جنبش طبقه کارگر آن زمان می توان نام گرفت که انقلاب سوسیالیستی‌اکتوبر را به مثابه یک تکامل عینی درک نکرده‌بودند. آنها چنین می پنداشتند که انقلاب بر ضد قوانین‌وبرخلاف اندیشه های متداول جریان دارد .

آن ها بدین باور بودند که سرمایه داری‌در روسیه هنوز پیش شرط های مادی و معنوی لازم برای انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ را به میان نیاورده است .

به نظر من ، خیلی آموزنده و مفید خواهد بود که بیادآریم که لنین به این انتقادات علیه انقلاب ما چه پاسخی ارائه می نمود .

وی چنین مطرح میکرد:«شما می گویید که‌مدنیت برای اعمار سوسیالیزم ضرور است ، بسیار خوب . اما چرا نخست تهداب چنان یک مد نیت را در کشور خود ایجاد نکنیم یعنی بدور افگندن زمینداران و سرمایه داران روسیه ...و بعد به سوی سوسیالیزم گام گذاریم ؟»

آنانیکه از مار کسیزم بشکل دگم و یک پدیده مجرد کارمی گیرند.در واقع نمی توانند ماهیت اساسی آنرا درک کنند وآن عبارت از دیالکتیک انقلابی مار کسیزم است . واین دیالکتیک انقلابی مارکسیزم بود که بر مجموع فعالیت های لنین در سال های پس‌از انقلاب پر تو می افکند .

.از برکت همین شیوه برخورد بود که دست آورد سترگ سیاسی و معنوی صلح (برست) درست در مرز بین دو حالت ممکن وغیر ممکن‌کمایی گردیدوحیات هزاران انسان از مرگ نجات یافت و بقای مادر وطن سوسیالیستی تأمین گردید .

یک مثال دیگر،لنین‌بمانند مار کس و انگلس مطمین بود که نیروی مدافع انقلاب را باید ملیشه های مردمی تشکیل دهد ، ولی شرایط مشخص راه حل دیگری را ایجاب می کرد . جنگ داخلی و مداخله خارجی که بر مردم تحمیل گردید برخورد نوی را ایجاب می نمود .

مطابق فرمان لنین یک اردوی سرخ کارگری -دهقانی ایجاد گردید .

این یک اردوی طراز نوین بود که به دفع و طرد جنگ داخلی و مداخله خارجی پرداخت و حماسه‌های جاودان آفرید .

آن سال ها مملو از آزمون های دشواری برای جمهوری جوان شوروی بود و عملاً به این سوال اساسی و حیاتی که آیا سوسیالیزم می توانند باشد یا نه پاسخ گفته می شد . حزب مردم را به خاطر دفاع از مادر وطن سوسیالیستی و دست آورد های انقلاب اکتوبر بسیج نمود . اردوی سرخ با شکم گرسنه ، پای برهنه و لباس های ژولیده وتجهیزات ناچیز توانست یک اردوی مجهز و منظم ضد انقلاب را درهم شکنند که پیوسته از طرف امپریالیزم شرق وغرب وسیعاً تجهیز می گردید .

خط داغ جنگ داخلی در سر تا سر کشور از میان هر فامیل،شیوه زندگی کهن خلاصه از روان و سر نوشت مردم می گذشت ، سر انجام این نبرد پر گبار،اراده ملتو تلاش ملیون ها انسان بسوی زندگی نوین پیروز گردید .

کشور با تمام نیروکوشید تا اردوی نو تشکیل را هر چه بهتر کمک نماید و شعار لنین «همه چیز برای پیروزی» را تحقق بخشید .

ما هر گز نمی توانیم یاد آن رادمردان و قهرمانان افسانوی در قوای بحری و اردوی ، قوماندان جوانان اردوی سرخ و چریک های سرخ را از خاطر دور کنیم . آنها انقلاب را نجات دادند ، خاطر شان شاد باد !

تصمیم دایر به پیاده کردن یک سیاست اقتصادی جدید که اندیشه های سوسیالیزم و شیوه های اعمار آنراوسیعاً غنا بخشید ، آمیخته با دیالکتیک انقلابی قوی و ثمرمند بود . یا اینکه مورد ذیل را درنظر گیرید :

طوریکه شما می دانید لنین نظریه محدودیت های « سوسیالیزم کوپراتیفی» را انتقادمی‌نمود. ولی شرایط خاصی پس از انقلاب اکتوبر و گرفتن‌قدرت توسط مردم بروز کرد و لنین نظر خود را درین رابطه تغییر داد . در مقاله خود « در باره همکاری» وی این نظریه را مطرح کرد که سوسیالیزم جامعه «همکاران متمدن» است .

چنین بود درستی دیالکتیک مارکسیستی که بیانگرماهیت انقلابی دانش لنینی می‌باشد. وی می گفت « در اعمار دنیای نو نا گزیر هستیم بار ها آنرا تکرار کنیم، بهتر سازیم و از سر گیریم .»

بلی ، ما نا گزیر بودیم تا کار ها را بهتر سازیم ، از نو باردیگر مبارزه دشواروطولانی راتحمل کنیم وپروسه های بسیار حیاتی انقلابی راسپری کنیم . واین پروسه و عملکرد ها از بسیاری جهات شرایط و حالات پیشرفت ما را تغییر داده است .

این دگر گونی ها ما را نیز تغییر داده است ، ما را آبدیده ساخته و با دانش و تجربه‌نو غنا بخشیده است وما را به پیروزی انقلاب هر چه بیشتر معتقد ساخته است .

بررسی راهی را که در روشنی تاریخ جهان طی کرده‌ایم بار ها می رساند که آنچه را که دیگران در درازنای قرون متمادی کسب کردند ، ما توانسته ایم‌دریک مدت کوتاه بدست آریم .

انقلاب سوسیالیستی در کشوری رخ داد که سرمایه داری در سطح متوسط رشد خود رسیده بودو صنعت خیلی متمرکزی داشت ، اکثریت نفوس کشوررا دهقانان‌تشکیل می داد و همچنان بقایای ریشه دار فیودالیزم و حتی نظام های اجتماعی ما قبل فیودالیزم نیز وجود داشت .

با آنکه سه حصه نفوس روسیه بیسواد بودندبا آنهم روسیه دست آورد های‌واقعاً سترگ علمی و فرهنگی به جهان عرضه کرده بود .کشور بنابر جنگ امپریالیستی و حکومت بی کفایت در نهایت فقر و نابسامانی قرار داشت .

اعمار زنده گی نو نمونه قبلی نداشت تااز آن اقتباس شود که این امر ایجاب می‌کرد تا سعی و تلاش خستگی ناپذیری دریافتن راه های حل سازنده جستجو شود .

هدف‌برای حزب کمونیست روشن بود : انقلاب ، راه سوسیالیستی و قدرت شوراها. و لنین حزب را درین راه رهبری می کرد .

از میان ساختار مغلق جامعه روسیه ، در اثر ابتکارات سازنده توده‌ها ، پرنسیب‌هاو نورمهای‌سیستم‌سوسیالیستی آینده واشکال بی نظیر تنظیم جامعه ، تکوین یافت . در ابتداء فقط تیوری خالص در مورد شکل حکومت دموکراتیک، طرق و حدود ملی ساختن دارایی و ملکیت ها، تنظیم .تولیدات سوسیالیستی، بوجود آوردن یک دسپلین جدید رفیقانه وتعیین رول و جای یک فرد در اجتماع بصورت واقع بینانه تثبیت شد .

مقصد اساسی انقلاب کبیر اکتوبر اعمار زندگی‌نوین بود. چنین اعماری حتی یک روز هم متوقف نگردیده و لحظه های کوتاه نیز دراین پروسه و در جهت پیدا نمودن راه ها ئیکه به جامعه آینده سوسیالستی منتهی گردد ، مورد انتقادقرار گرفت ..

سال های اول دهه بیست بانوآوری وخلاقیت بی نظیر توده ها مشخص میگردد . آن ها بهترین و انقلابی‌ترین لابراتوار نو آوری های اجتماعی ، متحد سازی‌واحد های کار گری و دهقانی و بصورت کل متحد سازی‌همه کار گران و علاقه شان به اثبات رسید .

حزب از روش تنظیم تولید و مصرف به شیوه کمونیزم جنگی ، جنگ و بیجا شدن‌آنرا بوجود آورده بود . به شیوه های انعطاف پذیر ، از نظر اقتصادی‌عادلانه وبحیث‌وسیله معمول جهت تاثیربالای حقایق اجتماعی ، گذ ارنمود .

اقداماتیکه در پالیسی جدید اقتصادی در نظر گرفته شده بودند به اساس بنیان- گذاری طرز و شیوه سوسیالیستی عیار شده بودند، امروز ما به کار های اخیر لنین در ساحه اقتصادبیشتر مراجعه کرده و میکوشیم مواد مورد ضرورت امروزی‌را از آن بیرون بیاوریم .

واقعاً جای اشتباه خواهد بود اگر ما بکوشیم شیوه اقتصادی جدید را با آنچه‌که امروز در یک سطح مختلف پیشرفت قرار داریم و عملی میکنیم مقایسه نمائیم .

امروز در مملکت دهقان منفرد وجود ندارد تا با در نظر داشت خواست و شرایط کار وی خود را عیار نمائیم در حالیکه این‌موضوع در سالهای اول ۱۹۲۰ از ارزش خاصی بر خور داربود. پالیسی جدید اقتصادی با در نظر داشت آینده های دور تنظیم گردیده بود، هدف اساسی عبارت بود از ساختن جامعه نوین نه به اساس خوش بینی ، طوریکه لنین نوشته بود، بلکه به کمک خوش بینی که ذریعه انقلاب بوجود آمده بود و به پایه علایق شخصی و به اساس تشویق های فردی بشکل تجارتی استوار بود،چنین است درسی که ما از طریق تجربه های چندین ساله و پیشرفت های سیستم سوسیالیستی آموخته ایم.

با در نظر داشت خلاقیت پالیسی جدید اقتصادی میتوان باز هم یکبار دیگر به غنای سیاسی و میتودیکی محصول کردن مواد غذایی مراجعه نمائیم. حقیقتاً ما علاقمند شکلی که در گذشته ها از آن استفاده میشد و اینکه هدف تشکیل و تحکیم ارتباط میان کارگر ودهقان را در بر داشت نیستیم بلکه تاثیرات بالقوه مالیه بر مواد غذایی بالای رهایی قدرت خلاقیه توده ها، بالا بردن قدرت تفکر و نو آوری افراد واز بین بردن سیستم بوروکراتیک که باعث خلل در تطبیق اساسات سوسیالیستی که متکی بر پرنسیپ ازهرکس‌به اندازه‌توانش وبه‌هرکس‌به قدر نیازش می‌باشد ، هستیم .

ساختمان سوسیالیستی‌که به اساس رهنمایی های لنین آغاز گردیده بود باعث‌بوجود آمدن چندین نتیجه اساسی وجدید گردید. سیستم پلان شده اقتصادی برای اولین مرتبه در روی زمین پیاده گردید. پلان برقی ساختن اتحاد شوروی واقعاً یک نوآوری بود که یک صفحه‌جدید را در سیستم تفکر و عملکرد جهان گشود. این پلان فقط یک پلان تحمیلی نبودبلکه طوریکه لنین آن را پیش‌بینی کرده بود یک پروژه انکشافی هماهنگ در رشته‌های زراعت صنعت و ترانسپورت بود و به عباره دیگر یک پروگرام وسیع وهمه جانبه را برای جا بجا کردن و اعمار نیرو های تولیدی مملکت تشکیل میداد .

لنین آن را پلان دوم حزب خواند . پلانی که در جهت احیای کشور ما و بلند بردن آن به سطح مطابق به خواست و ایجابات انکشاف روز عیار گردیده بود .

کلتور جدیدی رو به تشکیل بود که در آن تجارب گذشته توده ها متنوع، و استعداد های خود او که‌آن ها راانقلاب به جلو کشانیده و بخدمت مردم قرار داده بود رول هایی را بازی میکردند .

چیزی که برای ما قابل قدر و یاد آوری است نه‌تنها نتیجه‌ء مسئله است بلکه تجربه و طریقه که لنین از آن برای‌ایجاد و اعمارشوروی چندین ملیتی استفاده کرد قابل قدر و ستایش است.

درمورداینکه به‌چه‌زمانی‌روسیه نیپ(سیاست جدیداقتصادی) به روسیه سوسیالستی مبدل گردد ، لنین نمیتوانست وهم قصد ترسیم تصویر همه‌جانبه جامعه‌آینده را باتمام ویژه گی های‌آن‌نداشت، بلکه‌لنین‌درنظر داشت که کشورش ازطریق اعمار صنعت ماشینی ،از طریق بوجود آوردن کوپراتیف‌ها ، ازطریق‌شمولیت‌توده های کار گر بحیث افراد ونیرو در پیشبرد ماشین دولتی ، از طریق تنظیم ماشین دولتی برپایه بهترکمتر ولی بهتر و موثر تر در جهت انکشاف کلتور همه مردم، از طریق تحکیم وحدت میان ملیت های آزاد و مستقل بدون دروغ و سرنیزه این و فقط این تنها چهره مملکت را در حالیکه شکل یک جامعه و نظم جدید را بخود میگرفت واضح می سازد.

کار های اخیر لنین که از نگاه احساسی و علمی فوق العاده غنی است، نمای سیستم جدید و اصل بنا- ختمان جامعه سوسیالیستی در مملکت ما هویداست که این خود برای حزب ما یک خزینه بزرگ تیوریکی را تشکیل میدهد . مرگ قبل‌از وقت و نابهنگام لنین برای حزب و کلیه مردم شوروی یک تکان و ضربه بزرگ‌بود این ضایعه یک ضایعه‌جبران ناپذیر و یک غم بی حدود بود که برای همه آشکار است .

وظایف بزرگ و بس‌تاریخی در قبال ما قرار داشتند اما جای لنین خالی ماند ، در همچو حالت‌به اتکا رهنمایی‌ها ودکتورین لنین، رهبری حزب مکلف بود راه های معقول و اساسی را برای پیدا کردن راه بسوی سوسیالیزم و استحکام دست آورد های انقلاب با در نظر داشت شرایط بخصوص آن زمان دریافت و تعقیب نماید .

تاریخ در برابر نظام نوین دو راه بیشتر نگذاشته بود.یا بایستی در کوتاهترین مدت زمانی ممکن تهداب اجتماعی- اقتصادی وتخنیکی خود را پی ریزی میکرد وزنده می ماندوبه جهانیان نخستین نمونه‌جامعه عادلانه را نشان میداد یا اینکه ازبین‌میرفت ودربهترین‌صورت خودبه‌مثابه‌یک آزمایش‌اجتماعی قهرمانانه وناکام در خاطره زمانه باقی می ماند .

مساله تامین دگرگونی سوسیالیستی سریع وپر- شتاب به‌تمام‌معنای کلمه‌اهمیت زنده‌گی بخش وقاطع بخود گرفته بود .

دوره پس از درگذشت لنین که در برگیرنده دهه‌های بیستم وسی‌وم میشود درتاریخ اتحاد شوروی جایگاه ویژه‌یی دارد .در مدت نزدیک‌به پانزده سال دگرگونی های اجتماعی ژرفی بوقوع پیوست. در طی این مدت کوتاه کار های زیادی به انجام رسیده است .هم از رهگذر جستجو برای دریافت راه‌های گوناگون ساختمان سوسیالیستی وهم از نقطه نظر آنچه که واقعاً در پی‌ریزی بنیاد جامعه نوین به دست آمده بود .

آن سالها از نگاه توان بشری سالهای کارسرسختانه ومبارزه قاطع و چندین جانبه بود. صنعتی کردن، دسته جمعی کردن ،انقلاب فرهنگی، تحکیم دولت کثیر المله، استحکام موقف بین المللی اتحاد شوروی ، اشکال وشیوه های تازه مدیریت اقتصادی و مسایل اجتماعی ،این ها همه در طی این دوره اتفاق‌افتادند.همه‌این هاپی آمد های دراز مدتی داشته اند .

طی چندین دهه ما بار باربه آن زمان ، زمانیکه جامعه سوسیالستی در آغاز اعمار خود قرار داشت بازگشته‌ایم. در مقیاس تاریخی این یک کار درخشان وپر اهمیت تاریخی بود. این کارنامه درخشان پدران واجدادما سزاوار ستایش است. وارزیابی دستاورد های واقعی ما همانند خود این دستاورد هاو کار نامه های برجسته جاودان وزنده خواهند ماند .

واگر زمانی مابه تاریخ مان به دیده نقادانه می نگریم این ازآن جهت لازم است تاتصور روشنتر وکاملتری از شیوه های کار درآینده بدست‌آوریم. مهم اینست که گذشته ها رابا احساس مسوولیت تاریخی وبر بنیاد حقایق‌تاریخی بررسی کنیم. این کار باید انجام‌شود. نخست به خاطر اهمیت‌فراوان آن سالها در سر نوشت‌کشور ماو در سر نوشت سو سیالیزم، دیگر اینکه آن سالها درمرکز مباحثات پایان ناپذیر هم در کشور ماو هم در خارج قرار دارد جایی که همراه با دریافت حقایق اکثراً تلاش هایی‌به منظور بی اعتبار جلوه دادن سو سیالیزم به مثابه یک نظم نوین‌اجتماعی وجانشین واقعبینانه نظام‌سرمایه داری صورت می گیرد.و در فرجام مابه ارزیابی حقیقی این دوره وهمه دوره های‌دیگر تاریخ مان ، بویژه در حال حاضر که‌بازسازی باشتاب فراوان درجریان‌است نیاز داریم ما به این ارزیابی نه‌ازآن‌جهت که‌به اختلافات سیاسی پایان بخشیم ویا به گفته آنها غبار ودمه را دور کنیم ضرورت داریم بلکه به خاطر اعتبار بخشیدن به همه قهرمانی های گذشته وبه‌خاطر آموختن از اشتباهات‌و محاسبات نادرست نیاز داریم.

در مورد دهه های بیستم‌و سی‌وم پس‌از درگذشت لنین نیز چنین است .

هر چند که حزب وجامعه‌اندیشه لنینی ساختمان سوسیالیزم وآثار لنین پس ازپیروزی انقلاب را بحیث رهنما با خود داشته با اینهم دریافت راه کار ساده‌یی نبود وبر سر این مساله مبارزه ایدیو لوژیک سخت‌و مباحثات سیاسی فراوان درگرفت .در مرکز توجه آنها مسایل اساسی تکامل جامعه‌و پیش از همه این مساله قرار داشت که آیا ساختمان سوسیالیزم در کشور ما ممکن است یانه .اندیشه وعمل در تکاپوی سمت هاو اشکال‌گذار اجتماعی -اقتصادی دور می‌زد واینکه چگونه این گذار درراستای سوسیالیزم در شرایط مشخص تاریخی اتحاد شوروی به انجام رسد کار عملی سازنده که لازمه اش احساس مسوولیت عالی است دردستور روز قرار داشت . بیش ازهمه کشور با مساله صنعتی کردن وبازسازی اقتصادی که بدون آن ساختمان سوسیالیزم‌وبلند بردن ظرفیت دفاعی کشور تصور ناپذیر بود روبرو بود. درین موضوع از رهنمود های صریح لنین واز میراث‌تیوریک او پیروی شد .سوال دگرگونی های سوسیالیستی در روستاها نیزدر همین سطح به پیش کشیده شدو درین عرصه‌نیز از رهنمایی های لنین سود برده شد .

بدینگونه مساله‌در برگیرنده موضوعات قاطع، دشواری هاو اهداف گونا گون بود. وهر چند تکرار میکنم که حزب رهنمود های لنین درین موضوعات رابا خود داشت ومباحثات داغی روی آنهادرگرفت

این موضوع قابل یادآوری است تا گفته شود که همه رهبران حزب چه پیش از انقلاب وچه پس از انقلاب،در نخستین سال های ساختمان سوسیالیزم روی شماری از مسایل عمده با لنین هم عقیده نبودند .گذشته از آن توصیه های لنین نمی توانست تمامی موضوعات مشخص مربوطه به ساختمان جامعه‌نوین را حتوا کنند .

هنگام تجزیه وتحلیل اختلافات ایدیو لوژیک آن دوره این را باید به خاطر داشته باشیم که اجرای دگر گونی های عظیم انقلابی درکشوری مانندروسیه آن زمان به خودی خود وظیفه بس دشواری بشمار می رفت. از نظر تاریخی کشور به‌پیش گام بر میداشت ،رشد کشور شتابان بود، همه گستره های زنده‌گی از ریشه دگر گون شده میرفت .

منافع وعلایق طبقات، گروه ها واقشار اجتماعی گونا گون، نیازو خواسته های زمان،سنن تاریخی وفشار وظایف مبرم، همچنان محاصره خصومت‌آمیز سرمایه داری، مبارزه ایدیولوژیک حل ناشدنی‌را باروبداد ها وروند های اقتصادی در عرصه سیاسی وهمه عرصه های زنده‌گی‌مردم درهم‌آمیخت. بطور خلاصه خیلی دشواربود در همچو شرایط پیچیده‌وتوفانی‌مسیر درست‌را ازنادرست تشخیص کرد. ماهیت مبارزه ایدیولوژیک‌آن زمان به‌پیمانه قابل‌توجهی بارقابت‌های فردی در رهبری حزب‌پیچیده‌ترشده بود. اختلافات گذشته اززمان حیات لنین هم در شرایط تازه به شکل خیلی جدی تر چهره خودرا نمایان‌ساخت. همانگونه که میدانیم لنین این خطر را هشدار داده بود .لنین در نامه اش عنوانی کنگره تاکید کرده بود که آیا این یک جزء نیست و یا جزیی است که اهمیت قاطعی بخود خواهد گرفت . وآنچه که پیش آمد تا اندازه زیادی‌همینطور بود.

خصلت خرده‌بورژوایی شماری از رهبران با نفوذ دست بلند یافت .این خصلت ها حالت فتنه انگیزانه بخود گرفت.این حالت سازمان های حزبی را در برگرفت وآنها را از کار های حیاتی باز داشت ودر کار آنها دخیل شد .

رهبران صاحب ادعا بر خلاف موضع اکثریت در حزب که فکر میکردند نظرات این رهبران با اندیشه هاو پلان های لنین‌مخالف‌است وپیشنهاد های‌شان خطا کارانه است و کشور را از مسیر درست باز میدارد ، انشعاب را تحریک کردند .

این امر بیش از دیگران‌در موردلیون تروتسکی صدق می کند که پس از درگذشت لنین مدعی کسب مقام عالی رهبری حزب شدو این گفته لنین در مورد او کاملاً تصدیق شدکه گفته بود: تروتسکی سیاستمدار ی‌است سخت از خود راضی که همیشه در حالت‌نوسان قرار دارد و همیشه گول می خورد .

تروتسکی وهوا دارانش امکان ساختمان سوسیالیزم‌در شرایط محاصره سر مایه‌داری رانفی میکردند . در سیاست خارجی آنها اولویت را به صدور انقلاب و در سیاست داخلی به تحکیم پیچ ومهره های روی دهقانان ،به استثمار شهرازده ودر کار اداره کشور به‌شیوه های تحکیم آمیز اداری ونظامی قایل بودند .

تروتسکیزم جریان سیاسی‌یی بود که ایدیو لوگ های‌آن خود رادر پشت لفاظی های چپروانه انقلابی نما پنهان می کردند که سر انجام محکوم به شکست شد .این جریان حمله یی بود بر لنینیزم وعملاً موضوع آینده سوسیالیزم وسر نوشت انقلاب در کشور ما درمیان بود .

در چنین شرایط ضرورت بود تا تروتسکیزم به همه‌جا بنیان غیر اصولی معرفی شده و خاصیت ضد سوسیالیستی آن آشکار گردد. شرایط نظر به اینکه پیروان تروتسکی یک جبهه مخالف را تحت رهبری گریگوری زینوویف و لیف کامینیف به پیش می بردند .

ازینکه رهبران این جنبش خود را در اقلیت می دیدند می خواستند در صفوف رهبری حزب خدشه واردکنند و درین جهت بی نهایت تلاش هم کردند اما تلاش‌های شان بجایی نرسیده وبالاخره نا بود شدند . بصورت‌خلص هسته‌رهبری‌حزب‌به‌سرکرده‌گی جوزیف ستالین دریک مبارزه ایدیو لوژیکی حزب را نجات داد، موقف و تکتیک های حزب که برای اکثر اعضای حزب و کارگران قابل قبول وتائید بود تثبیت گردید .

در شکست و نابودی تروتسکی، نیکولای بوخارین فلیکس دریژنسکی، سیرگی- کیروف، گریگوری اوردجونی کیدز، جان روزوتاک و دیگران نقش بازی کردند.

در اخیر دهه بیست یک مخالفت جدی در مورد اینکه امور دهقانی چگونه درجهت سوسیالیستی قرار بگیرد بوجود آمد. این مبارزه باعث شد که تفاوت هایی میان پیروی سیاسی و گروپ بخارین در مورد اینکه اساس اقتصاد جدید در مرحله زمانی و شرایط رشد اتحاد شوروی تطبیق شود واضح گردید .

شرایط حاکمه آن زمان در داخل کشور و در سطح بین المللی ازدیاد سرعت اعمار سوسیالیستی رابوجود آورد .

بوخارین و پیروانش ، در محاسبات و پیشنهادات تیوریک شان، اهمیت عملی عامل زمان را در ساختمان سوسیالیزم در سالهای سی کم بها دادند. ازبسیاری جهات وضع آنان بر تفکر دگماتیک و ارزیابی غیر دیالکتیکی وضع مشخص‌قرار داشت. بوخارین و پیروانش به زودی به اشتباهات شان اعتراف نمودند .

درین رابطه ، بی مورد نخواهد بود نظر لنین را در مورد بوخارین‌یاد‌آورگردیم . لنین میگفت ((بوخارین نه تنها یک تیوریسین بسیار با ارزش و بزرگ حزب است بلکه همچنان به درستی‌طرف توجه کلیه حزب محسوب‌می گردید. ولی‌نظریات تیوریتیکی وی میتواند صرف با یک ریزرف بزرگ به مثابه کاملا مارکسیستی تصنیف گردد برای آنکه برخی موارد اسکولاستیک در مورد وی وجود دارد. (وی هیچگاهی‌به مطالعه دیالکتیک نپرداخته ومن فکر میکنم هیچوقت‌آنرا به درستی نفهمیده است.) واقعیت ها یک بار دیگر بر این امر صحه گذاشت که حق با لنین بوده است.

(ص ٤)

اکتوبر و بازسازی: انقلاب ادامه دارد

متن بیانیهٔ رفیق م.س. گرباچف

(بقیه ص۳)

طوریکه مشاهده می نمائیم بحث های سیاسی آن زمان پروسهٔ دشواری را در رشد حزب باز تاب میداد، که توسط مبارزه شدید بخاطر مسایل تعیین کنندهٔ اعمار سوسیالیزم مشخص میگردید.

در آن مبارزه، که با نیست تحمل میگردید، مفاهیم صنعتی ساختن و جمعی ساختن شکل گرفت.

تحت رهبری حزب و کمیته مرکزی آن، صنایع ثقیله به شمول انجنیری، صنایع دفاعی و صنایع کیمیاوی که در زمان خود بی نظیر بود در زمان کوتاهی اعمار گردیده و پلان برقی ساختن عمومی به اکمال رسید.

این دستاورد ها با کارخانجات فولاد مگنیتو گورسک، معادن ذغال کوزنتسک، ایستگاه برق آبی دنیپر، کارخانجات انجنیری ثقیلهٔ اورال، مجتمع خیبینی، کارخانجات موتور سازی در مسکو وگورکی، برخی فابریکه های طیاره سازی، کارخانجات تراکتور سازی ستالینگراد، چیلیابنسک و خارکوف، کارخانجات تولید ماشینهای زراعتی رستوف، شهر کمسمول در کرانه‌آمور، خط آهن‌تورکسیب، کانال بزرگ‌فرغانه وبسیاری از سایر پروژه های عظیم پلانهای پنجساله اولی ما متبارز میگردد. تعداد زیاد انستیتوت های تحقیقاتی و مجموعه تاسیسات تحصیلات عالی در آن روز ها پایه‌گذاری شد.

حزب میتود صنعتی ساختن را که تا آنروز ناشناخته بود تدوین کرد: آغاز اعمار صنایع ثقیله به یك باره گی، بدون تکیه بر منابع مالی خارجی و بدون سالها انتظار برای تراکم سرمایه از طریق توسعه صنایع خفیفه باوجود آنکه برای کشور و مردم به طور باور نکردنی دشوار بود این یگانه راه ممکن در آن شرایط بوده این گام نوآورانه یی بود که در آنشور انقلابی توده ها به مثابه جزئی از رشد اقتصادی در نظر گرفته شده بود.

صنعتی ساختن کشور را با یك خیز به سطح بنیاداً نوینی ارتقاء داد.

در پایان سال های سی، اتحاد شوروی از لحاظ تولید صنعتی در اروپا در مقام اول و در جهان در مقام دوم قرار گرفته به یك قدرت واقعاً بزرگ صنعتی مبدل گردید. این بهره گیری دارای اهمیت دورانساز ازکار، بهره‌گیری ازکار آزاد شده، بهره‌گیری ازحزب بلشویك بود.

با نگاه تیز بین به تاریخ باید در نظر داشت واقعیت های ناگوار داخلی و بین المللی، سوالی مطرح میشود که آیادر آن شرایط راه دیگری غیر از آنچه حزب صلاح میدید ممکن بود؟ اگر ما آرزو مندیم تا به تاریخ وحقیقت زنده گی وفادارباشیم فقط یك پاسخ میتوان ارائه کرد: نه، راه دیگری وجود نداشت.

در آن شرایط، درموجودیت تجاوز آشکارامپریالیستی، حزب به طور فزاینده یی این ضرورت که در امتداد فاصله از پتك و قلبهٔ چوبی تا صنایع‌پیشرفته به کوتاهترین وقت ممکن یورش برد معتقد گردید. برای آنکه بدون این امر داعیهٔ انقلاب به طور اجتناب ناپذیری تخریب میگردید.

ضرورت حیاتی پلان های حزب ـ درك شده و پذیرفته شده توسط توده ها ـ شعار ها واهدافی که روح انقلابی انقلاب اکتوبر را تجسم میداد در شور حیرت آوری که توسط میلیونها مردم شوروی که به اعمار صنعتی کشور پیوسته بودند، ابراز میگردید. در دشوار ترین شرایط، با عدم موجودیت تخنیك، با جیرهٔ نیمه گرسنگی، مردم معجزه آفریدند. آنان ازین واقعیت که در یك داعیهٔ عظیم تاریخی دست دارند الهام میگرفتند. گرچه آنان به قدرکافی باسوادنبودند، غریزهٔ طبقاتی آنان به ایشان‌میگفت که دریك اقدام تعیین کننده‌و بی سابقه سهم میگرفتند. این وظیفه ما و کسانی است‌که از ما پیروی خواهند کرد تا استفاده یی را که از پدران و نیاکان ما به عمل آمده بود به خاطر بیاوریم.

هر یکی باید بداند که کار آنان ووقف از خود گذری آنان عبث نبود.

آنان هر چیزی را که نصیب شان شده بود تحمل کردند و سهم بزرگی را در تحکیم دستاورد های انقلاب اکتوبر، پی ریزی پایه های نیرویی که آنها را قادر به حراست ما در وطن از خطر مرگ آور و حفظ سوسیالیزم برای آینده، برای همهٔ ما، رفقا، میساخت، ادا نمودند. درود بر خاطرهٔ آنان!

در عین حال، دوران تحت بررسی برخی زیانها را نیزبه همراه داشت. آنان دارای روحیهٔ معینی بودند که با پیروزی هایی که هم اکنون بدان اشاره کردم رابطه داشت مردم به موثریت عام مرکزیت جدی معتقد میگردیدند، درین شیوهٔ فرماندهی کوتاهترین و بهترین راهٔ حل هریك و همه پرابلمها نهفته بود.

این امر بر سلوك در برابر مردم، در برابر شرایطزنده‌گی آنان تاثیر وارد نمود.

سیستم رهبری فرماندهی اداری حزب و حکومت در کشور به ظهور رسید، ونوار سرخ با وجود آنکه لنین در زمانش از خطرآن خبرداری داده بود، نیرو مند گردید. و مطابق آن ساختار اداری و پلان گذاری آغاز به شکل گیری نمود.

در عرصه صنعت، با در نظر داشت پیمانهٔ کنونی آن، هنگامی که تمام أجزای عمده بنای صنعتی، بر جسته و اشکار بود، چنین شیوه ها، چنین سیستم اداره بصورت کل نتایج به بار می آورد. معهذا، مرکزیت و سیستم اداره یی‌یکسان‌جدی برای حل مسایل دو باره سازی زنده گی روستایی غیر مجاز بود.

اشکارا باید گفته شود: در مرحله جدید در موضعگیری با ملاحظه لنینی به نفع‌توده های دهقانی کسری وجود داشت. مهمتر از همه این حقیقت که دهقانان بمثابه یك طبقه طی سالهای پس‌از انقلاب اساساً تغییر یافته بود کمتر اهمیت داده میشد.

دهقان متوسط، شخصیت اساسی بود، وی خودرا بحیث کشاورز زمینی که‌از انقلاب بدست آورده بود می پنداشت و طی یك دههٔ کامل، متقاعد شده بود که حکومت شوروی حکومت وی نیزبود.

وی به متحد مربوط به طبقه کارگر متحدی که بر بنیاد های جدید و با این اعتقاد که زنده گی وی‌بطور پیوسته بهبود می‌یابد، مبدل شده بود.

هر گاه ارزیابی‌بیشتری از قوانین عینی اقتصادی وجود میداشت و هر گاه توجه بیشتری به پروسه های اجتماعی که در قریه اتفاق می افتاد معطوف می گردید، و هر گاه بطورمجموع موضعگیری به طبقه وسیع دهقانی که اکثریت شان در انقلاب سهم داشتند و ازآن در مقابل گارد سفید ونیروی تجاوز دفاع کردند، از لحاظ سیاسی بیشتر عادلانه می بود، هر گاه مشی پیگیری برای تقویت اتحاد بادهقانان متوسط در مقابل کولاك، سرمایه دار روستایی وجود میداشت، در آنصورت همه زیاده رویهایی که درانجام کولکتیفی ساختن بوقوع پیوست وجود نمیداشتند. این مطلب امروز اشکار است که: در یك ماموریت عظیم، که بر سرنوشت اکثریت نفوس کشور اثر گذاشت، از سیاست لنینی در قبال مساله دهقانی‌دوری گزینی صورت گرفت.

این مهمترین و مغلق ترین پروسه اجتماعی، پروسه‌یی که کار بزرگی در آن به شرایط محلی مربوط بود، بوسیله میتود های اداری قبلا مسلط رهبری گردید.

چنین اعتقادی بوجود آمد که همه مسایل با یك چشم بر هم زدن میتوانند حل گردند. تمام مناطق وقسمت های کشور به این رقابت‌که کدام یك به سرعت بیشتر به کولکتیفی شدن کامل دست خواهند یافت، آغاز کردند. فیصدی های دلخواه از بالا ارائه گردیدند، نخطی های صریح ازاصول‌کولکتیفی شدن درهرجا صورت گرفت.

از زیاده روی و افراط در مبارزه علیه کولاك ها اجتناب بعمل نیامد. اساساً سیاست درست مبارزه با کولاك ها غالباً آنچنان وسیع تعبیر گردید که در میان بخش قابل ملاحظه از دهقانان متوسط نیز پخش گردید. واقعیت تاریخ چنین است.

اما، رفقا، هر گاه اهمیت کولکتیفی شدن را بصورت کل در امر تحکیم سوسیالیسم در اطراف کشور ارزیابی نماییم، در تحلیل نهایی عبارت بود از تغییر اهمیت بنیادی.

کولکتیفی ساختن تغییر بنیادی این را در تمام شیوه زنده گی بخش مهم نفوس کشور بوجود آورد. بنیاد اجتماعی را برای مدرنیزه کردن سکتور کشاورزی و سوق دادن مجدد آن براساس شیوه های پیشرفته تکنیك های کشاورزی بوجود آورد ارتقای بازدهی کار را موجب گردید، و یك بخش اساسی قوای بشری راکه عرصه‌های دیگر اعمار سوسیالیستی به آن ها نیاز داشت به‌آن عرصه ها واگذار شد. همه این ها تاثیرات تاریخی ایرا دارا بودند.

برای درك وضع این سالها باید بخاطر داشت که سیستم اداره که در پروسه صنعتی سازی به شکل گیری آغاز کرد و در دوران کولکتیفی ساختن محرکه جدید یافت بر تمام زنده گی اجتماعی ـ سیاسی کشور مسلط ساخته شد، وقتی این سیستم بر اقتصاد مسلط گردید به روبنای آن نفوذ حاصل کرد، انکشاف نیروی دموکراتیك سوسیالیسم را در محدودیت قرار داد و ترقی دموکراسی سوسیالیستی را به کندی روبرو ساخت. اما آنچه گفته شد از پیمانه اعلان آن زمان تصویر کامل بدست نمیدهد چه اتفاق رخداده بود؟ زمان آزمون های دشوار و سنگین ایدیولوژیك ـ سیاسی برای حزب در واقع سپری شده بود ملیونها مردم با دلچسپی به کار پیاده ساختن تغییرات سوسیالیستی پیوسته بودند. نخستین‌پیروزیها بملاحظه میرسید.

هنوز هم در آن زمان، میتود هایی که در زمان مبارزه با مقاومت خصمانه طبقات استثمار گر دیکته میشد، بطور میکانیکی به دوران‌اعمار صلح آمیز سوسیالیستی، زمانی که شرایط از بنیاد تغییر یافته بود انتقال داده میشد. فضایی از بی حوصله‌گی، دشمنی وسوء ظن در کشور بوجود آمده بود. با گذشت زمان میزان این تمرین سیاسی فزونی گرفته و از آن بافرضیه اشتباه آمیز تشدید مبارزه طبقاتی در جریان ساختمان سوسیالیستی حمایت بعمل‌میآمد. وسهم آن بر انکشاف اجتماعی ـ اقتصادی کشور تاثیر ناگواری داشته، نتایج ناگواری ببار آورد.

به گونه ای آشکار نبود سطح مناسب دیموکراتیزه سازی در جامعه شوروی بود که کیش شخصیت، نقض قانونیت، اقدامات لاقیدانه وباز دارنده سالهای سی را شدت بخشید.

من مسایل را بی پرده می گویم. جنایاتی که انجام می گرفت از سوء استفاده از قدرت نشات میکرد. هزاران نفر متاثر میگردید.

در داخل و خارج حزب با اقدامات بازدارنده دسته‌جمعی مواجه میگردیدند. رفقا، چنین است حقیقت تلخ.

صدمه بزرگی به امر سوسیالیزم و اعتبار حزب‌رسید وما باید این را بی پرده اظهار بداریم. این لازم است. ایدیال سوسیالیزم لنین را یك بار و برای همیشه تائید نمود.

اکنون بحث زیادی پیرامون نقش ستالین در تاریخ ما بالا ست، وی شخصیتی بود خیلی ضد و نقیض. اگر قرار باشد به حقیقت تاریخی وفادار بمانیم، برماست که هم سهمگیری بلامنازعه ستالین را در مبارزه برای سوسیالیزم و دفاع از منافع‌آن، و هم اشتباهات کلی سیاسی و سوء استفاده های خودش و اطرافیانش را که مردم ما بهای سنگینی برایش پرداخته و عواقب ناگواری برای زنده‌گی جامعه ما داشته در نظر گیریم.

گاهی اوقات میگویند ستالین از بسیاری ازاعمال خلاف قانون آگاهی نداشت. از اسنادی که بدست داریم بر میاید که این درست‌نیست. گناه ستالین ونزدیکان او در برابر حزب و مردم بخاطر اعمال فشار دسته جمعی و اعمال خلاف قانون خیلی بزرگ و غیر قابل بخشایش است. این درسی است برای همه نسل ها.

بر خلاف ادعای مخالفین ایدیالوژیکی‌ما، کیش شخصیت‌ستالین اجتناب ناپذیر نبود. این چیز برای فطرت سوسیالیزم بیگانه است‌این چیز یك جدایی از پرنسیپ های نهادی نماینده گی میکرد، و بنا بر آن دلیلی برایش وجود ندارد.

در کنگره های بیستم و بیست ودوم حزب شدیداً خود کیش و عواقب آن را تقبیح کرد. ما میدانیم که اتهام هاي سیاسی واقدامات سرکوبگرانه علیه شماری از رهبران حزبی و دولتی، علیه کمونیست ها و مردم غیر حزبی، علیه روسای اقتصادی‌ومردان نظامی، علیه دانشمندان و شخصیت های فرهنگی نتیجه ای از یك تحریف‌عمدی بود بعد ها بویژه پس از کنگره بیستم حزبی، بسی از اتهامات پس گرفته شد. هزاران تن از قربانیان بیگناه بکلی تبرئه گردیدند. اما روند اعاده عدالت به آخر رسانیده نشد و در واقع هنگام جلسه عمومی اکتوبر ۱۹۸۷ کمیته مرکزی ملتوی گذاشته شد. بر ماست که بدان باز گردیم.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی کمیسیونی را برای جستجوی جامع حقایق و اسناد تازه‌در بارهٔ این موضوعات و موضوعاتی که قبلا معلوم بود توظیف گردانیده است. بر روی نتایج کار کمیسیون تصامیم مقتضی اتخاذ خواهد شد.

همه این در کتابی‌پیرامون تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی، که تهیه آن به عهده کمیسیون خاصی از کمیته مرکزی گذارده میشود، انعکاس خواهد یافت. این چیزی که انجام آن بر دوش ماست، بیشتر بخاطر آنکه هنوز هم کوششهایی انجام میگیرد تا از مسایل دردآلود تاریخ مان روی نگردانیم، تا سروصدای آن را خاموش سازیم تا این عقیده را بوجود بیاوریم که چیز بخصوصیی بوقوع نه‌پیوسته است.

ما به این توافق نداریم. این کار به مثابه بی اعتنایی به حقیقت تاریخی خواهد بود و بی احترامی به‌خاطره آنهایی که قربانیان بیگناه اعمال مستبدانه بیقانونی بودند.

دلیل دیگر برای عدم توافق ما با این،عبارت است ازینکه تحلیل صادقانه باید ما را درحل‌پروبلم‌های دموکراتیزه ساختن قانونیت، علنیت، غلبه‌بر بیروکراسی و خلاصه پروبلم های‌بااهمیت بازسازی‌یا سازماندهی مجدد یاری رساند. ازین جاست که ما حالا نیز باید از وضاحت و پیگیری بر خوردار باشیم. درك شریفانهٔ دستاورد های عظیم، وهمچنان بد شگونی های گذشته، تحلیل کامل و درست یادی آن ها، رهنمود های واقعی را برای آینده به دست خواهد داد.

با بررسی سالهای بیست و سی پس ازین ما میتوانیم بگوئیم که به راه دشواری آغشته با تناقضات واغلاط اما راه بزرگ‌و قهرمانانه را پیموده ایم. نه اشتباهات صریح ونه هم دوری گزینی از اصول سوسیالیزم توانست مردم ما و کشور ما را از راهی که به‌انتخاب خود در سال ۱۹۱۷ بر گزیدند بر گرداند.

نیروی انقلاب اکتوبرخیلی بزرگ بود! مفکوره های سوسیالیزم که توده ها را جذب کرده بود خیلی بزرگ بود!

مردم خویشتن را در مساعی بزرگ ذیدخل میدانستند واز ثمره های کار شان بهره می بردند. وطنپرستی آنان مفهوم جدید سوسیالیستی رابه خود گرفت و همهٔ آن در بحبوحهٔ جنگ بزرگ میهنی ۱۹۴۱ ـ ۱۹۴۵ با نیرومندی بدست آمدند.

در غرب اکنون در مورد وضع در آستانه جنگ صحبت زیاد می شود. حقایق با آنچه نیمه حقیقت دارند جازده می شوند. این کار بخصوص بوسیله آنانی صورت می گیرد که از نتایج جنگ دوم جهانی، از لحاظ سیاسی، ارضی و اجتماعی، ناراض اند و آنانی که در صدد اند این نتایج را با دسایس تعدیل نمایند. بدین علت آنها به معرفی وارونه واقعیت تاریخی، برهم ودرهم کردن مناسبات علت‌ومعلول وجعل سازی کرونولوژی حوادث علاقمند اند.

درین ارتباط، آنها به هر نوع دروغ به خاطر ملامت کردن اتحاد شوروی به خاطر اشتعال جنگ دوم جهانی، که راه آن بوسیله پکت عدم تجاوز ریببن تروپ ـ مولوتوف هموارگردید، متوسل‌میگردند. این موضوع سزاوار است در مورد آن بنحوی از آنحا با تفصیل بیشتر صحبت شود.

در واقعیت امر به‌هیچوجه جنگ‌جهانی دوم‌صرفاً در اول سپتامبر سال۱۹۳۹ به‌یك‌واقعیت ترازیك مبدل نگردید. اشغال شمال شرق چین ذریعه جاپان (حادثه منچوریا در سال های ۱۹۳۱ ـ ۱۹۳۲) حمله ایتالیا بر ایتوپیا (۱۹۳۵) و بر البانیا (در بهار ۱۹۳۹)، تجاوز آلمان، ایتالیا علیه جمهوری هسپانیه (۱۹۳۶ ـ ۱۹۳۹)، واشغال‌مسلحانه شمال وبعداً قسمت های مرکزی چین ذریعه جاپان (تابستان ۱۹۳۷) این ها همه جرقه های اولی جنگ جهانی دوم بودند.

این امر متفاوت است‌که در آنروز ها غرب چنین‌وانمود میکرد که این انکشافات به آنها منوط ویا کاملا منوط نبود تا به دفاع از قربانیان تجاوز دست یازند. تنفر در قبال سوسیالیزم، طرح های طویل المدت و خود خواهی های طبقاتی از بررسی‌معقول خطرات موجود جلو گیری میکرد.

پیگیرانه به فاشیزم حتی ایفای ماموریت نیروی‌ضربتی در جنگ‌صلیبی‌ضد کمونیستی پیشنهاد میگردید. به تعقیب ایتوپیا و چین، اطریش و چکوسلواکیا در کوره تسکین کشانیده شده و شمشیر بر فراز پولند و همه دول بالتیك ودانیوب آویخته شده بود. تبلیغات به طور آشکار در جهت مبدل ساختن‌اوکراین بیك مزرعه گندم و فارم‌حیوانی رایش سوم براه افتید.

بالاخره، لبه اساسی تجاوز علیه اتحاد شوروی کشانیده شد. اما از آنجاییکه نقشه تقسیم کشور سالها قبل از جنگ طرح‌ریزی شده‌بود. بناء به‌آسانی به ملاحظه میرسد که حق انتخاب ما به چه اندازه محدود بود.

گفته میشودکه تصمیم‌اتحاد شوروی دایر بر انعقاد پیمان عدم تجاوز با آلمان بهترین تصمیم نبود، هنگامی چنین می بود که شخص نه ذریعه واقعیت های سرسخت بلکه ذریعه فرضیه های انتزاعی خارج از چوکات زمانی شان رهنمون گردد.

در چنین شرایط نیز سوال کاملا همان گونه بود که در زمان صلح برسر بود وآن اینکه آیا کشور ما مستقل باشد یا خیر؟ آیا سوسیالیزم در روی زمین باشد یا خیر؟ اتحاد شوروی تلاش های عظیم به خرج داد تا یك سیستم امنیت دسته جمعی را اعمار نموده واز یك فاجعهٔ جهانی جلو گیری کند مگر ابتکارات شوروی در میان رهبران سیاسی و سیاستمداران غربی که خونسردانه پلان داخل ساختن سوسیالیزم در شعله های آتش جنگ و روبرو ساختن آن را با فاشیزم پیش می بردند با جواب مثبت مواجه نگشت.

ما قبلا بلا فاصله پس از ظهور دولت سوسیالیستی خویش به هیچ وجه از دیدگاه امپریالیست هادرست وحق به جانب نبودیم. طوریکه من گفتم حلقات حاکمهٔ غرب در تلاش برای پوشانیدن گناه های خود شان تلاش می ورزند تا مردمان را معتقد سازند که حمله نازی برپولند و بدین وسیله آغاز جنگ دوم جهانی به وسیله پیمان عدم تجاوز میان شوروی و آلمان منعقده ۲۳ اگست ۱۹۳۹ تحریك شده است.

طوریکه فقط موافقتنامه میونیخ که میان‌هتلروانگلستان وفرانسه در سال ۱۹۳۸ با توافق فعال‌ایالات متحدهٔ‌امریکا یا آنسلوس، اتریش، یا کروسینکسیون جمهوری هسپانیه با اشغال چکوسلواکیا یا کلیپیدا توسط نازی ها و یا عقد پیمان های عدم تجاوز با جرمنی توسط لندن و پاریس در سال (۱۹۳۸) موجود نبوده باشد.

به همین ترتیب همچو یك پیمان از طرف پولند قبل از جنگ نیز به امضاء رسیده بود.

همه این مطالب چنانچه‌شما می بینید با ساختار سیاست امپریالیست ها مطابقت‌داشته و چنان ارزیابی شده و می شود که گویا واقعیت دارد.

چنانچه از اسناد هویدا است تاریخ حمله جرمنی بر پولند (که پس از اول سپتمبر نمی باشد) مدت‌ها‌قبل یعنی به تاریخ سوم اپریل (۱۹۳۹) که بدون شك خیلی ها بیشتر از عقد معاهده شوروی ـ جرمنی میباشد مصادف است.

در لندن، پاریس‌وواشنگتن حتی جزئیات هر دقیقه که چطور آماده گی ها برای‌کارزار پولندی واقعاً پیش برده می شد به همه معلوم است، فقط طوریکه معلوم بود تنها مانعی که جلو هتلری‌ها را گرفته می توانست همان عقد یك پیمان نظامی‌انگلستان فرانسه، شوروی قبل از اگست (۱۹۳۹) بود.

این پلان ها نیز به رهبری کشور ما آشکار است که چرا برای متقاعد ساختن‌انگلستان و فرانسه به ضرورت اقدامات دسته جمعی تلاش می ورزید. از حکومت پولند در آن زمان نیز تقاضا شد تا در دفع تجاوز همکاری نماید.

ولی قدرت های غربی طرح های متفاوت داشتند که اتحاد شوروی رابا وعده یك پیمان اغوا نموده و بدین ترتیب از عقد یك پیمان عدم تجاوز که‌ما آنرا پیشنهاد نموده بودیم جلو گیری نموده وما را از فرصت اتخاذ یك آماده گی بهتر برای حمله حتمی‌جرمنی هتلری بر اتحاد شوروی محروم سازند.

این امر همچنان فراموش شده نمی تواند که در اگست (۱۹۳۹) اتحاد شوروی با یك خطر واقعی جنگ ازدو جناح مواجه شده بود که در غرب جرمنی و در شرق جاپان که یك جنگ سنگین را در (خالخین گول) آغاز نموده بود در مقابل اتحاد شوروی قرار گرفته بودند.

مگر زنده‌گی و مرگ در محور های واقعی خود قرار گرفت و یك فصل نوین در تاریخ معاصر آغاز گشت که بسیار غم انگیز و پیچیده بود وحتی درین مرحله ما بادشمن مقابله کردیم که برای خود و هر طرف مقابل خود فقط یك چانس را گذاشته بود و آن یا پیروزی یا مرگ.

تجاوز یکه ما به آن مواجه بودیم یك آزمایش دشوار برای بقای سیستم سوسیالیستی ما، قدرت چندین ملیتی دولت شوروی ما واز روحیه وطن پرستی مردان و زنان شوروی بود. ما این آزمایش رابا آتش و شمشیر موفقانه سپری نمودیم. رفقاما آنرا سپری نمودیم به خاطر اینکه این جنگ برای مردم ما به یك جنگ کبیر میهنی ووطنپرستی، مبدل شده بود و برای اینکه در مقابله با چنین یك دشمن همچو فاشیزم جرمنی سوال صرف بالای زنده گی یامرگ وبالای آزادی یا غلامی بود.

مادر جنگ پیروز شدیم به خاطر اینکه این جنگ برای ما به یك جنگ تمام مردم تبدیل شده بود همه مردم ما برای دفاع از میهن‌شان‌دورهم بسیج شده‌بودند، جوانان، کهنسالان، مردان و زنان همه ملیت ها و ملل کشور بزرگ ما دورهم جمع شده بودند. نسلی‌که‌در دوره‌انقلاب اکتوبر تولد شده و باسیستم سوسیالیستی بزرگ شده بودند به‌نخستین هدف شان نایل شدند.

شهامت و قهرمانی های بی سابقه در میدان جنگ، مبارزه دلیرانه توسط پارتیزان‌ها ومقاومت مخفی در آن طرف خطوط دشمن‌وکار خستگی ناپذیر (۲۴) ساعته آنها همه و همه عواملی بود که‌جنگ را به نفع ما تمام کرد.

مردان وزنان اتحاد شوروی جهت دفاع از کشور شان از سیستم سوسیالیستی و همچنان دفاع از آیده ها و داعیه انقلاب کبیر اکتوبر کار و پیکار نموده اند.

زمانیکه این آفت به وطن مشترك ما فرا رسید، مردم اتحاد شوروی نه شانه‌خالی کردندونه تزلزل رابه‌خود راه دادند، خواه تحت مصیبت شکست ها وعقب نشینی‌های اولیه یا تحت تاثیر ملیونها مرگ و هلاکت، رنج‌وعذاب. از همان روز اول جنگ، آنها به پیروزی آینده عقیده راسخ داشتند، سربازان وکارگران همه آنچه،راکه در حدود توان انسانی یا فراتر از این حدود بود انجام دادند تا آن روز پیروزی را که انتظار آن میرفت، نزدیك سازند.

وقتی دریك هزارو هجده همین روز جنگ، پیروزی فرارسید تمام جهان از بند رسته نفس راحت کشیده به مردم فاتح، قهرمان و زحمتکش اتحاد شوروی و همچنان به اردوی گرامی شان که هزاران کیلو متر رزمیده اند و بهای مبارزه شان همانا وقایه حیات نسبی انسان باخون و مشقت میباشد، ادای احترام نمودند.

جنگ بزرگ میهنی اتحاد شوروی استعداد رهبران بر جسته نظامی کشور را که‌از میان مردم‌بر خاسته‌بودند

(ص ۵)

اکتوبر و بازسازی: انقلاب ادامه دارد

متن بیانیهٔ رفیق م.س گرباچف

(بقیه صفحه چهارم)

به اوج رسانید. گیورگی ژوکوف، کنستانتین روکوسوفسکی، الکساندر واسیلیفسکی، ایوان کالنیف وسایر مارشالهای برجسته، جنرال ها و افسران اتحاد شوروی کسانی‌اند که جبهه‌ها و اردو ها، قول اردو ها، فرقه‌ها، غندها و تولی ها و بلوک ها را سوق واداره‌کردند یک عامل پیروزی همانا اراده عالی سیاسی، هدفمندی و پایداری، قابلیت سازماندهی وتحت دسپلین درآوردن مردم بوده است که در سالهای جنگ از طرف جوزف ستالین ایفا گردید.

اما، ضربه و صدمه جنگ را سر باز ان عادی اتحاد شوروی که خود را دلیرانه وقف کشور خود کرده بودند با گوشت و خون خودمتحمل گردیدند. هر گونه افتخارو مباهات جاودانی به آنها (کف زدنها)

ملیونها شرکت کنندهٔ جنگ بزرگ میهنی اتحاد شوروی امروز در صفوف ما قرار داشته امروز در بازسازی انقلابی و در نوسازی جامعه ما فعالانه سهم می گیرند.

سپاس بی پایان ما به‌آنها. (کف زدنها).

در عقب این همه مساعی ما در میدان جنگ و در ساحه کار روحیه پر تحرک حزب لنینی قرار داشت. در جبهه و در سنگر ها، کمونیستها نخستین اشخاصی بودند که به حمله بر می خاستند. چنین مثال از جانب آن ها دیگران را در عقب الهام می بخشید که محلات کار، مزرعه وفارم زراعتی خود را ترک نموده به جبهه بشتابند. مردان و زنان اتحاد شوروی طور بیسابقه احساس کردند که حزب کمونیست، حزب خود شان است وکمونیستها در عمل نشان می دهند که در زمانیکه شعله های آتش زبانه میکشد و هنگامیکه مسالهٔ زنده گی ومرگ درمیان است، پیشتاز مردم چه مفهوم دارد.

میتوان با اطمینان گفت: سال های جنگ کبیر میهنی اتحاد شوروی یکی ازصفحات باشکوه‌ومملو‌ازقهرمانی‌در‌تاریخ حزب کمونیست اتحادشوروی است، صفحاتیکه در آن شجاعت و دلاوری و خودگذری های عالی و ایثار ملیونها کمونیستدرج است.

این جنگ نشان داد که مردم اتحاد شوروی، حزب، سوسیالیزم و انقلاب‌اکتوبر از هم جدایی نا پذیر اند و هیچ نیرو در جهان نمیتواند این وحدت را درهم شکنند.

سوسیالیزم نه تنها صرفاً بطور نیرو مند بپا ایستاده و به پیروزی دست یازید، بلکه از نگاه اخلاقی و سیاسی نیرو مند تر ازاین مخربترین ووحشتناکترین جنگ بیرون آمده، اتوریته ونفوذ خویش را بیش از پیش در جهان گسترش بخشید.

زمانیکه جنگ به پایان رسید، بدبینسانرکوداقتصادی وخروج کشور ما را ازسیاست خارجی بر مدت طولانی پیش بینی نموده و تصور مینمودند که حد اقل نیم قرن ضرورت است تا ما بتوانیم بر بقایای ناشی ازجنگ غلبه حاصل نمائیم.

ولی دریک مدت فوق العاده کوتاه، مردم شوروی شهرها و قریه های جنگ زده را دو باره اعمار و فابریکه‌ها، تاسیسات، فارم های دولتی وکلکتیف، مکاتب، پوهنتون هاوموسسات فرهنگی راازمیان خرابه های جنگ دو باره احیا نمودند.

این امر یکبار دیگر بازتاب دهنده نیروی عظیم دولت سوسیالیستی میباشد، یعنی اراده حزب که با درک منافع والای سر زمین انقلاب اکتوبر تحرک یافته بود، پایداری و هوشیاری پرولتری کارگران که بار اساسی تحولات صلح آمیز در قدرت صنعتی و غلبه به خرابه های جنگ را بدوش کشیدند و قربانی، حوصله‌مندی ووطن پرستی دهقانان که همه چیز شانرا به خاطر تغذیه کشور خرابه اهدا نمودند.

این امر همچنان بیانگر دوستی وکمک متقابل مردمان، آماده‌گی شان فرض کارباهمی بمثابه برادران غرض بذل کمک به آنانی که آسیب بیشتر را متحمل گردیده‌بودند و تسریع پروسه احیای آن مناطقی ازمادروطن مشترک مان که بطور بیرحمانه از جنگ صدمه دیده بودند.

قهرمانی فعالیت های‌روز مره در آن سال های دشوار پس‌از جنگ بود که منبع دستاورد ها پیشرفت اقتصادی، علمی وتخنیکی، مهار زدن‌انرژی اتم پرتاب اولین سفینه فضایی و رشد سطح زنده گی اقتصادی و فرهنگی مردمان را تشکیل میدهد. ولی درعین زمان یعنی در زمان دستاورد های جدید مردمان تحت نام سوسیالیزم، تضاد بین‌آنچه جامعه بدان نایل آمده بود وشیوه های کهنه رهبری بیش از پیش محسوس می گردید.

سوء استفاده از قدرت و تخطی‌ها از نیت سوسیالیستی ادامه داشت. قضایای لنینگراد و داکتران ساز مان داده شده بود. خلاصه،احترام واقعی به مردمان کاهش‌یافته بود.

مردم بطور باوقف کارو مطالعه نموده، دانش جدید را جستجو، دشواری ها و کمبود ها را متقبل میگردیدند ولی آنان احساس میکردند که خوف و رجا در جامعه رشد میبافت. اینها همه به زودی پس از مرگ ستالین آگاهی عامه را فرا گرفت.

در اواسط سال های پنجاه بخصوص پس از بیستمین کنگره حزب کمونیست، باد تغییر در کشور وزیدن‌گرفت. روحیهٔ مردم ارتقا و آنان قوت قلب بیشتر یافته، بیش از پیش شجیعترو مطمین تر گردیدند. **این امر مستلزم جرئت فراوان حزب و رهبری آندرراس نیکیتی خروشچف بود تاکیش شخصیت‌وعواقب آنرا انتقاد و قانونیت** سوسیالیستی را دو باره احیا نمایند.

کلیشه سازی کهنه‌درسیاست داخلی و خارجی از هم‌پاشیدن گرفت. مساعی به خرچ‌داده‌شد تاشیوه های بیروکراتیک و آمرانه اداره را که در سالهای سی و چهل جان گرفته بود ازهم گسسته،سوسیالیزم را بیش از بیش دینامیک وبا تاکید بر ایده ها و ارزش های بشری روحیه خلاقانه‌لنینیزم را در تئوری وپراتیک احیا نمایند.

آرزوی تغییر در ارجحیت های انکشاف اقتصادی و در نظر داشت انگیزه هادر رابطه به منافع شخصی در نتایج کار، تصامیم جلسات مورخ دسامبر ۱۹۵۳ وجولایی ۱۹۵۵ کمیته مرکزی حزب رابرجسته ساخت.

توجه بیشتر به امر انکشاف و رشد زراعت، خانه سازی، صنایع سبک مواد استهلاکی‌وهر آنچه‌مربوط بر آوردن احتیاجات بشری می گردید، مبذول گردید.

موجز آنکه، تغییرات در جهت بهبود هم در جامعه شوروی و هم در روابط بین‌المللی بوقوع پیوست. گرچه تعداد اشتباهات ذهنیگرانه ایکه ار تکاب یافته که رشد سوسیالیزم رابه مرحله جدید ترمز و ابتکارات مترقی را بی اعتبار ساختند، به هیچوجه کم نبود.

واقعیت این است که اساساً پروبلم های جدید در عرصه سیاست داخلی و خارجی و رشد حزب اکثراً ذریعه شیوه های ولونتاریستی با کمک میکانیزم کهنه‌سیاسی واقتصادی حل و فصل میگردیدند.

ولی ناکامی اصلاحات روی دست گرفته شده در آن زمان عمدتاً دراین واقعیت نهفته بود که آنها ذریعه رشد وسیع پروسه دموکراتیزه شدن حمایه نمی گردید.

در جلسه ماه اکتوبرکمیته مرکزی حزب تغییر دررهبری حزب و دولت به وقوع‌پیوسته و تصامیم غرض فایق آمدن بر تمایلات و لونتاریستی و تحریفات در سیاست داخلی و خارجی اتخاذ گردید. حزب در صدد بر آمد تاثبات معینی را در سیاست تامین و آنرا سیمای واقعبینانه کامل بخشد.

جلسات ماه های مارچ وسپتامبر ۱۹۶۵ کمیته‌مرکزی حزب برخورد جدیدی را در قبال‌اداره اقتصاد فورمولبندی نمود. ریفورم اقتصادی و پروگرام وسیع به خاطر انکشاف عرصه های جدید و ارتقایی نیرو های مولده روی دست گرفته شده و به عرصه عمل وارد گردید.

در سال های اولی، این‌امر وضع کشور را بهبود بخشید. **پوتنسیل اقتصادی و علمی انکشاف، نیروی دفاعی تقویت وسطح زنده گی** افزایش یافت اقدامات متعدد در عرصه سیاست خارجی پرستیژ بین المللی دولت‌مارا ارتقا داده و تساوی‌استراتیژیک با ایالات متحده امریکا تامین گردید.

کشور منابع وسیعی‌غرض تسریع انکشاف در دست داشت. **البته بکار برد این منابع مستلزم تغییرات‌اساسی و جدید در جامعه و البته اراده سیاسی مربوط بدان بود. کمبود در یکی‌ویادیگری به مشاهده میرسید. حتی تعداد زیادی از تصامیم متخذه به روی کاغذ ودر هوا معلق ماندند.** سرعت رشدما به طور قابل ملاحظه سد گردید.

در جلسه کمیته مرکزی مورخ اپریل ۱۹۸۵ ودربیست‌و هفتمین کنگره حزب به طور مصرانه عوامل وضع انکشاف یافته را مشخص و میکانیزم سدکننده انکشاف را متبارز ساخته و آنها را به طور همه جانبه مورد ارزیابی قرار داد.

دراین موارد تذکار یافت که در سالیان اخیر حیات و فعالیت لیونید برژنیف تلاش به خاطر دریافت‌راه‌های انکشاف بیشتر با عادت‌گرفتن به فورمول ها و طرح های معمول که بیانگر واقعیات جدید نبودند، به طور وسیع سد گردید. فاصله بین حرف و عمل افزایش یافته

پروسه های منفی دراقتصاد به طور جدی شکل گرفته ودر واقعیت منجر به ایجاد و ضع قبل از ان گردیدند. انحرافات متعدد در عرصه های اجتماعی، معنوی و اخلاقی به وجود آمدند که پرنسیپ های عدالت سوسیالیستی را تحریف و مسخ نموده، اعتقاد مردم در قبال آنان خدشه دار و منجر به ایجاد از خود بیگانگی اجتماعی وفساد اخلاقی در اشکال مختلف آن گردید. تباین فزاینده بین پرنسیپ های والایی‌سوسیالیزم وواقعیت های روز مره زنده‌گی غیر قابل متحمل می گردید.نیرو های سالم در حزب ودر جامعه به صورت کل **بیش از پیش به نیازمبرم‌برای غلبه بر پدیده های منفی، بر گشت جریان رویداد ها، تامین تشدید انکشاف اجتماعی، اقتصادی کشور، و ایجاد تطهیر اخلاق و بازسازی سوسیالیسم میگردند** درپاسخ به‌این نیازمندیهای مبرم اجتماعی بود که پلینوم اپریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی ستراتیژی تشدید انکشاف اجتماعی ـاقتصادی کشور را که هدف آن بازسازی سوسیالیسم است طرح ریزی‌و ارایه نمود.

تصامیم کنگره بیست و هفتم حزب و پلینوم های بعدی کمیته مرکزی به آن ها فورمولبندی دقیق تیوریکی و سیاسی بخشیده سیاست عمومی سازماندهی مجدد همه عرصه های زنده گی‌جامعه سوسیالیستی به آنها شکل نهایی داد.

مفکوره بازسازی تاریخ هفتاد ساله ما، بر بنیاد مستحکم نظم نوین اجتماعی که در اتحاد شوروی ایجاد گردیده،استوار است. این مفکوره تداوم و نوآوری، تجربهٔ تاریخی بلشویسم و سوسیالیزم راتوام میسازد.

این بر ماست تا داعیه **پیشاهنگان انقلاب و سوسیالیسم را ادامه و انجام دهیم. وما مطمئین هستیم که به این امر بوسیله کار خود،استفاده خلاق از تجربه نسل ها کەراه انقلاب‌اکتوبررادرمقابل ما روشن ساختند دست خواهیم یافت.**

رفقا! ما راه انقلاب را دنبال می کنیم واین‌راه، راه ضعف وترس نبوده، بلکه راه قدرت ودلیری است. واین‌همان چیزی است که مردم شوروی همواره، در سالهای بزرگترین‌تغییرات اجتماعی، سالهای جنگ و در سالهای کار سازنده‌صلح آمیز به آن مجهز بوده اند.

این مردم است که تاریخ خود را،سرنوشت خود را که هیچگاه ساده نبوده بلکه همانند زنده ‌گی بشریت غیر قابل تقلید و گرانبها است، میسازند هنگامی است که، ما در مورد تاریخ سوسیالیسم، در موردداعیه انقلاب کبیر صحبت می کنیم .این حقیقت صد بار بیشتر صدق میکند که طبقه کارگر نیروی اساسی وپیشاهنگ‌مردم بوده واکنون نیز میباشد .حتی در آغازجنبش انقلابی طبقه کارگر فراخوان لنین مبنی‌بر اینکه:((بدون‌فراموشی مفکوره سوسیالیسم حتی برای یك دقیقه، بدون توقف کار در راه تحقق آن بخاطر اکمال نیرو های‌خود وبرای سازماندهی بخاطر نیل به سوسیالیسم برای آزادی برزمید)) را دنبال می کرد.

این طبقه کارگر در اتحاد با تمام زحمتکشان بود که انقلاب‌کبیر اکتوبر رابه انجام رسانید، سوسیالیسم را اعمار نمود ودر مقابل‌برخورد های وحشیانه با دشمن ازآن دفاع کرد. این طبقه تلاش ورزید، رنج برد و در مقابل نا ملایمات استقامت نمود.

امروز نیز، طبقه کارگر در پیشاپیش سوسیالسیم در حال انکشاف، بازسازی انقلابی و شگوفایی آن قرار دارد. افتخار بر او، افتخار بزرگ!

حزب لینینی، بمثابه پیشاهنگ رزمنده‌و فعال‌طبقه کارگر ایجاد و رشد نمود. حزب اعتماد نیرومنده، پایداری، دسپلین و پیگیری **در مبارزه برای ایدیال های سوسیالیسم درک عمیق وانسانی از زنده گی را از طبقه کارگر بدست آورد.**

اکنون نیز، بمثابه حزب همه مردم، بهترین مشخصه های طبقه رزمنده و سازنده را دارا میباشد. این حزب امروز در،تمام مراحل تاریخ سوسیالیسم دارای چنین خصوصیاتی بوده است.

این پیام اصولی و قطعی تاریخ ما در سراسر هفتاد سال است که مردم ما تحت رهبری حزب تحت نام سوسیالیزم، بخاطر زندگی بهتر و عادلانه کار و زندگی کرده اند،اینست سرنوشت مردم خلاق و سازنده ما.

رفقا!ما به نتیجه گیری در مورد ضرورت عاجل بازسازی رسیده ایم اما به هر پیمانه یی که ما پروبلم های خودرا عمیق ارزیابی کرده و معنای‌آن را در می یابیم به همان پیمانه روشنتر می شود که **بازسازی محتوی فراـختراجتماعی ـاقتصادی و تاریخی دارد.**

بازی سازی نه تنهاعبارت‌است از بین بردن توقف وسکون و محافظه کاری دوران گذشته و تصحیح اشتباهات انجام شده بلکه غلبه بر آن خصوصیات سازماندهی اجتماعی و روش کار کەازلحاظ تاریخی محدود و کهنه شده‌اند رانیز در بردارد.

بازسازی مستلزم معرفی معاصر ترین اشکال، متناسب با شرایط و نیازمندی های انقلاب علمی و تخنیکی به سوسیالیزم و رشد ذهنی جامعه شوروی می باشد.

این پروسه نسبتاً طولانی، بازسازی انقلابی جامعه پروسهٔ ایست کەدارای‌منطق و مراحل خود می باشد.

لنین ماموریت تاریخی سوسیالیزم را در ضرورت آماده‌گی برای کار در طول سالهای زیاد برای انتقال به کمونیسم می دید. رهبر انقلاب قابلیت مارکس و انگلس را در «تجربه و تحلیل عمیق و همه جانبه و تعیینِ اینکه اشکال انتقالی مطابق با ویژه گی های مشخص بر مورد بخصوص از چه مراحلی عبور مینمایند» را موردتحسین‌قرار داده‌است. خلاصه آموزگاران ما بارها بەما هشدارداده‌اندکه راه اعمار جامعه نوین حاوی یکرشته طولانی از گذشته ها است.

ماحق داریم بازسازی را بحیث مرحله معیین تاریخی در حرکت جامعه ما به جلو بدانیم.و در پاسخ به این سوال‌لنین که «از کجاوبه‌کجاء میرویم، بایدبطور کاملاًمشخص گفته شود کەمابه سوسیالیزم کیفیت جدیدی بدهیم. معرفی نمائیم و یاطوریکه می گویند چرخ‌دیگری‌بدهیم، واین مستلزم بازسازی ریشه یی تمام عرصه های زنده گی اجتماعی، اعم از مادی و معنوی ،وانکشاف ماهیت بشر دوستانه سیستم ما تا کاملترین حد نهایی آن می باشد.

هدف بازسازی عبارت از احیای مجدد درک کامل تیوریکی‌وپراتیکی‌لینینی‌ازسوسیالیزم است‌که‌اولیت‌بلامنازعه درآن به انسان کارگر باایدیال هاو منافع وی، به ارزشهای انسانی در اقتصاد در مناسبات اجتماعی وسیاسی و در فرهنگ تعلق دارد. امید واری مابرای دستیابی به تطهیر انقلابی و بازسازی مستلزم توانمندی های بزرگ اجتماعی سوسیالیزم از طریق احیای خردو فکتور بشری می باشد.

در نتیجه بازسازی ،سوسیالیزم میتواند و باید از توانمندی های خود بمثابه سیستم واقعی‌انسانی درهدف انسان وارتقای آن استفاده کامل بعمل آورد.

اینک جامعه برای مردم شگوفایی کار خلاق آنان، رفاه،صحت،انکشاف‌جسمانی ومعنوی آنها، جامعه‌یی‌است‌که در آن انسان احساس تعلق کامل مینماید ودروا قعیت نیز چنین میباشد.

دو مسئله انکشاف جامعه تعیین کننده سرنوشت بازسازی است. این مسایل مشتمل اند به دموکراتیزه کردن‌کلیه‌عرصه‌های‌زنده گی و ریفورم بنیادی اقتصادی.

بازسازی با ادامه آنچه انقلاب اکتوبر آغاز کرد کار تعمیق و انکشاف هرچه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی را به جبهه مقدم کشانیده است.

دموکراتیزه کردن جامعه در محراق بازسازی قرار داشته و پیشرفت آن تعیین کننده نه فقط پیروزی خود بازسازی بلکه . . . بدون مبالغه می توان گفت . . . که تعیین کننده آینده سوسیالیزم در مجموع نیز میباشد.

این مطمئین ترین ضامن دگرگونی های سیاسی و اقتصادی بدون هیچ‌گونه بازگشت می باشد.

تغیراتی که امروز در کشور رونما می گردد ممکن حاوی بزرگترین گامی باشد درجهت انکشاف دموکراسی سوسیالیستی که پس ازانقلاب اکتوبربرداشته شده است.

ضمن تجدید ساختار، نظام اقتصادی وسیاسی ما و طیفه ماست تانخست از همه یك میکانیزم‌مطمئن وانعطاف پذیر را برای‌سهمگیری واقعی همه مردم در تصامیم پیرامون امور دولتی واجتماعی ایجادنماییم.

در گام دوم به مردم باید عملاً آموخت که‌چگونه در شرایط تعمیق دموکراسی زنده گی نمود، حقوق‌بشر را توسعه وتحکیم بخشید، ویك کلتور سیاسی،عصری توده یی را پرورش نمود. به بیان دیگر دموکراسی را بیاموزانیم و بیاموزیم.

زمانی کەما هفتادمین سالگرد انقلاب ما را تجلیل می کنیم و در مورد آینده‌مکث می نماییم لازم‌است چگونگی پیشرفت پروسهٔ دموکراتیزه سازی‌جامعه‌وهم موانعی را که بر سر راه آن قرار میگیرداز نزدیك بررسی کنیم.

دشواری ها و اختلافات درین زمینه قابل ملاحظه وذر برخی موارد غیر منتظره است. البته از تضاد میان نو، پیشرفته وکهنه و تاریخ زده نمی‌توان اجتناب ورزید. برخی ترددها وبی میلی ها به طور قطع وجود دارد.

در نخستین روز های انقلاب اکتوبر لنین خاطر نشان ساخت که کارگران ودهقانان هنوزهم ((بیم)) دارند تا طمیت‌کافی ندارند. هنوز به این امر معتقدنه شده اند که به خاطر آنها بود که کلیه اهرم‌های اداره را بدست گرفتیم، ولی انقلاب اکتوبر نیرو منده زنده و شکست نا پذیر است. او نوشت :((زیرا اکتوبر این استعداد ها را، بیدار میسازد سد کهنه را از میان برمیدارد، زنجیر های کهنه را درهم‌می شکنند و زحمتکشان را به سوی ایجاد خلاقانه یك زنده گی نو میکشاند))

امروز نیز دیده میشود که مردم با وضع وامکانات نوین، و ضرورت زنده گی کردن وحل همه پروبلم ها به شیوه دموکراتیک به دشواری توافق می نمایند. بسیارهنوزهم ((بیم)) دارند بطور نا مطمئن عمل میکنند، از مسوولیت می ترسند. و به اساسات و دساتیر منسوخ توسل میجویند.

هدف‌این است تا در بین مردم عطش‌به خاطر دموکراسی و مسوولیت پذیری در برخورد آنها با تولید و مسایل اجتماعی را به هر مقیاس ممکن بر انگیخت، حکومت خودی‌را بمثابه‌حکومت مردم انکشاف بخشید، حکومتی را کەمردم خود، گردانندهٔ آن باشند و متکی بمنافع‌آن باشد.

انکشاف حکومت خودی نخست ازهمه از طریق شوراها پیش خواهد رفت که مطابق‌پلان های حزب نقش‌خود رابمثابه مقامات صلاحیت دار و تصمیم گیرنده ایفا می‌نمایند. اخیراً قدرت ها و منابع شوراها در کلیه سطوح و سیعاً توسعه یافته است.

این پروسه بیشترادامه خواهد یافت واین‌بدان معنی است که شوراها نیرومندتر می شوند ودموکراسی، شوروی گسترش می یابد.

ما بهبود سیستم انتخابات‌راآغازکرده‌ایم. انتخاباتی که در ماه جون دایر گردید ما را متیقن ساخته که شیوه نوین درست و ثمر بخش بوده است.

انتخابات نشان داد که فعالیت سیاسی‌مردم‌افزایش یافته وباعلاقمندی افراد شایسته و مورد نظر خود رابه شوراها انتخاب نموده اند، هرچند که درین باره نیز برخی مظاهر فورمالیزم و محافظه کاری به مشاهده رسید.

بازسازی و رشد دموکراسی زمینه را مساعد میسازد تا تمام نیروو توانمندی های اتحادیه های صنفی، لیک کمونیستان جوان، و سایر سازمان های اجتماعی بشمول‌آنهاییکه درسال های اخیر قد بر افراشته اند نظیر سازمان های پیشگام جنگ و کار اتحاد شوروی، شوراهای زنان و فوندلنیني اطفال را بطور عظیمی‌به کار بست.

لازم است تا فعالیت های روزانه آنها باحل پروبلم های نهایت مبرم مرتبط گردیده و منافع طیف وسیع مردم رابازتاب دهد.

همین اکنون مظاهر نو و تشویق کننده ای هم‌در کلکتیف های کار و هم در سطح مناطق رهایشی به چشم می رسد. ساحه‌برای ابتکارات مفید برای حل کلیه پرابلم های مبرم، به موقع و بدون کاغذپرانی ها هرچه فراختر می گردد.

پروسه جدیدی که در کشور ر شدکرده‌است ایجاب می نماید تا برخورد نوینی در برابر پرابلم های عمومی سیاسی قانونی، کلتوری در استفاده شایسته از دموکراسی سوسیالیستی صورت گیرد، کاستی‌ها درین عرصه سبب‌برخی خطاها نظیر بوروکراسی، سوءاستفاده از قدرت، رتبه پرستی ضایعات و بی‌مسوولیتی ها می گردد.

شیوه درست استفاده از دموکراسی سوسیالیستی هرگونه مظاهرحکم کردن ها ((تحمیل فشار)) بی نظمی و تمویض کار با حرف‌های میان تهی را نفی میکنند همه‌اینها با سوسیالیزم بیگانه اند.

البته شکی نیست که به هر مقیاسی که دموکراسی عمیق تر وگسترده‌تر می گردد به همان پیمانه، توجه به قانونیت سوسیالیستی و حاکمیت قانون بلند رفته و نیازمندی ما به سازماندهی و دسپلین آگاهانه افزایش می یابد.

دموکراسی نباید. تنها به عرصه سیاسی منحصرماند بلکه لازم است کلیه عرصه های مناسبات انسانی را دربر گیرد. ما بر آنیم که سوسیالیزم جامعه ایست که‌در آن‌نظریات، منافع، سباتو فعالیت های مردم روزبروز متناقضتر می گردد.

هر فرد تجربه اجتماعی منحصر به فرد دارد، سطح تعلیمی و دانش‌معینی داشته و بهمین سان‌برداشت ویژهٔ از وقایعی که‌روی میدهد دارد. از این رو طیف گسترده نظریات، اعتقادات و قضاوت ها طبعاً ایجاب توجه جدی و مقایسه را دارا میباشد.

ما طرفدار تنوع آراء عامه و غنای حیات‌معنوی پشتیبانی میکنیم .ما نبایدازین ترس داشته باشیم که‌پرابلم های انکشاف اجتماعی به طور علنی مطرح وحل‌وفصل گردند و همین سان از انتقاد و یا مباحثه نباید بیم داشته باشیم. زیرا در چنین شرایط است که حقیقت زاده میشود وتصامیم درست اتخاذ میگردد.

دموکراسی سوسیالیستی باید کاملاً درخدمت سوسیالیزم و منافع زحمت کشان باشد.

رفقا! یک نهاد اساسی برای جهش سریع به پیش صرف زمانی ایجاد می گردد که بر تغییرات بنیادی اقتصادی استوار باشد.مزید برآن بازسازی فقط آنگاه میتواند به اوج خود برسد که.اقتصاد ملی فرآورده‌های ژرفی‌رابه‌بارآورد. و این امر به نوبه خود تغییراتی را نه تنها در میکانیزم اقتصاد بلکه درمجموع سیستم اداره اقتصاد به‌قبال خواهد داشت

هدف از ریفورم رادیکال اقتصادی که در کشور آغاز شده عبارت از این است تا در ظرف دو یا سه سال آینده

(ص ٦)

اکتوبر و بازسازی: انقلاب ادامه دارد

متن بیانیهٔ رفیق م.س. گرباچف

(بقیه ص۵)

از یک سیستم اداره اقتصاد که بیش از حد به فرماندهی مرکزی متکی است به یک سیستم اداره متکی به شیوه های اقتصادی واختلاط هر چه بیشتر مرکزیت و اداره خودی صورت گیرد.

این مسئله مستلزم یک توسعه سریع خود اداریت تصدی ها وموسسات وتجهیز آنها به مشمریت، خودکفایی مالی و استفاده از کلکتیف های کار است با کلیه توانایی هایی لازم.

رفورم اقتصادی دیگر پلانها ومقاصد محض نبوده به بخشی از زنده‌گی مبدل میگردد.

امروز تعداد قابل ملاحظه یی از تصدی ها ونهاد ها در صنایع، ساختمان، ترانسپورت و زراعت بر بنیاد پرنسیپ های حفظ و مراقبت خودی و خودکفایی مالی کار میکنند.

از آغاز سال آینده تصدی هایی که ۶۰ فیصد محصول صنعتی ما را تولید میکنند برین اساس فعالیت خواهند کرد. قانون تصدی های دولتی نافذ خواهد گردید.

تمام اینها همین اکنون بر فعالیت عملی اقتصادی تاثیر می گذارند. در کلکتیف های کار علاقمندی به طور قابل ملاحظه رشد یابنده یی در عملکرد مالی و اقتصادی وجود دارد. آنان آغاز کرده اند تا واقعاً عواید ومصارف را حساب کنند، چیز های خرد و بزرگ را، صرفه جویی نمایند وموثرترین راههای مقابله با پرابلمها را بیابند.

امروز ما باید یکبار دیگر قاطعانه بگوئیم: حزب هیچ تخلفی را از پرنسیپ های پذیرفته شده رفورم اقتصادی تحمل نخواهد کرد. تمام تغییرات پلان شده باید به‌طور کامل تحقق بیابد و تحقق خواهد یافت.

رفورم اقتصادی و بازسازی به طور کل نیرومندانه به جبههٔ مقدم بشری پیش میرود. عدالت اجتماعی ایجاب میکند تا به توانایی های فردی توجه بیشتر مبذول داشته آنانی را که بهتر و بیشتر کار میکنند و سرمشق دیگران میگردند پاداش معنوی ومادی نمائیم.

استعداد های واقعی و شخصیت های متنوع ثروت هایی پربهای جامعه اند، باید از آنان مواظبت کرد و کلیه شرایط لازم برای کار و زنده‌گی آنان را ایجاد نمود.

ما میخواهیم تا حیثیت دانش، کار و توانایی هر فرد در هر جا احترام شود، بدین سان شخص صادق، پرکار و خلاق مطمئن خواهد گردید که کار وی به طور شایسته یی تقدیر شده وی همیشه قادر خواهد بود تا به اثبات برساند که حق باوی است و باید پشتیبانی شود، درحالیکه آدم بیکاره، مال اندوز، بیوروکرات و زشت برخورد مواخذه و افشاء خواهد شد.

تغییرات مطبوعی که در کشور ما صورت میگیرد وبه طور گسترده یی در رسانه های گروهی بازتاب میابند از پشتیبانی گرم مردم برخوردار اند.

برخورد نابخردانه با کار به خصوص امروز غیر قابل تحمل است. شخصی که با دانش و ماشین امروزی مجهز است بیشتر و، بیشتر تولید میکند و کارش به طور فزاینده یی با فعالیت هزاران شرکت کنندهٔ دیگر تولید اجتماعی وابسته گی می پذیرد. چنین وضعی عدم آگاهی حتی یک کارگر، انجینر یا دانشمند جداگانه میتواند پیامد های بی حد خطرناکی رادر قبال داشته آمیخته با زیانهای فراوانی برای جامعه باشد.

میخواهم بر اهمیت کار ذهنی، عمل متقابل ساینس، تکنالوجی وجامعه جوانب انسانی، معنوی و اخلاقی ساینس و ترقی علمی و تخنیکی تاکید ورزم.

ما میخواهیم همه پیشرفتهای علمی وتکنالوژیکی در خدمت انسان قرارگیرد، ما نمی خواهیم که آنها تعادل محیطی را برهم زنند، ما از حوادث غم انگیزی چون واقعهٔ کارخانهٔ برق اتومی چرنوبیل درس های تلخ فرا میگیریم. ما از پایان دادن به استفاده از ساینس برای مقاصد نظامی جانبداری می کنیم.

امروز انجینر ها، دانشمندان، طبیبان، استادان، نویسنده گان و اعضای جامعهٔ هنری بایست براحساس مسئوولیت اجتماعی، توانایی مسلکی وارزش دستاورد های بدیعی شان بیفزایند.

در توسل به تشویق مادی در جای درست آن و بذل توجه بیشتر به‌اشکال جمعی آن‌نباید اجازه دهیم تا به‌انگیزه های اجتماعی - فرهنگی، اخلاقی یا روانی کم بها داده شود.

اینها برای آنکه به مناسبات جمعی و رفیقانه وشیوهٔ زنده گی سوسیالیستی اجازه میدهد تا به طور عادی رشد نموده ارزش‌های شوروی مادرافکار و اعمال مردم ما عمیقا ریشه دوانده، از اهمیت استثنایی برخوردار اند.

رفقا، ما کاملاً حق داریم بگوئیم که مساله ملی‌در کشور ما حل شده است. انقلاب راه را برای تساوی ملیتهای ما نه تنها از نظر قانونی بلکه همچنان از لحاظ اجتماعی - اقتصادی هموار ساخته کار های‌زیادی برای ارتقای سطح رشد اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی همه جمهوریت ها، مناطق و خلقهای ما صورت گرفته است.

یکی از دستاورد های عظیم انقلاب اکتوبر دوستی‌خلق های شوروی است. که به‌خودی خود یک امر یگانه یی در تاریخ جهان است. برای ما، این یکی از تکیه‌گاههای عمده قدرت و دوام دولت شوروی است.

امروز در حالیکه به دست آورد های‌عظیم سیاست لنینی ملیت ها ادای احترام میکنیم. خلقهای کشور ما احترام و سپاس عمیق‌شان را به خلق کبیر روسیه به خاطر از خود گذری، انترناسیونالیزم واقعی و سهمگیری پر ارزش شان در ایجاد، رشد و تحکیم، اتحاد سوسیالیستی‌جمهوریت های آزاد و متساوی ودر ترقی اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی کلیه خلقهای، اتحاد شوروی ابراز میدارند.

بنابرین، رفقا، بیائید ثروت عظیم مشترک ماندوستی خلقهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی‌را رشد دهیم. بیائید هرگز فراموش نکنیم که مادر یک دولت کثیر المله زیست می نمائیم که‌درآن همه تصامیم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی وحقوقی به طور اجتناب ناپذیر بر مساله ملی تاثیر مستقیم و آنی دارد.

بیائید طوری عمل کنیم که لنین انجام میداد. وتوانایی‌های هر ملیت‌وهر فردخلق های شوروی رابه حد اکثر ارتقاء دهیم.

ما سباب ملی‌در کشور ما مساله حیاتی زنده گی ماست مابایدر همه اموری که با منافع ملی و احساسات ملی مردم ارتباط میگیرد حداکثر با ملاحظه و دارای حضور ذهن باشیم، ما باید فعالانه ترین شرکت مردم همه ملت ها وملیت ها رادر انجام و ظایف متنوع جامعهٔ کثیر الملهٔ ما تامین نمائیم.

ما قصد داریم تابه تحلیل عمیقتری بپردازیم و این مسایل رادر آینده نزدیک بادر نظر داشت اینکه بازسازی، دموکراتیزه ساختن ومرحلهٔ نوین دررشد آن چه چیزی را درزنده گی کشور ما معرفی خواهدکرد، مورد بحث قرار دهیم.

دوستی وهمکاری خلقهای اتحاد شوروی برای ما بسی مقدس است.

این امرچنین‌بوده وچنین‌خواهد بود و با روحیه لنینیزم، با سنت های انقلاب اکتوبر وبا منافع حیاتی همه ملت ها وملیت های کشور ما هماهنگی دارد.

رفقا، گذار جامعهٔ شوروی به یک مرحله نوین‌کیفی وراه یابی آن بسوی آینده‌فقط در صورت موجودیت جبهه‌یی‌که شامل عرصه های روشنفکری سوسیالیستی - علوم و تعلیم‌و تربیه، ادبیات و هنر و همه ارزشهای اجتماعی و اخلاقی مردم شوروی میگردد امکان پذیر است.

فرهنگ معنوی نه تنها تصویر یک‌جامعه‌را خلق‌میکند بلکه همچنان وظایفی راعملی می سازد که به موجودیت آن جامعه و تجسم نیروی معنوی و فرهنگی آنضروری است. این میتواند بمثابهٔ مادهٔمحکم کنندهٔ رشته های اجتماعی و برانگیزانندهٔ رشد دینامیک جامعه تعریف شود.

ما بایستی پرستیژ فرهنگ سوسیالیستی‌را پیوسته ارتقا دهیم.

دانشمندان، سانتیست ها، مخترعین، نویسنده‌گان، ژورنالیستان، هنرمندان، هنرپیشه گان و معلمان- تمام آنانیکه درعرصه های مختلف فرهنگ و تعلیم و تربیه کار میکنند بایدقهرمانان بازسازی‌باشند.

حزب بر اشتراک نیرومند روشنفکران در کارمدنی و اجتماعی حساب میکند.

مردم شوروی، امروزه مردم منوری هستند، چیز یکه آموزگاران بزرگ گذشته صرف خواب آنرا میدیدند.

اینجا نیزما نمیتوانیم ازخود راضی باشیم. کار های‌انجام شدهٔ ما نباید به‌ما اجازه‌دهد تا دیده گان خویش را در برابر ابعاد وسیع و جدیت وظایفی که امروز در برابر ما قرار دارد، ببندیم.

ما مشاهده‌میکنیم که‌سیستم تعلیم و تربیه از جهات‌مختلف از ایجابات امروزی عقب‌میماند کیفیت تعلیمی در مکاتب فاکولته ها، پوهنتون ها و تربیه‌کارگران‌و افرادمسلکی نیاز های روز را بطور کل بر آورده نمیسازد.

ما باید با اشتیاق به پیش رویم وتغییرات کیفی را در این عرصه نیز بوجود آوریم. این راهی است که حزب از طریق آن به اصلاحات در سیستم تعلیم وتربیه متوسط و مسلکی وبازسازی تعلیمات عالی برخورد میکند.

کمیته مرکزی حزب‌کمونیست اتحاد شوروی تصمیم اتخاذ نمود تا مسایل مبرم مربوط به تعلیم و تربیه را در یکی از پلینوم های خویش مورد ارزیابی قرار دهد.

رفقا! چنین است وظایف استراتیژیکی که ما باید در مرحله بازسازی انقلابی خویش که به خاطر تجدیدساختارتمام‌ارکان سیستم‌اجتماعی سوسیالیستی براه افتیده است، انجام دهیم.

۳۰ ماه از تدویر جلسه ماه اپریل کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش سپری گردید. دستاورد های ما از چه قرار میباشد؟ مابه‌کدام مرحله نایل آمده‌ایم؟ من معتقدم که طرح چنین سوالات دربن‌جلسه شکوهمند هم مناسب و هم ضروری میباشند.

پلینوم کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش که در این اواخر تدویر یافت، به این نتیجه کلی رسید که ما به نقطه عطف و چرخش نایل آمده ایم.

بطور کل، ما مرحله اول مساعی خویش را در جهت بازسازی سپری نمودیم. مفکوره بازسازی بر اساس ارزیابی عمیق اوضاع جاری و دورنمایی انکشاف کشور طرح گردید.

فضای جدید سیاسی، اخلاقی و روانی در کشور ما ایجاد شده است.

حزب موفق گردید تامردم را بیش از پیش متوجه امور ها ساخته، ابتکارات و دقیق بودن آنان را ارتقا داده سطح انتقاد و انتقاد از خود و علنیت را افزایش داده و راه رابرای تغییرات محسوس در طرز تفکر و برخوردمردم هموار سازد.

پشتیبانی از بازسازی و مطالبات آن بخاطر پیشرفت سریع جهانی اندکه توسط اکثریت مردم شوروی در مرحله جاری اتخاذ شده است.

کارگران صنعتی، دهقانان کلکتیف ها وروشنفکران‌بیش از پیش نیاز گسترش دسپلین، مؤثریت و کیفیت کار را درک میکنند.

مساعی نیرومند برای اشکال جدید سازماندهی کار و پاداش در فابریکات محلات ساختمانی، فارم - های کلکتیفی و دولتی و موسسات تحقیقی تحت اجرا میباشد.

مردم مطالبات بزرگی را در برابر خویش و در برابر مسوولین امور و متخصصین قرار داده، علیه اداره ناسالم و بی مسوولیتی مبارزه مینمایند.

ما ذخیره گاه بزرگی را از ناحیه‌این‌موضع‌گیری‌مدنی مردم خویش ایجاد نموده، آنرا بمثابه پشتیبانی اشکار و محسوس از مشی اتخاذ شده حزب خویش میپنداریم.

دلایلی وجود دارد تا در مورد تغییرات معین و مثبتی‌که در عرصه پراتیک مقدم بر همه در عرصه های اجتماعی- اقتصادی صورت گرفته است، صحبت نمایم. رشد عواید افزایش کسب نموده است، تغییرات دارای ماهیت کیفی‌در عرصه‌اقتصاد در حال ایجاد بوده، پروگرام های‌عمده علمی وتکنالوژیکی براه افتیده و صنایع انجنیری مدرنیزه‌شده‌است. انکشاف زراعت، بخصوص تربیه حیوانات، ثبات روزافزون‌را نشان میدهد.

رفقا! شما آگاهید که وضع جوی در اکثریت مناطق کشور ما در سال‌جاری چقدر نامساعد بود. بهر صورت، ما موفق گردیدیم تا ۲۱۰ - میلیون‌تن گندم حاصل‌برداریم. این نتیجه مساعی مصرانه بود که ذریعه مردم و حزب که آنانرا به کار با شیوه جدید تشویق میکند، براه افتید.

بهبود یهای رونما شده در عرصه اقتصاد این امر را ممکن‌ساخت تا اقدامات‌مهمی را در عرصه اجتماعی‌رویدست گیریم. مقیاس ساختمان منازل بطور قابل ملاحظه افزایش یافته و سکتور خدماتی در حال توسعه میباشد. عواید ارتقا یافته، معاشات معلمین‌و کارمندان طبی‌افزایش حاصل نمود. پروگرام های عمده‌در عرصه تعلیم‌و تربیه وصحت تحت تطبیق قرار دارند.

ولی هنوزهمه اینها صرف آغاز کار اند.. میتوان اذعان داشت که امروزما وارد مرحله جدید بازسازی، مرحله‌ایکه در آن تمام مشی و تصامیم ما شکل اقدامات عملی را بخود گرفته و بواقعیت مبدل میگردند، میشویم.

این امر مساعی وسیع را از تمام مردم ما یعنی طبقه کارگر، دهقانان، روشنفکران‌و تمام کادر های ما فرا می - خواند. از هم اکنون نظریات پلان ما، برخورد ما و شیوه های کار ما باید آزمایش کاربرد عملی خود را بسررسانند. میتوان فشار فزاینده در هر چیز مشاهده کرد. اما این فشار احتزاز آمیز خلاقه، مساعی نیرومند از فعالیت های سیاسی و معنوی‌ماست.

رفقا! این فشار دارای صفت بسیج کننده و فشاری است که شما احساس بهبود نمایید.

میخواهم تاکید ورزم که بانگاه به این امر، دو یا شاید سه سال آینده مخصوصا بغرنج، قاطع و اصلا بحرانی خواهد بود.

علت اساسی عبارت از آنست که‌ماناگزیر خواهیم بود که وظایف زیادی را در عرصه اقتصادی و اجتماعی، در بازسازی حکومت وادارهٔ عامه وهمچنان در مورد ایدیالوژی وکلتور همزمان حل وفصل بداریم.

در ساحه اقتصادی، ما باید تحولات ساختاری‌دراز مدت را فعال تر سازیم به تسریع ترقی علمی‌و تکنالوژیک نایل گردیم و میکانیزم اقتصادی‌را وسیعا بازسازی نماییم و باین صورت گام قاطع رادر راه تغییر اقتصاد به مسیر انکشاف تشدیدی بر داریم.

دشواری های زمان آینده همچنان در این حقیقت نهفته است که تحولات برمنافع‌شمار بیشتر توده های‌مردم، گروپ های اجتماعی واقشار وتمام کادرها اثر خواهند افکند.

ما اطمینان داریم که حمایت وسیع از بازسازی از طرف مردم و درک عمیق از ضرورت‌برای تحولات و نیاز به پیروی شدیداز بازسازی آنهم‌باوجود مشکلاتیکه در راه باآن بروز می کند جهت شکل دادن وضع در کشورما ادامه خواهد یافت.

ولی این یک اشتباه نخواهد بود. اگر بعضا افزایش رادر مقاومت نیرو های محافظه‌کار که بازسازی را صرفاً خطری به منافع واهداف خودخواهانه شان میدانند، مورد توجه قرار ندهیم. این‌مقاومتی است‌که نمیتواند آنرانه تنها درسطح منجمنت بلکه در کار کولکتیف ها نیز احساس می گردد

همچنان واقعا هیچ‌کس نمی تواند شک و تردید داشته باشد که نیرو های محافظه کار هرگونه دشواری را در تلاش برای بی اعتبار ساختن بازسازی و بر انگیختن عدم رضایت در میان‌مردم به دوش خواهند گرفت.

حتی اکنون کسانی وجود دارد که به انگشت انتقاد گذاشتن خطا ها ولغزش ها ادامه میدهند به جای اینکه به مبارزه علیه نارسایی‌ها و جستجوی راه های جدید حل بپردازند.

طبعا این اشخاص هرگز نمی گویند که آنها با بازسازی مخالفت دارند. بلکه ما را معتقد میسازند که آنها علیه تاثیرات جانبی منفی بازسازی می رزمند. یعنی اینکه آنها محافظ پرنسیپ‌های ایدیالوژیک میباشند شاید، افزایش‌فعالیت توده ها فرسوده شود.

اما رفقا! آیا وقت آن فرا نرسیده، تا تلاش هایی راکه برای هراساندن ما ازاشتباهات به عمل میآید، متوقف سازیم؟

طبعا اثرات جانبی منفی در هر وظیفه و خصوصا اگر آن وظیفه کار جدید باشداجتناب ناپذیر است. اما نتایج تشخیص زمان، رکود و بی تفاوتی ها تاثیر هرچه بیشتر داشته، نسبت به تاثیرات منفی ارزش بیشتر دارد. که در مسیر مساعی خلاقانه، جهت شکل جدید دادن به ساختمان اجتماعی موقتابروز میکند.

ما باید مانور های مخالفان بازسازی را تشخیص، افشا وخنثی سازیم. کسانیکه می کوشند پیشرفت ما را مانع می شوند، مارا در اشتباه می افگنند و بر مشکلات‌و پسمانی های ما نظاره می کنندوبالاخره می کوشند مارا به عقب بکشند.

مانباید به فشار هر شخص حسود و ناشکیبا تسلیم شویم. یعنی آنانیکه از پذیرفتن‌منطق عینی بازسازی ابا میورزند، تاثر خود را با آنچه که آنرا آهنگ بطی تحول قلمداد می کنند ابراز می کنند و ادعا دارند این تحول نتایج لازم را باسرعت کافی بارنمی آورد. این مطلب باید روشن باشد که کسی نمیتواند از روی مراحل اساسی بجهد و بکوشد که تمام کار ها را بایک حرکت به سر رساند.

بازسازی داعیه انقلابی را به پیش می برد و امروز این امر کاملا ضروری است که مهارت به کاربستن خویشتن داری انقلابی را کسب نماییم.

این خویشتن داری با آن معنی نیست که مابه جای‌خود خواهیم نشست یا خود را دست خوش جریان خواهیم ساخت، خویشتن داری دال به توانایی برای ارزیابی واقعی از اوضاع است نه اینکه در قبال دشواری ها زانو زد، هراسید یا اینکه به دلیل پیروزی یاناکامی‌عقل‌و هوش خودرا از دست داد.

توانایی یادشده عبارت است از کار با حرارت‌و هدفمند هر روز و هر ساعت جهت دریافت راه حل ممکنه به هر موضوع ومساله.

از اینجا است که به اطمینان و به مساعی بلا انحراف و هدفمند جهت‌تحقق آنچه که طرح ریزی شده وبه خاطر ایفای وظایف محوله، نیاز داریم.

برخورد ما باید تشخیص وارزیابی تضاد ها، درک ماهیت آنها و روی همین اساس، طرح یک سیستمی از تدابیر سیاسی، اقتصادی اجتماعی، تشکیلاتی وایدیالوژیک را دربر گیرد.

رفقا! موفقیت بازسازی مقدم بر همه به انرژی و تعهد حزب و هرکمونیست به نیروی سرمشق آنان اتکا دارد.

دراین لحظه مسوولیت تاریخی، و درین زمان تغییرات اجتماعی - اقتصادی حزب کمونیست با قاطعیت مبارزهٔ قاطعی را برای بازسازی جامعه براه انداخته وقسمت دشوار وظیفه را به عهده گرفته است.

ما می توانیم با اطمینان بگوییم که داعیه بزرگ انقلاب اکتوبر و داعیه بازسازی انقلابی در دستان توانا قرار دارد، کمونیست ها وظایف شانرا با احساس عالی مسوولیت در برابر مردم ما، وعصر ما انجام خواهند داد.

وظیفه مبرم‌و مقدم امروز بهبود بنیادی فعالیت سازمان های حزبی، ارگانها و کادرهای حزبی است. ما باید در کار هر سازمان حزبی، هر کمیته حزبی، انکشافی رابه وجود آوریم و هر کمونیست باید مساعی خود را تشدید نماید.

همه چیز اکنون در حال حرکت اند وهرزمانی که‌این‌کار ها صورت گرفته یعنی هر زمانی که رهبران حزبی‌و کمونیست ها ابتکار وتشبث توده هارابرانگیخته، هرزمانی که آنهاراه دموکراتیزه ساختن وعلنیت، منجمنت موثر و قرار داد کولکتیفی را قاطعانه در پیش گیرندوهرزمانی که انواع جدید سازمان کارو انگیزه هاایجاد گردد نیازمندی های بشر بر آورده میشود.

اما بعضی از شهرها، ولسوالی‌ها ومناطق را حتی بعضی از جمهوریت‌ها را می بینیم که صادقانه‌واردبازسازی نگردیده اند.

این نتیجه مستقیم کاهلی سیاسی و سازمانی و فقدان ابتکار توسط کمیته های حزبی و رهبران شان میباشند این باید دیده شود. زیرا این نیز یکی از واقعیت های ما میباشد.

برگشت بسوی بهبود مسوولیت ویژه یی است که اکنون بر عهده سازمانهای عمده حزبی قرار دارد که در واقعیت ترمینل های تمام رشته های بازسازی‌اند این درست در اثر ابتکار این سازمان ها است که پیشرفت تحولات، مهارت بسیج و الهام دهی مردم و توانمندی بخاطر دستیابی به بهبودهای قابل ملاحظه اولتر ازهمه‌به‌آنها بستگی دارند.

رفقا! طورخلاصه، بازسازی بدون تشدید و موثر فعالیت های تمام سازمان های حزبی بدست آمده نمیتوانند. لذا ما باید تمایل و گرایش صمیمی و دموکراتیک داشته باشیم. ما باید سازمان را بهبود و انضباط را تحکیم بخشیم. در آنصورت ما قادر خواهیم بود پروسه های بازسازی‌را ارتقا بخشیده ونیروی جدیدی را به سوسیالیزم‌درانکشاف‌آن ببخشیم.

۳ـ انقلاب اکتوبر و جهان امروز.

رفقا بدون انقلاب کبیر در روسیه جهان آن چنان که امروز هست نمی بود.

قبل از این چرخش در تاریخ جهان، «حق» نیرومندو غنی، همچنان جنگ های الحاق گرانه مشخصه عنعنوی ومعیاری روابط بین المللی بودند. حکومت شوروی، که فرمان معروف در موردصلح رابه‌حیث اولین اقدام قانونی اعلام نمود، علیه آن وضع امور برخاست و چیز های را در روابط بین‌المللی معرفی نمود که استفاده از آن از سیاست های بزرگ خارج بود و آن عبارت از احساس عمومی‌مردم ومنافع توده های زحمتکش بودند.

طی چند سال، زمانی که لنین سیاست خارجی‌شوروی را رهبری میکرد، وی نه تنها اصول بنیادی آن را طرح‌کرد بلکه نشان‌داد که چگونه باید آن ها را در شرایط کاملا غیر عادی و شدیدا در حال تغییر بکار برد.

درواقعیت، برخلاف توقعات مقدماتی، گسیختگی پیوند ضعیفتر در حلقه سیستم سرمایه داری آخرین مبارزه قاطع نه بلکه آغاز یک روند طولانی و دشوار بود.

این یک دست آورد عمده موسس دولت شوروی بود که دورنما های واقعی پیروزی در جنگ داخلی که در برابر روسیه‌جدید باز شده‌بود، به موقع نشان داد.

وی درک نمود که کشور نه تنها صرفاً یک پیروزی محض بلکه چیز بیشتر مهمتری را یعنی مرحله جدیدی را حاصل کرده که‌درآن ماحق‌اساسی موجودیت بین المللی خویش را در شبکه دولت های‌سرمایه داری بدست آوریم. دریک مقطع معین، لنین سیاست فرا گیری ومهارت هنر موجودیت شاید، شاید طولانی با آنها را پیشنهاد کرد. وی با مقابله باچپ های افراطی، پیشنهاد کرد که ممکن است کشورهای دارای سیستم های مختلف اجتماعی به طور مسالمت در همزیستی بسر برند.

هجده تا بیست‌و چار ماه را در آستانه جنگ داخلی احتوا کرد تا تجرید سیاسی بین المللی دولت کارگران و دهقانان پایان یابد.

معاهدات باکشور های همجوار به امضا رسید وبعداً معاهده‌راپالو-باجرمنی، بریتانیا فرانسه، ایتالیا، سویدن و دیگر کشور های سرمایداری شناسایی رسمی شانرا از جمهوری شوروی‌اعلام کردند.

گام های نخست برای برقراری مناسبات مساویانه با کشور های مشرقزمین، یعنی چین، ترکیه، ایران‌وافغانستان برداشته شد.

به یقین که این‌نخستین

(ص۷)

اکتوبر و بازسازی: انقلاب ادامه دارد

متن بیانیهٔ رفیق م.س. گرباچف

(بقیه صفحه ۶)

پیروزی های سیاست و دیپلماسی خارجی لنین کار ساده نبود که منتج به پیروزی کیفی نوین اساسی در امور بین‌المللی گردید.

اصل عمده سیاست خارجی ها بدون تغییر باقیمانده است ما حق داریم آنرا به مثابه سیاست لنینی صلح، همکاری سودمند متقابل بین المللی و دوستی بین ملت ها تلقی نمائیم. طبعی است که تمام مساعی بعدی سیاست خارجی ماموفقانه نبوده، مادر سیاست عقب‌نشینی ها نیز داشتیم، ما از همه فرصت ها که در برابر ما هم قبل وهم بعد از جنگ جهانی دوم کشوده شده بود استفاده اعظمی نه نمودیم.

مادر بارهٔ تبدیل حیثیت بزرگ معنوی که اتحاد شوروی به وسیله آن از جنگ بدرآمد به مساعی موثر برای تحکیم نیرو های صلحدوست، دموکراتیک وما نع‌شدن آنانی که جنگ سرد را رهبری میکردند ناکام شدیم، ماهمواره به تحریکات امپریالیستی پاسخ مناسب ندادیم.

درست است که بعضی از کار ها میتوانست به وجه بهتر انجام یابند و میتوانستیم بیشتر مطمین باشیم، معهذا درین مناسبت فراموش ناشدنی میتوان گفت مشی سیاست ما در اساس در مطابقت بامشی که توسط لنین طرح ریزی شده بود، با ماهیت اولی سوسیالیزم و تعهد اصولی آن به صلح، همچنان باقیمانده است، که به صورت کل در راه برطرف ساختن خطر جنگ در دنیا و جلو گیری امپریالیزم از برنده شدن در جنگ سرد سود مند بوده است.

ما یکجا با متحدین خود ستراتیژی (عقب‌راندن سوسیالیزم) امپریالیزم را ورشکست ساختیم. امپریالیزم مجبور بود ادعا های خود را مبنی برسلطه بر جهان قطع کند. نتایج سیاست صلحجو یانه ما آنچه بود، میتوانستیم در مرحله جدید برای برخورد های تازه مطابق با روحیه تفکر جدید سیاسی طرح نمائیم.

طبعا، در درک لنینی همزیستی مسالمت آمیز تغییرات وجود داشته است. نخست و مقدم بر همه نیاز بر آن بود تا حدی شرایط خارجی را برای اعمار یک جامعه جدید در کشور انقلاب سوسیالیستی بو جود آورد. ادامه سیاست طبقاتی پرولتاریای پیروزمند، وبعداً همزیستی مسالمت آمیز بخصوص در عصر ذروی، به شرطی برای بقای تمام نسل بشر مبدل شد.

پلینوم اپریل ۱۹۸۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نقطه عطفی در انکشاف تعلیم لنینی در ین مسیر نیز می باشد. درک جدید سیاست خارجی به بیستو هفتمین کنگره حزب به تفصیل ارائه گردیده است.

طوریکه میدانید، این درک از مفکورهٔ تمام تضاد های بنیادی جهان معاصر، همه اختلافات اساسی میان کشور ها بهم مرتبط ووابسته ناشی میشود.

دلایل آن شامل بین‌المللی ساختن پیوند اقتصادی جهان مرحله همه جانبه انقلاب علمی‌تخنیکی، نقش جدید و بزرگی که به وسیله رسانه های گروهی بازی میگردد، وضع منابع زمین، خطر عام محیطی و پروبلم های حاد اجتماعی جهان در حال رشد که همه مارا متاثر می سازد، می باشد.

به هر حال علت عمده این امر را مسئله بقای بشریت تشکیل میدهد. این مسئله هم اکنون نزد ما موجود است، زیرا انکشاف سلاح ذروی و دورنمای تهدیدآمیز استفاده از آن بقای بشریت را به مخاطره افکنده است.

به همین علت است که مفکوره لنین پیرامون حق تقدم به منافع انکشاف اجتماعی یک معنی جدید و یک اهمیت جدید را به خود کسب کرده است.

از پلینوم ماه اپریل تا کنون ما نظر خود را پیرامون پیشرفت به سوی یک جهان مامون و نامین صلح جهانی برای هر کسی به طور کافی روشن ساخته ایم: تمایلات و امیال ما در تصامیم عالیترین اجتماع سیاسی حزب و مردم ما یعنی بیست و هفتمین کنگره و همچنان در متن جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی، در برنامه برای خلع سلاح ذروی که در بیانیه تاریخی پانزدهم جنوری ۱۹۸۶، در اعلامیه دهلی، در سایر اسناد و در بیانات رهبران اتحاد شوروی گنجانیده شده و تسجیل یافته است.

ما باکار مشترک با سایر کشور های جامعه سوسیالیستی چندین پیشنهاد عمده را به سازمان ملل متحد به شمول برنامه برای ایجاد یک سیستم جامع صلح و امنیت بین المللی پیشکش کرده‌ایم.

کشور های عضو پیمان وارسا به کشور های ناتو و تمام کشور های اروپایی پیشنهاد کاهش در تسلیحات و قوای مسلح یکدیگر را به پیمانه کفایت معقول نموده اند.

ما مقایسه دو کتور ین های نظامی هر دو پیمان را به خاطر تبدیل آنها به دوکتورین های کاملا دفاعی پیشنهاد نموده‌ایم.

ما یک پلان مشخص را برای منع و امحای اسلحه کیمیاوی پیشنهاد نموده وکار جدی را درین جهت به پیش میبریم.

ما پیشنهادی را پیرامون ایجاد میتود های موثر رسیدگی بر کاهش تسلیحات به شمول مشاهده روی صحنه و محل ارائه نموده‌ایم.

ما قاطعانه از استحکام پرستیژ سازمان ملل متحد، استفاده موثر و کامل از صلاحیت آن وادارات آن به وسیله جامعه بین المللی جانبداری نموده‌ایم.

ما برای تقویت سازمان ملل متحد، یک میکانیزم جهانی، مباحثات جدی و تامین مساعی دسته جمعی برای توازن منافع همه ملل وبرای انجام فعالیت های موثر صلحدوستانه آن تلاش خواهیم ورزید.

مهمترین مسئله اینست که مفکوره ما و تلاش های جدی ما برای صلح دراقدامات عملی، در همه فعالیت‌های بین‌المللی ما ودر شیوه سیاست خارجی و دیپلوماسی ما که متکی بر تعهد به دیالوگ یک دیالوگ صریح وصادقانه بادر نظر داشت علاقه دوجانب و برای پیشرفت علوم جهانی بدون تلاش برای مانورو فریب کسی می باشد انعکاس می یابد.

علاوه بر آن که اکنون از آنزمان دو سال سپری می گردد ما با اطمینان می توانیم بگوییم که شیوه نوین تفکر سیاسی صرف یک اعلامیه یا تقاضا نبوده بلکه یک فلسفه عمل و یک فلسفه راه زندگی است وانکشاف آن مطابق به پروسه های معینی که در جهان ماجریان دارد. ودر حقیقت قبلا تاثیر خود را ثابت ساخته است می باشد.

ملاقات اکتوبر ۱۹۸۶ در ریکیاویک از جمله رویداد های که درزمان آغاز مرحله نوین در امور بین‌المللی تا کنون به وقوع پیوسته شمرده می‌شود و در ین جا قابل یاد آوری بوده وثبت تاریخ‌خواهد شد. ملاقات ریکیاویک به شیوه جدید تفکر سیاسی تحرک عملی بخشید و آنرا قادر به ریشه دوانی در میان حلقات اجتماعی و سیاسی گوناگون ساخته و تماس های سیاسی بین‌المللی رامثمرتر نمود. تفکر جدید همراه با توجه واحترام آن به ارزش های انسانی همگانی وتاکید آن بر عقل سلیم و علنیت درصحنه بین‌المللی به پیش می‌تازد، ضدیت‌یک نواخت باشوروی را در هم می شکند و بی‌اعتمادی دربرابر ابتکارات واقدامات مارا از بین برد.

این یک امر درست است که بشریت با وصف حجم عظیم و وظایف مجبوراست تا بقای‌خود را که تا کنون به خطر مواجه بوده تامین نماید و آغاز این کار صورت‌گرفته ونخستین نشانه های تغییر خود را ظاهر ساخته‌است.

این امر در جمله سایرمطالب از تفاهم ما با ایالات متحده امریکا پیرامون عقد یک موافقتنامه روی مرمی های میان منزل و کوتاه منزل که در آینده قریب به امضا خواهد رسید ناشی میگردد.

عقد این موافقتنامه به ذات خود بسیارمهم است. برای نخستین بار یک بخش سلاح ذروی نابود خواهدشدو نخستین‌قدم‌محسوس‌درراه‌امحای تسلیحات ذروی بوده و نشان خواهد دادکه در حقیقت پیشرفت به سوی این هدف بدون به‌مخاطره‌افگندن منافع کسی امکان‌پذیراست.

این امر واضحا یک موفقیت بزرگ شیوه نوین تفکر و نتیجه آمادگی ما برای جستجوی یک حل قابل‌قبول متقابل‌با در نظر داشت‌حفاظت‌جدی اصل‌امنیت مساوی‌می باشد.

به هر حال مسایل مربوط به این موافقتنامه قبلا‌در ریکیاویک یک در دومین ملاقات من با رئیس‌جمهور امریکا وسیما حل شده بود.

جهان درین دوره حساس وجدی از سومین وچارمین جلسات سران شوروی — امریکا توقعات زیاد دارد تا این ملاقات‌ها وسیما یک سهلسله تصامیم رسمی راروی مسایلی که یک سال قبل روی‌آن توافق حاصل شده‌در قبال داشته باشد نه فقطادامه مباحثات باشد. خطرفزاینده ناشی ازتکامل تسلیحات به نقطهٔ که می توانند از کنترول خارج‌گردد از ما می طلبدتا وقت را نباید ضایع‌کرد.

به همین علت است که مابه طور خسته گی نا پذیر در ین ملاقات‌ها برای یک پیشرفت قابل ملاحظه برای نتایج مشخص، درراه کاهش‌تسلیحات تهاجمی ستراتیژیک وجلوگیری از انتشار اسلحه به کیهان بحیث‌کلید امحای‌خطر ذروی کارخواهیم کرد.

پس دلیل خوشبینی ما برای اینکه یک‌امنیت‌جامع‌واقعا قابل دستیابی خواهدبود چه می باشد؟ این امر ایجاب توضیحات مفصل را درینجا می نماید. در ین نقطه‌چرخش جدید در تاریخ جهان که ما هفتادمین سالگردانقلاب مارا که نمی توانست بدون آماده‌گی تیوریک حاصل گردد تجلیل می نماییم ما جهات تیوریکی دورنماهای پیشرفت به سوی یک صلح پایدار را ارزیابی می نماییم.

شیوه جدید تفکر مارایاری رسانیده‌تابه طور عمومی‌ثابت بسازیم که یک سیستم جامع امنیت بین‌المللی درچارچوب‌خلع‌سلاح‌ضروری وممکن می باشد.

اکنون ما باید ثابت بسازیم که دستیابی به این هدف ضروری وممکن‌میباشد ما‌باید قوانین اداره پیوند‌بین نیرو ها یی‌را که از طریق‌رقابت تضاد هاو منافع متناقض می توانند تاثیر لازمه رابه بار بیاورند تشخیص‌نماییم.

در ین رابطه ماباید به‌طرح یک تعداد سوالات جدی‌بپردازیم، البته حل آنها را از مواضع لنینی و استفاده از میتودولوژی‌لنینی حل‌مینماییم.

نخستین سوال ارتباط می گیردباماهیت‌امپریالیزم‌ما میدانیم که این یک منبع‌عمده خطر جنگ می باشد.

ناگفته نماند که عوامل خارجی نمی تواند ماهیت یک سیستم اجتماعی‌راتغییر بدهد ولی با در نظر داشت‌مرحله جاری، انکشاف جهانی و سطح جدید ارتباط متقابل اختلاط آن آیا نفوذ در ماهیت و جلو گیری از مظاهر خطرناک آن امکان پذیر است؟

به عبارهٔ دیگر آیا کسی می تواند برقوانین‌که در جهان واحد که‌در آن ارزش های جهانی انسان حق تقدم دارد حساب کند و حجم تاثیرات منفی را که با عملی ساختن قوانین ایگوسنتریک‌که صرف به نفع طبقه حاکمه بوده و پایه های سیستم سرمایه داری را تشکیل میدهد مانع شود.

سوال دوم ارتباط می‌گیرد با سوال اول، آیا سرمایه داری می تواند ازمیلیتاریزم رها گردیده ودر عرصه اقتصادی بدون آن فعالیت وانکشاف نماید؟ آیا درین صورت خیال باطل نخواهد بود که ماازغرب دعوت‌نمائیم تا برنامه ها برای قرار دادن اقتصاد را به تولیدات غیر نظامی طرح و مقایسه نماید؟

سوال سوم اینست که آیا سیستم سرمایه داری می تواند بدون نیوکلونیالیزم که هم اکنون از عواملی ضروری برای بقای آنست زیست نماید؟

به عبارهٔ دیگر آیا این سیستم بدون تحمیل تجارت غیر عادلانه با جهان سوم می تواند فعالیت نماید؟

یک سوال مربوط دیگر: امید های مان در مورد آگاهی از خطر هولناکی که جهان با آن رو برو است و ما می دانیم که این آگاهی راه خود را در میان حلقات‌بالائی غرب گشوده، خواهد توانست در سیاست های‌عملی پیاده گردد؟

علاوه بر آن به هر اندازه که مناقشات عقل سلیم نیرو مند باشد به هر اندازه که احساس مسوولیت انکشاف خوب نموده باشد هنوز هم چیز هائی وجود دارد که نباید نادیده گرفته شود.

به عبارهٔ دیگر سوال اینست که آیا سرمایه‌داری می تواند خود را با شرایط یک جهان فاقد اسلحه ذروی وبدون اسلحه و به شرایط یک نظم جدید و عادلانه اقتصادی وشرایطی که درآن ارزش‌های اخلاقی و معنوی دو سیستم جهانی صادقانه درآن مقایسه گردد عیار سازد.

این سوالات محض نیستند. مسیری را که تاریخ در دهه های آینده طی می کند بستگی به این امر خواهد داشت که چطور به این سوالات جواب گفته می شود.

ولی حتی طرح این سوالات هم کافی خواهد بودتا ثقلت وظایفی راکه درپیش روی ما قرار دارد ما جواب این سوالات را به موقع آن خواهیم داد.

این امر قبلا مورد آزمایش قرار گرفته است در ینجا نیز ما به عنعنه لنینی وبه‌اصالت لنینیزم یعنی ارتباط ارگانیک تیوری و عمل و شناخت تیوری بحیث یک وسیله عملی و عمل بحیث یک میکانیزم بررسی نیرومند تیوری وفادار ما نمانیم.

همین گونه است که ما عمل می کنیم و شیوه نوین تفکر ما نرا بر فعالیت های سیاست خارجی ما تطبیق می نمائیم و آنرا با تجربه سیاسی عیار و مشخص می‌سازیم.

مادرین زمینه که آیا یک جهان مصوون مشترک با کشور های سرمایه داری اعمار شده می تواند بر چه حساب می کنیم؟

دوره بعد از جنگ شاهد یک تغییر عمیق در تضادها — ئیکه برای تعیین جهات‌اصولی در اقتصاد و سیاست های جهان مورد استفاده قرارگرفته بوده است من از همه اولتر از جهاتیکه بدون شک به جنگ ها منجر گردیده‌به‌جنگ های جهانی میان خود کشور های سرمایه داری یاد آوری می نمایم.

امروز وضع طور دیگر یست نه تنها دروس جنگ گذشته بلکه همچنان ترس از ریشه کن کردن نیروی خود دربرابر سوسیالیزم‌بحیث یک‌سیستم جهانی است که سرمایه داری راازتشدید تضاد های داخلی آن باز داشته است.

این تضاد ها به یک مسابقه تکنالوژیکی در برابر رقابت کننده گان ارتقا نموده و با کمک نیوکلونیالیزم افزایش یافت، یک نوع تقسیم‌بندی (صلح‌آمیز) جهان مطابق‌به‌قانون لنین ((متکی بر سر مایه)) آغاز یافت. سهم بیشتر به آنکس تعلق میگرفت که نیرو مندتر و ثروت مندتر در همان لحظه بود بر خی از کشور ها به (کاهش) تشنجات دراقتصاد شان از طریق انتقال منابع به کامپلکس صنایع نظامی به بهانه ((تهدید شوروی)) آغازکردند. تغییراتیکه در داخل زیر بنای تکنالوژیک و ساز مانی اقتصاد سر مایه‌داری صورت می گرفت نیز به فروکش‌تضاد هاو توازن منافع متفاوت کمک رسانید.

اتحاد بین یک کشور سوسیالیستی ودولت های سرمایه داری در گذشته زمانیکه تهدید فاشیزم بروز نمود، ممکن ثابت گردد آیا امروز که جهان با تهدید فاجعه ذروی و ضرورت تامین تولید انرژی مصوون ذروی و غلبه بر خطر محیطی مواجه است درسی را برای امروز پیشنهاد نمی نماید؟

اینها همه پرابلم های کاملا واقعی و حاد می باشد. راه حل عملی آنها باید دریافت‌گردد.

نکته بعدی، آیا اقتصاد سر مایه داری بدون‌ملیتاریزم‌امکان دارد؟ این مطلب ((معجزه اقتصادی)) در جاپان المان فدرال و ایتالیا رابخاطر می آورد اگر چه این درست است که زمانیکه ((معجزه)) پایان یافت آنها بار دیگر به ملیتاریزم رو آوردند.

اما باید درجهٔ را که این تغییر که بوسیله قوانین اساسی حاکم بر عملکرد سرمایه انحصاری معاصر واردشده و همچنان نقشی را که بوسیله عواملی مانند ((مثال سازی)) مجمع نظامی صنعتی امریکا، جنگ سرد وروحیه آن، ملاحظات حیثیت، علاقمندی برای داشتن((مشت بسته)) برای صحبت با رقبای خود به زبان مشترک واراده برای حمایت از تجاوز اقتصادی بر جهان سوم با سیاست زور مورد ارزیابی قرار داد.

دلایل واقعی هر چه باشد اما زمانی وجود داشت که اقتصاد مدرن سرمایه داری به سرعت در چندین کشور که مصارف تسلیحاتی آنها اندک بود انکشاف کرد. تجربه تاریخی مربوط در زمینه‌وجود دارد.

این مطلب نیز می تواند از زاویه متفاوت، از جهت دیگر مورد ارزیابی قرار گیرد.

اززمان جنگ بدینطرف، اقتصاد امریکا بر ملیتاریزم میلان‌داشته وبدان وابسته گردیده ودرآغاز چنین‌به‌نظر میرسد که حتی آنرا تحرک می بخشد. ولی بعد ها، چنین بر باد دادن بی فایده بی مفهوم منابع واز نگاه‌اجتماعی منجر به قروض سرسام آور ملی وسایر پروبلم بیماری ها گردید.

درآخرین تحلیل چنین نتیجه بدست آمد که‌نظامیگری بی حدو حصر بطور فزاینده وضع‌داخلی راهتشنج ساخته والاقتصاد سایر کشور ها را زیانمند میسازد.

نگرانی اخیر در بازار تبادل اسعار نیویارک و سایر بازار های تبادل‌اسعار درجهان، نگرانی ایکه‌تقریباً درطی شصت سال بیسابقه بود دال بریک اخطار جدی می باشد.

نقطه سومی: روابط نا متساوی و استعماری با کشور های روبه انکشاف، باوجود نو آوریهای‌افسانوی ایجاد یک محیط جانبین (ساخت انسان) سرمایه داری پیشرفته قادر نبوده و نخواهد بود تا بدون منابع این کشور ها کاری‌را پیش برد. این یک واقعیت عینی می باشد.

فراخوان غرض برهم زدن پیوند های اقتصاد جهانی که از نظر تاریخی تشکیل یافته اند خطرناک بوده و راه حل راپیشنهاد نمی‌نمایند.

ولی شیوه‌های نواستعماری استفاده از منابع سایرین، اقدامات خودکامه شرکت های فراملیتی، وابستگی ناشی از قروض، قروضی که به رقم میلیارد دالر نزدیک شده و آشکارا نمی توانند باز پرداخت گردند، به‌بن بست می‌انجامند.

همه اینها، پروبلمهای حاد در درون خود کشورهای سر مایه‌داری را نیز تشدید مینماید. حدت سیاست مختلف دراین زمینه عمده تا به خاطر آن هدفگیری شده اند تا جهان سوم را به‌یک نوع سپربلا مبدل نموده و آنرا مقصر مشکلات متعدد بشمول کاهش سطح زندگی‌درکشور های میترو پول معرفی دارند.

تلاشهای پیگیرانه به‌کار برده میشود تاملت را مبتنی‌بر اساسات شوونیستی بطور هم متحد ساخته و مردم زحمتکش را با((سهیم ساختن)) در استثمار سایر کشور ها تطمیع نمایند، در حالیکه توده ها را به‌پذیرش مشی ملیتاریزه ساختن سرمایه‌داری بالآخر ین شیوه ها وا میدارند.

ولی هیچیک از این موارد واستراتیژی های مشابه نمی توانند خود پروبلم را پایان بخشند. اینها صرفا می توانند پروبلمها را بطور موقت کاهش دهند. تجارت نا متساوی واقعیتی است که بالاخره به انفجار خواهد انجامید. چنین هویدا است که رهبران غربی شروع بدرک این مطلب می نمایندکه چنین عاقبت‌امکان پذیراست. ولی تا حال‌آنها صرفاً کوشیده‌اند تابه اقداماتی بازدارندهٔ مختلف، متوصل گردند.

درواقعیت امر، تازه گی در پروسه های اقتصادی وسیاسی بین المللی عصر ما تاحال به طور کامل تجزیه وتحلیل نگردیده اند.

ولی این امر باید تحقق‌یابد زیرا پروسه های جاری دارای نیروی یک قانون عینی می‌باشد. یعنی اینکه یافاجعه‌ویا مساعی مشترک به خاطر نظم جدید اقتصادی با در نظرداشت منافع همه‌براساس تساوی.

طوری که ما امروز مشاهده می نماییم، راه ایجاد چنین یک نظم از طریق تعمیل مفکوره خلع سلاح به خاطر انکشاف قابل‌تشخیص گردیده است.

لذا زمانی که مادرجستجوی پاسخ برای سوال سومی میباشیم، بمشاهده میرسد که اوضاع یافتن راه حل‌مجال نمی دهد. ودرین عرصه نیز تضاد ها می توانند کاهش یابند. ولی این امر مستلزم درک واقعیت و طرح‌اقدامات عملی با روح تفکر جدید می باشد.

این امر بالنوبه به پیشرفت بسوی جهان‌مصوون‌تر راسهل میسازد. مو جز اینکه، در اینجا نیز مابانیک انتخاب تاریخی که ذریعه قوانین جهان وسیع، واحد و بهم پیوسته مادیکته میشود، مواجه می باشیم.

دراین جا واقعیت با اهمیت دیگر و حتی تعیین کننده وجود دارد. سوسیالیزم جز این جهان است. با گشودن تاریخ خویش در هفتاد سال قبل و بعد ها رشد آن به یک سیستم جهانی سوسیالیزم درواقعیت خصلت قرن ۲۰ را تعیین نمود. امروز سوسیالیزم وارد مرحله‌جدیدی از انکشاف خویش گردیده ویکبار دیگر پوتنسیل های درونی خویش راتبارزمیدهد.

بطور مثال، تفکر در مورد پوتنسیل عظیمی به خاطر همزیستی مسالمت‌آمیز درست درباز سازی‌اتحاد شوروی نهفته می باشد.

با امکانپذیر ساختن اینکه ما به‌تمام شاخص های اساسی اقتصاد درسطح‌جهانی نایل آییم. باز سازی کشور غنی‌و وسیع مارا قادرخواهد ساخت تادر تقسیم جهانی کارو منابع به شکلی که هرگز سابقه ندارد، شامل گردد.

پوتنسیل عظیم علمی، تکنالوژیک و تولیدی کشور ما بیک جز ترکیبی عمده روابط اقتصاد جهانی مبدل خواهد شد. این امر به طور قاطع پایه مادی سیستم همگانی صلح و امنیت بین المللی را تقویت نموده‌و گسترش خواهد بخشید. جاییکه این امر در تمدن معاصر اتخاذ نموده است جهت فوق العاده عمده دیگر بازسازی را تشکیل میدهد.

مبارزه طبقاتی و سایر مظاهر تضاد های اجتماعی تاثیراتی‌را بر پروسه های عینی که‌به نفع صلح اند، وارد مینماید. نیرو های پیشرو جنبش طبقه کارگردر جستجوی راه ها غرض ارتقای آگاهی سیاسی شان اند.

اینها باید فعالیت های شانرا در شرایط کاملا جدید، پیچیده وروبه تحول انجام دهند. مسایل مربوط به حراست از حقوق اقتصادی، منافع‌توده‌ها و درواقع آنهاییکه به مبارزه به خاطر دموکراسی منجمله دموکراسی درتولید مربوط میگردد مفهوم جدیدی رااکسب نموده است.

به‌طور مثال، بعضا برای کارگران ((سهمی)) رایپشنهاد مینمایند ولی این سهمی است که‌تحت آن دسترسی به حریم معامله برای آنها قطع گردیده و از انتخابات آزاد برای پرسونل عالیرتبه اداری اصلا خبری در میان نیست.

جهان غرب در ((تیوری های)) تاثیر بر ناپدید شدن طبقه کارگر غرق بودموعدها دارند که این طبقه به طورکامل در طبقه متوسط حل گردیده، از نگاه اجتماعی تغییر یافته اند، وغیره وغیره.

واقعاً، تغییراتی را که طبقه کارگر از سر گذرانیده اساسی ووسیع میباشد. ولی این بی‌مفهوم است که‌مخالفین طبقاتی‌ویدر جستجوی‌تسلیت دراین مورد بوده و میکوشیده تا جنبش طبقه کارگر را مغشوش و منحرف سازند.

طبقه کارگر، طبقه ایکه امروز دارای تفوق کمی و چوکات سرحدات جدید اجتماعی خویش می‌باشد، دارای پوتنسیل ایفای نقش سازنده به خصوص در نقطهٔ تند چرخش تاریخ می‌باشد.

محرک های این امر می تواند متفاوت باشد. به احتمال قوی یکی از این‌محرک ها نظامی ساختن جنون‌آمیز اقتصاد می‌باشد. گذار به مرحله جدید انقلاب‌تکنالوژیک مبتنی بر پایه های نظامیگری شاید به حیث عامل نیرو مند به خصوص در مواردیکه راه را برای‌جنگ هموارمیسازد عمل نماید. بدین ترتیب این امر بر تمام اقشار مردم تاثیر نموده و اعتراضات توده‌یی رابه ماورای محدوده تقاضا های اقتصادی می کشاند.

لذا، دراینجا نیز طبقه حاکم، مالکان سرمایه انحصاری باید به انتخاب دست یازند. مابدین امرمعتقد بوده و ذریعه علم نیز به‌اثبات رسیده است که درسطح‌موجوده تکنالوژی وسازمان‌دهی تولید تبدیل مجدد و عدم نظامی ساختن اقتصاد امکانپذیر اند. این به مفهوم انتخاب صلح خواهد بود.

عین مطلب به عواقب بحران در روابط بین جهان پیشرفته و روبه انکشاف ارتباط می‌گیرد.

(ص ۸)

اکتوبر و باز سازی: انقلاب ادامه دارد

متن بیانیهٔ رفیق م.س گرباچف

(بقیه ص ۷)

در صورتیکه وضع به سر حد انفجار برسد و ثابت گردد که بیش از این نا ممکن است از استثمار «جهان سوم» نفع برد، خصلت غیر قابل قبول و غیر مجاز سیستمی که طور دیگر نمی تواند وجود داشته بشد، ممکن است بعد سیاسی اختیار کند و خیلی حاد گردد.

درچنین حالت نیز، در مجموع سرمایداری باانتخاب محدود روبرواست، یعنی بایاید بگذارد امور به نقطه شکست برسد و یا اینکه به قوانین جهان بهم مرتبط و یك پارچه که مستلزم توازن منافع بر پایهٔ مساوی است گردن نهد.

وضع، آنطوریکه می بینیم، این کار را نه تنها ضروری، بلکه ممکن نیز میسازد. چه بیشتر از آنکه نیرو ها در «جهان سوم» در یک راستا عمل میکنند.

فرو کش جنبش آزادی بخش ملی یك عبارت عام است. معهذا، آنچه واقعاً رخ میدهد اینست که مفکوره ها تعویض گردیده و تازه گی وضع نا دیده گرفته شده است.

آنچه به تحرك آزادی خواهی مربوط است، تحرکی که در مرحله مبارزه برای استقلال سیاسی وجود داشت، این تحرك به یقین ضعیف میگردد و این یك امر طبیعی است. و در رابطه با تحرك ضروری برای مرحله جاری انکشاف «جهان سوم» باید گفت، این فقط در حالت ظهور است. باید از این آگاه بود و از تسلیم شدن به بدبینی اجتناب کرد. عواملی که تحرك را تشکیل میدهد گوناگون اندو مغلق. اززمره آنها یکی هم پروسه نیرو مند اقتصادی است که بعضاً اشکال ظاهراً متناقض را به خود میگیرد به طور مثال، تعداد معین کشور ها باوصف حفظ خصوصیات عقب مانده گی، به سطح قدرت بزرگ در اقتصاد و سیاست جهان دست می یابند.

نیرو مندی قدرت سیاسی نیز افزایش مییابد.

وقتی ملت هایی تشکیل می گردند و دولت های واقعاً ملی که در میان آنها کشور های دارای رژیم های انقلابی جایگاه مهمی را دارا اند، بوجود می آیند. همچنان در نتیجه قطب بندی جدی فقر و ثروت واختلاف میان امکانات وواقعیت ها خشم وتنفر به میان آمده است.

خواست برای هویت ملی وابتکار به طور فزاینده در سازمانهایی که پروسه های تحکیم روابط بین دول میان کشور های در حال رشد را انعکاس میدهند، احساس می گردد.

این امر به پیمانه های بزرگتر و کمتر خصیصه تمام سازمانها است و تعداد آنها کم نیست: سازمان وحدت افریقا، اتحادیه کشور های عربی، آسیان، سازمان کشور های امریکایی سیستم اقتصادی امریکای لاتین، گرد همایی بحرالکاهل جنوبی پسفیك، انجمن همکاری منطقوی آسیای جنوبی سازمان کنفرانس اسلامی، و به خصوص جنبش عدم انسلاك.

آنها طیف وسیعی از منافع نیازها، آرزومندیها، ایدیولوژی، ادعاها و پیشداوری های مختلف راکه خصلت نمای دقیقاً مرحلهٔ کنونی را نشان میدهند نماینده گی میکنند.

اگرچه آنها قبلا به عامل قابل اهمیت در سیاست های جهانی مبدل شده اند، ولی هیچیك از آنها تاکنون کاملا توانمندی های شانرا آشکار نساخته اند، اما توانمندی های آنان خیلی عظیم است و حتی دشوار است پیشگویی شود که آنها طی پنجاه سال آینده متبارز خواهند گشت.

یك مطلب صراحت دارد: این جهان دارای نوع خود است که اشکال سازمانی را برای شرکت موثر و مساویانه در حل پروبلمهای مشترك برای همه بشریت جستجو میکند. این جهان از دونیم ملیارد انسان نماینده گی میکند.

می توان گامهای بزرگی را تصور کرد که این جهان نه تنها در اعمال نفوذ خویش بر جهان، بلکه در ایفای نقش اصلی در شکل دادن اقتصاد آیندهٔ جهانی خواهد برداشت. باتمام نیرو مندی شان این شرکت های فراملی نیستند که انکشاف «جهان سوم» راتعیین خواهند کرد. به احتمال بیشتر آنها مجبور خواهند شد به انتخاب مستقلانه یی که بوسیله مردمان صورت گرفته یا صورت خواهد گرفت خود را عیار سازند.

مردمانو سازمانهایی که از آنان نمایندگی میکنند در نظم نوین اقتصادی جهان علاقمند اند.

نکته مهم دیگری نیز وجود دارد. طی چند دهه گذشته، انکشاف در درون جهان سرمایداری به طور شایسته یی موجب اشکال تضاد ها و جنبش های جدید اجتماعی از میان آنها میتوان از جنبش ها برای محو تهدید هسته ای، حفظ محیط زیست، محو تبعیض نژادی، نفی ساختن سیاست های انقسام جامعه به صاحبان دارای امتیاز و بدون امتیاز، جلو گیری از فاجعه ایکه عرصه های صنعتی را تهدید میکند که قربانی مدرنیزه سازی سرمایداران معاصر می باشد نام برد.

این جنبش ها که شامل ملیونها انسان است و به وسیله شخصیت های برجسته عرصه ساینس و کلتور الهام دهی و رهبری میشوند از حیثیت ملی و بین المللی بر خوردار اند.

احزاب سوسیال دموکراتیك، سوسیالیست، احزاب کارگرگو سازمانهای توده یی مشابه یا مرتبط به آنها بطور متداوم نقش مهمی را در پروسه های سیاسی در یک تعداد کشور ها ایفا میکنندو نفوذ برخی از آنان فزونی می یابد.

بدین ترتیب، بر مبنای شاخص های اقتصادی، سیاسی واجتماعی در همه نقاط جهان کنونی، تیزسی که لنین آن رابه حیث بنیادی ترین تیزس در مارکسیسم می پنداشت به اثبات میرسد: بههمان پیمانه ایکه عملکرد تاریخی رشد مییابد به همان اندازه توده ها که این فعالیت را انجام میدهند نیز رشد مینماید

واین همواره علامت بارز و عامل بی نهایت نیرو مند، ترقی اجتماعی و در نتیجه، صلح می باشد. درواقعیت، عظمت وتازه گی زمانرا بوسیله موجودیت هر چه آشکار تر علنی تر خلقها در میدان تاریخ است. موقف کنونی آنان چنین است که آنها باید بدون درنگ مورد توجه قرارگرفته رهبری گردند. نه اینکه در طوفان زمان.

حقیقت جدیدی که بدین وسیله در محراق توجه قرار می گیرد عبارت است از نیاز متداوم به خاطر یك انتخاب که چون مشخصهٔ زمان ما هنگام ورود به قرن بیست و یکم است. انتخاب درست مربوط به آن است که تاجی حدود به منافع وآرمان های میلیونها وصدها میلیون انسان ارج گذاری می شود. ازین جا مسوولیت سیاستمداران ناشی میشود. زیراسیاست تنها وقتی می تواند موثر باشد که تازه گی زمان در آن در نظر گرفته شده باشد. امروز عامل بشری در صحنهٔ سیاست به حیث تاثیر جانبی دور افتاده و کم و بیش خودبخودی زنده گی فعالیت و نیات مردم متبارز نمیشود، بلکه به طور مستقیم به امور جهانی مداخله میورزد.

مگر اینکه این مساله درك گردد، به عباره دیگر، مگر اینکه تفکر جدید مبنی بر واقعیت های جاری واراده مردمان، اتخاذ گردد سیاست به بهبود سازی غیر قابل پیشبینی مبدل میشود که خطری راهم دربرابر کشورخود وهم به مات های دیگر به وجود میاورد. چنین سیاستی ازحمایت پایدار بر خوردار نیست.

چنین است دلایل برای تصور خوشبینانه ما به آینده و دور نما های ایجاد سیستم همه جانبه امنیت بین المللی.

همچنان موضعگیری ما در قبال مسایل دفاعی تازمانی که خطر جنگ وجود دارد و تازمانی تلاش در جهت انتقامجویی اجتماعی (روانشیزم) هسته استراتیژی ها بر نامه های نظامی گرانه غرب را تشکیل دهیم تاقابلیت دفاعی خویش را در سطحی که تفرق نظامی امپریالیزم بر سوسیالیزم نفی سازد حفظ نمائیم.

رفقا!

طی این روز های گرامیداشت از انقلاب اکتوبر فعالیت های جنبش جهانی کمونیستی را می ستائیم.

انقلاب اکتوبر که تا امروز نیرو مندی بین المللی خود را حفظ کرده، منبع زنده گی این جنبش است.

جنبش جهانی کمونیستی برخاك هریك از کشور های مربوط رشد وانکشاف می کند، ولی تصور یك کمونیست صرف نظر از ینکه ملیتش چیست ودرکدام کشور کار میکند، مشترك است.

این تصور عام عبارتست از وفاداری به ایدهٔ بهترین جامعهٔ کمونیستی، وفاداری به زحمتکشان درراس همه طبقه کارگر، ومبارزه به خاطر منافع حیاتی آنان، به خاطر صلح ودموکراسی.

فکر میکنم این سالگرد مناسبت درستی است که درآن از انترناسیونال سوم کمونیستی، تذکر دهم. حقیقت در بارهٔ آن هنوز هم باید تکمیل گردد و تاریخ موثق وکامل آن بانیست تحریر شود.

با وجود همه نواقص و اشتباهات در فعالیت های آن وبا وجود همه تلخی که ممکن است یادآوری بعضی فصول معین تاریخ آن بر انگیزد، انترناسیونال کمونیستی بخشی از جنبش عظیم گذشتهٔ ما بوده است.

این جنبش که زادهٔ انقلاب اکتوبر بود به مکتب انترناسیونالیزم و برادری انقلابی مبدل گردید. و بیش از ین انترناسیونال کمونیستی انترناسیونالیزم را به وسیله موثری برای پیشبرد منافع زحمتکشان و افزایش ترقی اجتماعی ملتهای بزرگ وکوچك مبدل ساخت.

این انترناسیونال سلحشوران واقعی قرن بیست رابه وجود آورد، مردان افتخار ومسوولیت، مردان آرمانهای بزرگ و شجاعت تزلزل ناپذیر، که رنجهای میلیونها انسان تحت ستم در سراسر جهان را از آن خود دانسته، به تقاضا های آنان گوش فرا میدادند و آنان رابه مبارزه بر می انگیختند.

کمونیستان نخستین کسانی بودند که زنگها را در مورد خطر فاشیزم بهصدا درآوردند ونخستین کسانی بودند کهعلیه آن قیام کردند، آنان همچنان نخستین قربانیان فاشیزم بودند. آنان از سراسرجهان بهاسپانیاآمدندتا نخستین کسانی باشند که دریكمبارزه مسلحانه علیه فاشیزم در گیر گردیدند.

آنان نخستین کسانی بودند که پرچم مقاومت رابهنام دفاع ازآزادی وحیثیت ملیخلقهای خویش برافراشتند. این کمونیستان، در رأس کمونیستان شوروی بودند که سهم قاطع را در شکست خرد کنندهٔ فاشیزم در جنگ جهانی دوم به عهده گرفتند. همچنان کمونیستان همین آشتی ناپذیری و شجاعت را بهمثابهٔ پیشقراولان نبرد علیه ارتجاع و آنانیکه هر فریادی را خفه میکنند، از خود نشان دادهاند.

آنان انسانهای قهرمانی ها وفداکار یهای افسانه یی اند. هزاران هزار آنان توسط ارادهٔ واحد، دسپلین آهنین ووفاداری به ایدیال های خویش، متشکل و متحد گردیده اند.

زمان انترناسیونال کمونیستی، بوروی اطلاعاتی حتی زمان تدویر کنفرانس های پرمسوولیت بین المللی گذشته است. ولی جنبش جهانی کمونیستی به حیات خویش ادامه میدهد.

همه احزاب کاملا وبه طور برگشت ناپذیر مستقل اند. ما اینرا قبلا در بیستمین کانگره اعلام نمودیم. واقعاً، عادات کهنه به یك باره گی برطرف نشد. ولی امروز این امر به یك واقعیت غیرقابل تغییر مبدل گشته است.

درین رابطه، ۲۷ مین کانگرهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی نقطهٔ عطف نهایی وبرگشت ناپذیر بود. فکرمیکنم این امر در مناسبات مابا احزاب برادر در جریان باز سازی عملا به اثبات رسیده است.

جنبش جهانی کمونیستی مانند ترقی جهانی ونیرو های محرکهٔ آن به یك نقطهٔ عطف رسیده است.

احزاب کمونیستی جای جدید خویش را در زمینهٔ تغییرات بنیادی ایکه درآستانهٔ قرن جدید رخ می دهد جستجو می نماید. جنبش بین المللی آنها نو سازی می گردد. جنبشی که بر پرنسیپ های تجدید شدهٔ مشابه چون اعتماد، تساوی و همبستگی صادقانه، متحد گردیده است.

جنبش برای دیالوگ، همکاری، عمل متقابل واتحاد با هر یکی دیگر از نیرو های انقلابی، دموکراتیك ومترقی باز است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد آینده جنبش کمونیستی به مثابهٔ جنبشی که الترناتیفی را در برابرسرمایه داری ارائه میکند ودلیر ترین وبیگیر ترین مبارزان راه صلح، استقلال و ترقی کشور های شان ودوستی بین خلقهای جهان را در بر میگیرد، تردیدی ندارد.

رفقا!

ظهور سیستم جهانی سوسیالیستی مهمترین مرحلهٔ در تاریخ جهان پس از انقلاب اکتوبر است. چهل سال است که سوسیالیزم به سر نوشت مشترك تعداد زیادی ملتها و مهمترین عامل تمدن معاصر مبدل گردیده است.

حزب ما واتحاد شوروی فرصت همکاری با دوستان ما، کهمانند ما اکنون برای چندین دهه مسوولیت دولتیرا به خاطر سوسیالیزم و پیشرفت به عهده گرفته اند، عالی ارزیابی میکنند.

کلیه دولتهای سوسیالیستی تجارب دلچسپ و مفیدی را برای حل وظایف اجتماعی، اقتصادی و ایدیالوژیك و اعمار یك زنده گی نو گرد آورده اند.

نظام سوسیالیستی و تحقیقات و تجارب آزمون شده آن برای تمام بشریت دارای اهمیت است.

این نظام، در برابر جهانیان پاسخهای خودش را به سوالات اساسی زنده گیانسان تقدیم داشته ارزشهای انسانی کلکتیفی را معطوف به انسان زحمتکش تقدیم داشته است.

سیستم سوسیالیستی حس وقار و این احساس راکه هر فرد مالك کشور خود است وهمچنانازلحاظ اجتماعی کاملا مصئون وراجع به آینده مطمئن میباشد، تلقین می نمایند. سیستم یاد شده دسترسی وسیع را برای هر فرد کشور به علوم وفرهنگ فراهم میسازد و شرایط لازم را جهت استفاده از قابلیت شخصی و امکانات دیگر به مقاصد شایسته ایجادمیکند.

ما در بارهٔ آنچه که مردم کشور های سوسیالیستی بآن دست یافته اند افتخار می کنیم آنهم خصوصاً از این جهت که این دستآورد ها از جمله بنتیجهٔ چندین ساله همکاری مثمر و حاصل به طور بی سابقه، وسیع صریح وواقعاً برادرانه میان اتباع، سازمانهای حزبی و اجتماعی، کلکتیف های تولیدی اتحادیه های حرفوی و موسسات فرهنگی و این کشور ها و ثمره پیوند های خانواده گی و شخصی و دست آورد کار و فعالیت مشترك هزاران هزار انسان میباشد.

به قله هایی کهدست یافته ایم ما را قادر میسازد تا در بارهٔ بسیاری چیز ها نظرروشن تر داشته باشیم. زنده گی تصور ما را در بارهٔ قوانین و میزان گذار به سوسیالیزم. وهمچنان درك ماراد ربارهٔ نقش سوسیالیزم به مقیاس جهانی اصلاح وعیار ساخته است.

هرگز چنان اتفاق نخواهد افتاد ادعاکنیم که تمام تحولات مترقی در جهان تنها مرهون سوسیالیزم است.

اما، به شکلی که مسایل مهم و حیاتی بشریت تبارز کرده است وراه هایی که جهت آنها جستجو می شود نشان میدهد که پیوند جدایی ناپذیر میان ترقی جهانی وسوسیالیزم به مثابهٔ یك نیروی بین المللی وجود دارد.

این پیوندتوسطتلاشهادرجهت نفی فاجعهٔ ذروی. و همچنان برقراری چنان توازن میان نیرو های جهانی که مردمان کشور های مختلف را قادر میسازد از انتخاب سیستم اجتماعی ـ سیاسی شان موفقانه دفاع نمایند در مرکز توجه دقیق جهانیانقرارگرفته است.

تجارب اندوخته شده امکانات بهتر را در مورد ایجاد روابط میان کشور های سوسیالیستی روی پر نسیپ های قبول شدهٔ جهانی قرار ذیل تامین نموده است:

ـ برابری کامل و بدون قید وشرط.

ـ مسوولیت حزب حاکم در مورد وضع امور در هر کشور وخدمات وطن پرستانه به مردم آن.

ـ توجه و علاقه مندی به داعیهٔ مشترك سوسیالیزم.

ـ احترام به همدیگروبرخورد جدی به آنچه که دوستانیك کشور بهآن نایل گردیدهو آنرا آزمایشکردهاست، همکاری داوطلبانه در تمام سطوح.

ـ رعایت جدی از پرنسیپ های همزیستی مسالمت آمیز از طرف تمام کشور ها، البته این چیز یست که عملکرد انترناسیونالیزم سوسیالیستی روی آن تکیه دارد.

امروز جهان سوسیالیستی در تمام تنوع ملی و اجتماعی خود به نظر ما جلوه میکند و این واقعیتی است شایسته ومفید. مابه خود قناعت داده ایم که وحدت به معنی یکسانی ویك شکلی نیست. ماهمچنان ازعدم وجود((مودل)) سوسیالیزم که هر کس آن را به رقابت بگیرد متقاعد میباشیم.

کمیت و کیفیت. پیروزی های واقعی که به خاطر زحمتکشان در باز سازیجامعه بهدستآمدهاست، معیارانکشاف سوسیالیزم را در هر مرحله و درهر کشور تشکیل میدهد.

ما، از خسارا تیکه از رهگذر تضعیف پر نسیپ های انترناسیو نالیستی به الرانحراف از پرنسیپ های نفع رسانی متقابل و کمك متقابل وبنابر چشم پوشی از منافع مشترك سوسیالیزم در عرصهبین المللی، به روابط میان کشور های سوسیالیستیمیتواند بر سد، آگاه هستیم.

برای ما جای مسرت است اظهار نماییم که درین اواخر روابط ما با تمام کشور های سوسیالیستی بیشتر تحرك یافته رو به تکامل است، همچنان همکاری ما درچهارچوب پیمان وارسا وکومیکان یقیناً شکل بیشتر سود مند و فعال را اختیار کرده است که کشور های عضو را به هیچ طریق از سایر کشور های سوسیالیستی جدا قرار نمیدهد.

بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی موضع این حزب را واقعا مشخص ساخته است آنهم در عرصه سیاست ودر تمام ساحات دیگر همکاری با هر کشور سوسیالیستی البته تامین وحدت میان منافع متقابل کشور های سوسیالیستی و با منافع سوسیالیزم در مجموع امریست دارای اهمیت قاطع.

تحکیم دوستی وانکشاف بیشتر همکاری با کشورهای سوسیالیستی هدف خیلی مقدم در سیاست خارجی اتحاد شوروی است.

امروز که ما هیات های کشور های سوسیالیستی راخوش آمدید می گوییم، شخصیت های کشور های سوسیالیستی را رسما شاد باش می گوییم.

رفقای عزیز، مهمانان محترم خارجی!

در تمام اندیشه ها واعمال نیروی فزاینده آیده های کمونیستی منبع الهامماست. این آیده هاکه در بیرق انقلاب درج است الهام بخش کار و پیکار ملیون ها انسان است که خود را وقف نموده، آیده های یاد شده را هدف و مفهوم زندگی خود قرار داده اند.

کار ومبارزه مردم، تلاش های پیگیر آن ها برای تحقق اهدافی که خود آزادانه برگزیده اند، سرور و حرمان همه وهمه در واقعیت سوسیالیزم امروز متبلور گردیده ودر راه انقلابی باز سازی به پیش می رود نیروی انقلاب اکتوبر، انقلابی که ادامه دارد فقط در ضمین امر نهفته است.

خلق شوروی طی ۷۰ سال توسط پیش آهنگ خوب آزموده شده شان یعنیحزب لیننی رهبری شدند.

حزب و انقلاب، حزب و انقلاب اکتوبر از هم جدایی نا پذیر اند.

پیروزی انقلاب اکتوبر بدون یك حزب مجهز با تیوری مارکسیزم لنینیزم نا ممکن می بود بدون داشتن حزبی که به ما راه ساختمان یك جامعه نوین را آموخت اصلا سوسیالیزم بوجود آمده نمی توانست.

به همین سان ما نمی توانستیم بنیاد و اساسی برای نو سازی کلیه جهات حیات اجتماعی و تسریع انکشاف اجتماعی ـ اقتصادی داشته باشیم.

امروز هم بنا بر نیاز زمان است که در شرایط نوین نیز حزب باید رهبری نو سازی انقلابی را پیگیرانه و پایدار به عهده گیرد. و مولریت سیاست خود و ارتقای دموکراتیزه کردن در تمامعرصه هاودر کلیه سطوح زندهگی اجتماعی را ارتقا بخشد.

طبیعی است که نقشحزب باید رشد کند. و لی این رشد با حرف و شعار های شکلی هیچ ربطی ندارد.

نقش حزب را عمق وصداقت تحلیل، ارزیابی، سیاست های مدبرانه وعمل قاطعانه، توانایی یافتن پیوند متقابل میان پدیده های خاص وعام، فردی و اجتماعی حال وآینده تعیین می نماید.

نقش حزب با افزایش مسوولیت های کلیه سازمان های حزبی و هر کمونیست در برابر وضع امور جامعه تعیین می گردد.

حزب ما در حدود بیست ملیون عضو دارد که معادل است به یك دهم نفوس بالغ کشور. این نیرو یست عظیم ولی قدرت نفوذ حزب، تاثیر آن بر باز سازی هنوز بطوربهمکمل بکارگرفته نشده است.

آماده گی برای برگزاری ۱۹ مین کنفرانس سر تاسری حزب باید برای بهبودی کار مغلق و ظریف درین عرصه تکانه نیرومندبخشد.

امروز سر نوشت داعیه سترك انقلاب داعیه لنینی در دست شماست. باز دیگر در آزمون قرار داریم، واین امر مسوولیت بخصوص را متوجه حزب ومتوجه همه مامی سازد.

به بیان لنینی ((دوران انقلاب دوران عمل است از بالا تا پایین.))

این سنتی است که حزب طراز نوین از همان بدوپیدایش مرعی داشته است.

همچنان این یك نیاز یاست در برابر پیش آهنگ جامعه شوروی آن هم در شرایط بسیار پیچیده کنونی که مرحله بسیار تازه و الهام بخش اعمار سوسیالیزم نیز می باشد.

رفقا!

در ۱۹۱۷ بشریت ورود به تاریخ حقیقی خود را پشت سر گذاشت ولی ۷۰ سالی که گذشت توام با نشیب و فراز هایاجتماعی اقتصادی بود که منجر به ظهور فاشیزم و جنگعمومی دوم، جنگ سرد، مسابقات تسلیحاتی، تهدید فاجعه هسته یی و بحرانات جهانی گردید و نشان داد که هنوز هم گذشته ها بخش قابل ملاحظه بشریت را در چنگ خود دارد ولی ما که درسرحد اتصال قرن ۲۰ و۲۱ قرار داریم بر مبنای دگرگونی های برجسته اجتماعی و ساحه جهانی و ظایفی کهدر برابر مردم جهان قرار دارد قضاوت می نمائیم:

ما به وضاحت می بینیمکه امروز دیگر مردممحکومنیستند تابه شیوه زندگی پیش از انقلاب اکتوبر زندگی کنند.

سوسیالیزم به یك واقعیت قوی، بالنده و رشد یابنده مبدل گردیده است. اینانقلاب اکتوبر و سوسیالیزم است که به مردم جهان راه آینده وارزش های جدید وسرانجام مناسبات واقعا انسانیرانشان می دهد:

ـ جمعی گرایی به عوض فرد پرستی.

ـ آزادی و مساوات به عوض استثمار و اختناق.

ـ قدرتواقعی مردمبهعوض خود کامهگی اقلیت ها.

ـ رشد خرد وانساندوستی به عوض استفاده بی رحمانه از نیرو های اجتماعی.

ـ اتحاد بشریت و صلح به عوض نفاق وجنگ.

وحدت بشریت و صلحبهعوض نفاق، ستیزه و جنگ:

نسل کنونی نه فقط در کشور ما بلکه در سر تاسر جهان مسول سر نوشت تمدن وزندهگی در کره مامیباشند. این نسل است که بردرازمدت تعیین می کنند آیا، آغاز هزاره نو در تاریخ بشرصفحه ترازیك خواهد بود ویا صفحه الهام بخشی برای آیندهزندگی نزدیك به ۱۳ سال دیگر که به آغاز قرن ۲۱ مانده است.

درسال ۲۰۱۷ خلق شوروی و بشریت مترقی صد مین سالگرد انقلاب اکتوبر راتجلیل خواهند کرد.

آیا در صدمین سالگرد انقلاب ما جهان در چه وضعی قرار خواهد داشت؟ سوسیالیزم چگونه خواهد بود؟ مردمان کشور های جهان چه تجارب و اندوخته های خواهند داشت؟ فرضیه پردازی نمی کنیم. بگذارید بخاطر داشته باشیم که بنیاد های آیندهامروز گذاشته میشود.

وظیفه ماست تا تمدن بی نظیر ما و زنده گی در روی زمین را حفاظت نماییم وبرجنون هستهیی خود چیره شویم وکلیه شرایط لازم را برای رشد آزاد و همه جانبه فردو بشریت در مجموع بیافرینیم.

ما آگاهیم که امکانپیشرفت متداوم وجود دارد. و هم میدانیم که تامین آن کار ساده ای نیست. ولی اینامر ما را نمی هراساندو برعکس مارا الهام می بخشد بهزندگی ما هدف والا و انسانی می بخشد و آنرا مفهوم نهایت عالی می بخشد.

در اکتوبر ۱۹۱۷ ما باجهان کهن وداع کردیم بهیکبارگی وبرای همیش. ما بسویجهان نودر حرکت هستیم. جهان کمونیزم، ما از ین راه هرگز بر نمی گردیم.

تحت نظر هیات تحریر
مدیر مسوول: م.ح بارق شفیعی

تیلفونها

مدیر مسوول: ٦٢٤٧٤ سکرتر مسوول: ٦٢٦١٤ شعبه اطلاعات: ٦١١١٨
معاون اول: ٦١٤٥٨ شعبه نامه ها: ٦١٧٠٣ سوچبورد: ٦١٨٧٨
شکایت وتوزیع: ٦٢٨٥٩

این شماره درهشت صفحه به چاپ رسیده است
شماره بعدی بروز شنبه ۱۶ عقرب نشر میگردد